

گفت و گو با سید یونس ادیانی، نویسنده «تالار آگاهی و گواهی»

# درست اندیشیدن، آموختنی است



ما هزاران دانشمند، فیلسوف و متفکر در جامعه ایران داشتیم. اما اکنون در چه وضعی هستیم و کدام متفکر را به جامعه جهانی معرفی کرده ایم؟ منظورم از دوره کنونی چهارصد سال اخیر است که طی این مدت در جا زدن و به دور خود چرخیدن را تجربه کردیم. این برای جامعه ایرانی با



«استیون کینزر و درس هایی از کودتای ۲۸ مرداد»  
۲۳



«مدیریت صنعت چاپ» در گفت و گو با محمد حسین فکری  
۱۹



«بچه ها را از سرمشق زندگی» محروم نکنیم  
۱۳

# کتابخانه

عکس: برنزی قدیمی

شنبه ۲۴ مرداد ۱۳۸۸  
۲۳ شعبان ۱۴۳۰، ۱۵ آگوست ۲۰۰۹  
شماره ۱۹۴، پیاپی ۸۴۵  
۲۴ صفحه، ۲۰۰ تومان

ISSN: 1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب  
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی  
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه  
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم  
تلفن: ۶۶۹۶۱۵۱-۴  
سازمان آگهی ها: ۲۲۵۵۲۴۶  
چاپ: ایرناچاپ

www.ketabehafteh.ir

۲  
نمایشگاه قرآن  
یکشنبه  
افتتاح می شود

۳  
• جایزه های ادبی  
به نام شاعر  
مقاومت فلسطین

• تحلیل رمان  
«ارباب حلقه ها»  
در کتابفروشی ها

۴  
• جوپا لاهیری  
در صدر

• کاروان های کتاب  
در راه مساجد

داوری ها آغاز شد

## رقابت ۷۶۶ اثر در سومین دوره جایزه «گام اول»

بعدی رسید، در حوزه داستان بزرگسال ۲۴۷ کتاب، در حوزه شعر کودک و نوجوان ۶۳ اثر و در حوزه داستان کودک و نوجوان هم ۱۴۷ اثر به دبیرخانه رسیده است.»

وی درباره هدف برگزاری این جایزه گفت: «همان گونه که از اسم این جایزه مشخص است، این جایزه تلاشی برای شناسایی و تشویق استعدادهایی است که برای نخستین بار کتابشان را منتشر کرده اند.»

محقق ابراز امیدواری کرد جایزه ادبی «گام اول» عرصه ای برای دیده و شناخته شدن در اختیار نویسندگان نو قلم قرار دهد. وی با بیان این مطلب که در طول تاریخ معاصر نویسندگانی بوده اند که پس از انتشار نخستین اثر، دیگر موفق به ادامه کار نشده اند، تصریح کرد: «این نویسندگان با تشویق و زمینه سازی، می توانستند بسیار موفق تر از برخی از نویسندگانی باشند که تعداد زیادی کتاب منتشر کرده اند اما تشویق نشدن و دیده نشدن این نویسندگان و رها کردن این حرفه از سوی آنان موجب شد تا استعداد های زیادی از دست بروند و این جایزه شاید کمکی به رفع این مشکل هم باشد.»



به گفته جواد محقق، دبیر علمی جایزه ادبی گام اول، در سومین دوره این جایزه ۷۶۶ اثر در چهار حوزه به رقابت می پردازند. وی جایزه ادبی گام اول را فرصتی برای شناسایی و تشویق استعداد های جوان دانست. سومین دوره این جایزه ادبی اوایل آبان امسال در ارومیه برگزار می شود. «گام اول» از سوی موسسه خانه کتاب برگزار می شود و افرادی که برای نخستین بار کتاب منتشر کرده اند، می توانند در آن شرکت کنند. چهارشنبه گذشته هیات داوران دو بخش شعر بزرگسال و داستان کودک و نوجوان سومین دوره جایزه ادبی «گام اول»، با حضور دبیر علمی این جایزه برای بررسی مرحله اول و دوم آثار رسیده به دبیرخانه تشکیل جلسه داد.

محقق در گفت و گو با «کتاب هفته» گفت: «در سومین دوره جایزه ادبی گام اول، تعداد ۷۶۶ اثر ادبی در حوزه های داستان و شعر در دو گروه سنی بزرگسال و کودک و نوجوان در حال رقابت اند و داوری این بخش ها از هفته گذشته آغاز شده است.»

وی ادامه داد: «در حوزه شعر بزرگسال ۳۰۹ عنوان اثر به دبیرخانه رسید که پس از داوری در مرحله اول، ۵۴ اثر به مرحله

سرآغاز

## وقت طلاست

چند وقت پیش در یکی از نشریات خانوادگی درباره استفاده از باقیمانده های صابون مطالب جالبی نوشته بودند. نوشته بودند که چطور می شود از قطعات بی مصرف صابون، یک قالب صابون تولید کرد. خواندن این مطلب این نکته را به یاد آورد که چطور است که ما حتی برای قطعات به جای مانده از یک صابون برنامه داریم اما برای اوقات اضافی خودمان هیچ فکری نداریم. اینکه وقتی در اتوبوس، تاکسی و مترو می نشینیم، وقت عزیزتر از طلایمان را به دست بطلت می سپاریم و هیچ فکر نمی کنیم که می توان از این لحظات چه استفاده ای کرد. اینکه نگاهمان را بی هدف روی اشیاء سر می دهیم و حتی به اطرافمان نگاه هم نمی کنیم. تا جایی که وقتی کسی نشانی مکانی را از ما می پرسد که سر راه ما قرار دارد، به لکت می افیم و نمی دانیم کجاست! آیا نمی توان از این لحظات استفاده کرد؟ آیا نمی توان کتابی را دست گرفت و خواند؟ نیازی نیست که این کتاب خیلی جدی و علمی باشد، اما خواندن یک کتاب معمولی بهتر است از نگاهی سرگردان به هر کس و هر چیز.

اگر از این جهت هم حساب کنید که امروز این ملت، ملتی است که در دنیا دچار ستم‌های ناشی از اعمال غرض قدرت‌های استکباری جهان است، پس باید از خودش دفاع کند، کدام دفاع ملی است که در درجه اول متکی به فرهنگ و آموزش و بینش و دانش نباشد؟ پس، باز هم به «کتاب» برمی‌گردیم. یعنی شما از هر طرف که بچرخید، مجبورید به کتاب اهمیت بدهید.

**بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری هفته کتاب ۱۳۷۵/۷/۳۰**

## ترجمه قرآن برای دانش‌آموزان

**ایکنا-** ترجمه‌ای منتخب از آیات قرآن ویژه کودکان و نوجوانان دانش‌آموز در همه گروه‌های سنی به همت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و مرکز قرآن و عترت وزارت آموزش و پرورش از سوی مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم منتشر می‌شود.

مرکز فرهنگ و معارف قرآن با همکاری وزارت آموزش و پرورش، در راستای انجام فعالیت‌های قرآنی ویژه مدارس، به انتشار ترجمه‌ای از قرآن ویژه دانش‌آموزان دوره‌های مختلف تحصیلی از پیش‌دستانی تا پیش‌دانشگاهی اقدام کرده است. **حجت‌الاسلام والمسلمین «محمدصادق یوسفی مقدم»** درباره این ترجمه از قرآن گفت: «در این طرح ابتدا برای هر مقطع و به فراخور سن و سطح دانش‌آموزان ۴۰ آیه از قرآن انتخاب و سپس این ۴۰ آیه متناسب با فهم و درک آنان ترجمه شده‌اند.» وی ادامه داد: «در ترجمه این آیات تلاش داشتیم تا از نثری روان، مناسب و مطابق با ذهن کودک و نوجوان بهره‌بریم، همچنین به شرایط روز، ویژگی‌ها و نیازهای مخاطبان نیز توجه شده است.» این قرآن پژوهی تصریح کرد: «این کتاب‌ها به صورت فعالیت‌های جانبی آموزش و پرورش در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد.» یوسفی مقدم در پایان گفت: «این طرح که بر اساس تفاهم‌نامه‌ای میان پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و مرکز قرآن و عترت وزارت آموزش و پرورش صورت گرفته تا پایان پاییز آماده انتشار می‌شود و پس از چاپ برای سال آینده تحصیلی در دسترس دانش‌آموزان قرار می‌گیرد.»

## برپایی نمایشگاه قرآن در دیگر کشورها

**ایکنا-** مدیر موسسه نشر بین‌المللی الهدی از انتخاب این موسسه به عنوان برگزارکننده نمایشگاه‌های آثار مکتوب قرآنی در خارج از کشور، هم‌زمان با ماه مبارک رمضان در سال جاری خیر داد. هوشنگ علی‌مددی مدیر موسسه انتشارات بین‌المللی الهدی از انتخاب این موسسه به عنوان مسوول برپایی نمایشگاه‌های نشر قرآن از سوی جمهوری اسلامی ایران در سایر نقاط جهان نام برد و افزود: «موسسه بین‌المللی انتشارات الهدی از سوی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی این مسوولیت را یافته است که در ماه رمضان سال جاری نمایشگاه‌های آثار مکتوب قرآنی کشور را در نقاط گوناگون جهان برگزار کند.»

مدیر موسسه انتشارات بین‌المللی الهدی تأکید کرد: «تمامی ناشران فعال در زمینه نشر می‌توانند با معرفی آثارشان به موسسه انتشارات الهدی، زمینه حضور و معرفی‌شان را در نمایشگاه‌های قرآن در سراسر جهان در ماه رمضان فراهم کنند، البته با توجه به زمان باقیمانده امکان این امر برای سال جاری مقدور نیست، ولی از سال آینده و با هدف معرفی انواع مصحف‌های منتشرشده در ایران، آماده همکاری با ناشران گوناگون در کشور حتی برای چاپ و نشر ترجمه‌های قرآن در اختیار آنها به صورت اشتراکی هستیم.»

## رئیس نمایشگاه قرآن خبر داد

# هفدهمین نمایشگاه قرآن ۲۵ مرداد افتتاح می‌شود



دعوت از خادمان برای حضور در غرفه‌هایی که ویژه آنان در نظر گرفته شده از دیگر برنامه‌های مورد اشاره خواجه پیری بود: «این برنامه امسال برای بار دوم است که برگزار می‌شود و هدف از آن ملاقات حضوری و رودرروی مردم با خادمان قرآنی مورد علاقه‌شان است.»

خواجه پیری درباره یکی از مهم‌ترین برنامه‌های بخش الکترونیک نمایشگاه امسال نیز یادآور شد: «نمایشگاه قرآن امسال به صورت آنلاین به سه زبان فارسی، انگلیسی و عربی از طریق شبکه جهانی اینترنت پخش می‌شود و علاقه‌مندان در سراسر دنیا می‌توانند از نمایشگاه به صورت مجازی دیدن کنند.» هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن ۲۵ مرداد بعد از نماز مغرب و عشاء افتتاح می‌شود و زمان بازدید نمایشگاه نیز در روزهای عادی از ساعت ۱۶ تا ۲۴ و در روزهای تعطیل از ساعت ۱۴ تا ۲۴ خواهد بود.

دکتر محمدعلی خواجه پیری، رئیس نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم از افتتاح هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن در روز یکشنبه ۲۵ مرداد با شعار «توسعه مفاهیم و خدمات حداکثری» خبر داد.

محمدعلی خواجه پیری، رئیس نمایشگاه قرآن و مدیر مرکز هماهنگی، توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی با اعلام این خبر درباره دلیل برگزاری زودهنگام نمایشگاه امسال گفت: «برای ایجاد شرایط مناسب برای بازدیدکنندگان شهرستانی، نمایشگاه قرآن امسال شش روز قبل از ماه مبارک رمضان آغاز خواهد شد.»

خواجه پیری همچنین در گفت‌وگو با کتاب هفته از تأسیس نخستین نمایندگی فروش کتاب در نمایشگاه قرآن امسال خبر داد و درباره دیگر برنامه‌های نمایشگاه قرآن امسال اظهار داشت: «در نمایشگاه امسال در بخش ترجمه علاوه بر ارائه انواع ترجمه‌هایی که تاکنون از قرآن شده، زندگینامه مترجمان نیز به سه زبان عربی، انگلیسی و فارسی به صورت تابلو و بروشور در معرض دید علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.» وی در ادامه درباره مراسم تجلیل از خادمان قرآن کریم یادآور شد: «از آنجا که سال گذشته زمان برگزاری مراسم تجلیل از خادمان با سفر رئیس‌جمهور به سازمان ملل هم‌زمان شد این مراسم برگزار نشد، از این رو امسال در پانزدهم ماه مبارک رمضان برگزار می‌گردد. در سه سطح خادم، فعال برگزیده و فعال ممتاز به صورت یکجا معرفی می‌شوند.»

رئیس نمایشگاه بین‌المللی قرآن همچنین از تجلیل خادمان پیشکسوت قرآنی که بالای ۸۰ سال سن دارند خبر داد و گفت: «این کار در واقع بهانه‌ای است برای این که بار دیگر از زحمات آنها قدردانی شود و البته از خادمانی هم که در فاصله بین برگزاری نمایشگاه سال قبل تا امسال فوت کرده‌اند با برگزاری مراسم بزرگداشت، تجلیل خواهد شد.» به گفته او سال گذشته این مراسم برای آیت‌الله معرفت و آیت‌الله مشکینی برگزار شد و امسال این بزرگداشت برای مرحوم محمد مهدی فولادوند برگزار می‌شود.

## معاون علمی دانشنامه جهان اسلام در سالروز بزرگداشت علامه مجلسی عنوان کرد

# علامه مجلسی را با زبان امروز به جوانان معرفی کنیم

حسن طارمی، معاون علمی دانشنامه جهان اسلام و مولف کتاب «علامه مجلسی» در آستانه سالروز بزرگداشت مرحوم علامه مجلسی در گفت‌وگو با کتاب هفته با بیان این که جوانان ما امروز درباره شخصیت‌های علمی و فرهنگی کشورشان نظیر علامه مجلسی سوالاتی دارند و ما وظیفه داریم این شخصیت‌ها را با ادبیات و زبان امروز به آنها معرفی کنیم از نگارش کتاب جدیدی درباره این اندیشمند نامی جهان اسلام خبر داد و گفت: «من در کتاب قبلی که سال ۷۵ نوشته‌ام به طور مفصل درباره جایگاه علمی علامه مجلسی، به ویژه در بحار الانوار، ویژگی‌های آن کتاب و این که چه گستره‌ای دارد و همچنین درباره نحوه سلوک ایشان با سلاطین و نوع ارتباطش با حکام وقت توضیحاتی داده‌ام و در کتابی که به تازگی نگارش آن تمام شده است در واقع همان مباحث را با زبان و ادبیات جدید به نحوی که برای مخاطبان جوان جذابیت داشته باشد مطرح کرده‌ام.»

طارمی با تأکید بر این نکته که در میان کسانی که در حوزه دین کار می‌کنند، سوالات فراوانی درباره علامه مجلسی وجود دارد از جمله این که آیا او یک آدم قشری و سطحی‌نگر بوده و آیا ایشان موجب برخی تندروی‌ها در تشیع، بوده گفت: «سوالاتی از این قبیل در میان جوانان امروز ما نیز مطرح است و ما باید این ابهامات را بررسی کنیم و پاسخ دهیم که اینها درست هستند یا نه.»

طارمی در ادامه یادآور شد: «به طور کلی درباره علامه مجلسی، دو یا سه جهت‌گیری اصلی مطرح است که من هم به نوعی در سرفصل‌های این کتاب به آنها پرداخته‌ام از جمله جایگاه علمی ایشان، آرای خاصی که در حوزه کلام و حدیث و احیاناً مواجعه‌اش با فلسفه و عرفان داشته است، همچنین فلسفه اجتماعی، دینی ایشان چه از نظر نحوه ارتباط با حکومت صفوی و داشتن منصب شیخ‌الاسلامی و چه اقداماتی که در نهادسازی برخی رفتارهای دینی داشته‌اند از جمله احیای مراسم ماه رمضان از جمله این سرفصل‌ها هستند.» معاون علمی «دانشنامه جهان اسلام» با تأکید بر این که علامه مجلسی از پیشگامان نگارش آثار دینی به زبان فارسی است متذکر شد: «با توجه به این که در زمان صفویه فرصتی برای رواج و نشر آثار شیعی پیدا شد، ایشان مجموعه آثار زیادی را به زبان فارسی درباره عقاید، اخلاق، فقه، تاریخ ائمه و آداب و سلوک سلاطین با مردم و وظایفی که آنها در قبال مردم دارند به نگارش درآورد.»

## ادامه نمایشگاه‌های استانی کتاب بعد از ماه رمضان

شرقی و فروین از جمله استانی‌هایی‌اند که درخواست برگزاری نمایشگاه در ماه‌های مهر و آبان را ارائه کرده‌اند. موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران پیش از برگزاری نمایشگاه‌های استانی کتاب، از امکانات مراکز استان‌ها، بازدید و سپس به برگزاری نمایشگاه اقدام می‌کند.

از ابتدای سال جاری تاکنون، سه نمایشگاه استانی کتاب در شهرهای اهواز، بیرجند و اردبیل برپا شده است. بنا به توافقات انجام شده، کتاب‌های نمایشگاه‌های استانی با ۴۰ درصد تخفیف (۲۰ درصد از سوی ناشر و ۲۰ درصد از سوی معاونت فرهنگی وزارت ارشاد) به علاقه‌مندان عرضه می‌شوند.

برگزاری نمایشگاه‌های استانی کتاب در ماه‌های مهر و آبان از سوی موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران ادامه می‌یابد. هم‌اکنون تعدادی از استان‌های کشور درخواست خود مبنی بر برگزاری نمایشگاه استانی کتاب را به این موسسه ارائه داده‌اند. کتاب‌های این نمایشگاه با ۴۰ درصد تخفیف عرضه می‌شود. موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران برگزاری نمایشگاه‌های استانی خود را در ماه مبارک رمضان به حالت تعلیق درمی‌آورد و در ماه‌های مهر و آبان برگزاری نمایشگاه‌های خود را به صورت گسترده‌تر از سر می‌گیرد.

استان‌های کردستان، مازندران، فارس، آذربایجان

## تازه‌های کتاب ماه

جدیدترین شماره نشریه‌های کتاب ماه، ویژه هنر، دین و علوم اجتماعی روی پیشخان کتابفروشی‌ها قرار گرفت.

در صد و سی‌امین شماره کتاب ماه هنر (تیر) برخی از موضوعاتی که بدان‌ها پرداخته شده، عبارتند از: فرهنگ دیرپای هنر خوشنویسی و واژه‌های ماندگار؛ تذهیب در نگارگری مکتب هرات؛ بررسی نقش و طرح در فرش‌های کردی کردستان؛ نقاشی مانویان؛ ویدئوآرت؛ فیلم به عنوان رسانه جدید برای بیان اندیشه‌های فلسفی.

کتاب ماه دین نیز در صد و چهلمین شماره (خرداد) با شش سرفصل: نشست، پرونده، درباره کتاب، جستار، پیشخان و روایت رویدادها، موضوعاتی نظیر: تاریخ‌گذاری قرآن، دشواره‌ها و چالش‌های پیش‌رو؛ نشست نقد کتاب درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن کریم؛ جدال امکان و امتناع فلسفه سیاسی اسلام به روایت کتاب امکان فلسفه سیاسی اسلام و ملاحظاتی درباره ترجمه عهد جدید را مورد بررسی قرار داده است.

شماره شانزدهم کتاب ماه علوم اجتماعی (تیر) نیز با زیرعنوان «ویژه مطالعات فرهنگی ۲» به مباحثی نظیر رویکردها در مطالعات فرهنگی، اقتصاد فرهنگ و صنایع فرهنگی، هویت قومی، انسجام اجتماعی، امنیت ملی، جامعه‌شناسی علم و انجمن‌های علمی در ایران، قلمرو موضوعات مردم‌نگاری، جهانی‌شدن، فرهنگ، زندگی روزمره و نظریه هژمونی پرداخته است.

## مهدی اباصلت نویسنده و فیلمساز

### جوان درگذشت

مهدی اباصلت نویسنده و فیلمساز جوان شامگاه سه‌شنبه، ۲۰ مردادماه بر اثر ایست قلبی درگذشت. اباصلت متولد ۲۸ آذرماه سال ۱۳۶۰ و دانش‌آموخته سینما بود و از جمله آثار او به فیلم‌های «خنک‌آباد» و «مسعود کیمیایی عاشق» می‌توان اشاره کرد. نمایشنامه «سادگی منو بیخوش کیارستمی» او هم چندی پیش منتشر شد. اباصلت در هفته‌های گذشته روی رمانی با نام «خواب‌هایم را بکش» کار می‌کرد و فیلم تلویزیونی «گره به سگ‌های عاشقی» را نیز در مرحله پیش تولید و انتخاب لوکیشن داشت.

# «محمود درویش» صاحب جایزه ادبی شد

جایزه ای ادبی یک سال پس از درگذشت محمود درویش، شاعر مقاومت فلسطین، به نام او نام گذاری شد. این جایزه توسط وارثان و خانواده این شاعر فقید فلسطینی تأسیس شده و در شهر «الجذیده» برگزار می شود.

به نوشته روزنامه اماراتی الخلیج، خانواده درویش این خبر را پس از حضور در شهر «الجذیده» که همزمان با نخستین سالروز درگذشت محمود درویش شاهد مراسمی ویژه و پرده برداری از تندیس این شاعر فقید بودند، اعلام کردند.

شهر الجذیده از توابع شهر «الجلیل» در کرانه باختری در فلسطین است. این شهر جایی است که خانواده درویش پس از ویران شدن خانه و کاشانه شان توسط اشغالگران رژیم صهیونیستی به آنجا نقل مکان کردند. تندیس که به مناسبت نخستین سالگرد درگذشت محمود درویش رونمایی شده، شامل عکس های حکاکی شده ای از محمود درویش و قطعه ای از شعر اوست. خانواده درویش هنوز جزئیات بیشتری از این جایزه اعلام نکرده اند اما به نظر می رسد این جایزه با همکاری وزارت فرهنگ فلسطین اهدا شود.

محمود درویش که به او لقب شاعر ملی این کشور را داده اند، در سال ۱۹۴۱ میلادی متولد شد. وی در سال ۱۹۴۸ پس از اشغال فلسطین توسط صهیونیست ها مجبور به مهاجرت از سرزمین خود شد. این شاعر پس از تبعید، مدتی در مسکو سکونت گزید و سپس



به مصر مهاجرت کرد. وی در این کشور و تحت فشار مجامع صهیونیستی، مدتی را در حبس گذراند و پس از آن، آشکارا فعالیت های سیاسی اش را برای رهایی فلسطین اشغالی پی گرفت و به سرودن اشعاری با مضامین اعتراضی و مدح آزادی پرداخت. وی پس از سال های تبعید، در سال های پایانی قرن بیستم موفق شد به سرزمین خود بازگردد. از سرورده های درویش می توان به مجموعه های «گنجشک های بی بال» (۱۹۶۰)،

## رمانی درباره مصائب رانندگان اتوبوس

«مگنوس میلز» که با نخستین رمانش موفق شد نامزد جایزه ادبی بوکر شود، اعلام کرده که راننده اتوبوس بودن را به نویسندگی ترجیح می دهد و همچنین آخرین رمانش را درباره مصائب رانندگان اتوبوس نوشته است. به گزارش تلگراف نیوز، این نویسنده در گفت و گویی، خوردن ناهار در کافه های سر راه، جاده های بین شهری، بزرگراه ها و جای نوشیدن هنگام رانندگی را از محبوب ترین تفریحاتش در زمان رانندگی می داند. «میلز» در این باره می گوید: «گوش کردن به رادیو و موسیقی های محلی، صحبت با مردم و از طرفی خوردن تنقلات هنگام رانندگی در زمانی که به رانندگی اتوبوس مشغول بودم، از جذاب ترین کارهایی بودند که به آنها می پرداختم.» مگنوس میلز ۵۵ ساله است و با نگارش نخستین رمانش توانست جزو نامزدهای نهایی جایزه ادبی بوکر در سال ۱۹۹۸ شود. این نویسنده اعلام کرد که این روزها بعد از نگارش شش رمان و موفقیت نسبی

که آثارش در میان آثار ادبی جهان به دست آورده است، هنوز گاهی دلتنگ شغل قبلی اش رانندگی اتوبوس می شود. رمان «مگنوس» که در سال ۱۹۹۸ تا مرحله نهایی جایزه بوکر پیش رفت، با نام «این جانور را نگه دار» رمانی کمدی است که با مهارت و زیرکی زیاد و پرداخت قدرتمند توسط «مگنوس»، به رشته تحریر درآمده است. پس از نگارش این رمان و استقبال عمومی مخاطبان و منتقدان ادبی از آن و پیشروی آن تا مرحله نهایی جایزه ادبی بوکر، «مگنوس» تصمیم گرفت تا نوشتن را به عنوان فعالیت حرفه ای خود آغاز کند. او بعد از کسب این موفقیت، آثارش را از قالب کمدی به قالب معمایی و پلیسی متمرکز کرد و رمانی را با عنوان «اکتشاف در شهر جدید» منتشر کرد. ششمین رمان این نویسنده که به تازگی به ناشر سپرده شده «مانع پیشرفت» نام دارد که درباره رانندگان اتوبوس و مصائب و شیرینی های حرفه آنان به رشته تحریر درآمده است.

### با انتشار «فرهنگ عقاید فیدل کاسترو» در کوبا

## دانشنامه فیدل کاسترو هم آمد

مجموعه سخنرانی ها، تفکرات و نوشته های متعلق به فیدل کاسترو، رهبر پیشین کوبا در قالب کتابی منتشر شد. این کتاب با نام «فرهنگ عقاید فیدل کاسترو» در هاوانا، پایتخت کوبا به چاپ رسیده است. این کتاب ۳۳۹ صفحه ای شامل ۱۹۷۸ مورد سخنرانی، جمله های مهم و نوشته های متعلق به فیدل کاسترو است که در ۴۹ سال رهبری کوبا از او به جای مانده اند. به گزارش روزنامه گاردین، کتاب یاد شده که به مناسبت هشتاد و سومین سال تولد کاسترو به چاپ رسیده، با استقبال فراوان شهروندان کوبایی همراه بوده است. مطالب این کتاب به ترتیب حروف الفبا نوشته شده اند و مرجعی برای مباحث ایدئولوژیک مربوط به عصر حاضر را در اختیار مخاطب قرار می دهند.

## جایزه ادبی «ریلکه» به پدر شعر سوییس رسید

«اوژن گومرینگر» ملقب به پدر شعر ملموس سوییس، به عنوان برنده جایزه شعر که در جریان فستیوال ادبی «ریلکه» اهدا می شود، معرفی شد. به گزارش خبرگزاری سوییس، این جایزه نخستین جایزه بخش شعر این فستیوال به شمار می رود که از ۲۱ تا ۲۳ آگوست در کشور سوییس برپا خواهد شد. «گومرینگر» در سال ۱۹۲۵ در کشور بولیوی متولد شد. والدین وی از دولیت متفاوت و پدرش سوییس و مادرش بولیویایی بودند. وی از سال ۱۹۴۴ تا ۱۹۵۲ در دو شهر برن و رم به تحصیل پرداخت و در سال های بعد، به عنوان پروفیسور به عضویت آکادمی هنر شهرهای دوسلدورف، کسل و برلین درآمد.

## تحلیل «ارباب حلقه ها» در کتابفروشی ها

«حلقه تعالی و تباهی» (تحلیلی بر رمان ارباب حلقه ها، اثر جی. آر. آر. تالکین) نوشته پرفیسور جین بی. هاردی با ترجمه مسعود ملک یاری منتشر شد.

این کتاب نخستین عنوان از یک مجموعه نقد ادبی است که به نقد و تحلیل رمان «ارباب حلقه ها» و نیز بیوگرافی جی. آر. آر. تالکین اختصاص دارد و توسط انتشارات قاصدک صبا و هگمتان منتشر شده است.

هاردی در این اثر به نقد و بررسی جهان تخیلی آثار تالکین، سبک این نویسنده و روش تحقیق او در نگارش رمان پرداخته است.

کتاب بعدی این مجموعه هم با عنوان «مینیای آزادی» به نقد رمان «کشتن مرغ مینا» اثر «هارپری» اختصاص دارد که با ترجمه ملک یاری به زودی روانه کتابفروشی ها خواهد شد.

## در «ایبنا» بخوانید

بامراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی «www.ibna.ir»، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب سایت «ایبنا» به شما امکان دستیابی به مطالب بیشتر را هم می دهد.

### احترام به کتاب و جلد آن

بخش «یادداشت روز» خبرگزاری کتاب که روزانه یادداشتی را از اهالی کتاب و قلم منتشر می کند، هفته قبل یادداشت هایی از حسین کریم زاده، طراح و کاریکاتوریست، پوراندهخت سلطانی، کتابدار و پایه گذار علوم کتابداری و اطلاع رسانی در ایران و حامد هاتف، روزنامه نگار و دبیر گروه ادب و هنر «ایبنا» را برای انتشار برگزید. کریم زاده در یادداشت خود از راه های ایجاد و افزایش جذابیت جلد کتاب نوشته است. وی در این یادداشت می نویسد: «من دست کم امر و زبانشوانه ای هفده ساله در ارتباط با دیزاین و تولید کتاب، به چیزی خلاف این نکته فکر می کنم و معتقدم اگر به کتاب و چشم مخاطب کتاب احترام بگذاریم، او نیز متقابلاً به کتاب احترام خواهد گذاشت».

خانم سلطانی، یادداشتی با عنوان «کتابخانه های پیشیناز و خدمات کتابخانه ای نوین» برای «ایبنا» تحریر کرده و در آن نوشته است: «انقلاب اینترنت در دنیای جدید خود پدیده ای دیگر است. کتابخانه ها برای این که بتوانند خدمات بهتری ارائه کنند، ابتدا مکانیزه و بعد الکترونیکی شدند، بعد دیجیتال و سرانجام مجازی، یعنی کتابخانه بدون دیوار، و این ظاهراً، غایت خدمات کتابخانه ای و اطلاع رسانی است.»

هاتف نیز در یادداشتی با نام «طنین بیداری» مروری داشته است بر پنج کتاب بانوان شاعر که در مجموعه کتاب های نشر «تکا» منتشر شده اند؛ طاهره صفارزاده (طنین بیداری)، سیمین دخت وحیدی (به درک عشق رسیدن)، ناهید یوسفی (گل ها به هوش نمی آیند)، فریبا یوسفی (حالات تو) و نرگس رجایی (هنوز زن بودم).

### عکس های کتابی

عکاسان «ایبنا» هفته گذشته، نشست تخصصی بزرگداشت حامیان نسخ خطی و آیین بزرگداشت شان، مراسم روز خبرنگار در هتل لاله تهران که با حضور خبرنگاران حوزه فرهنگ و کتاب نشریات مختلف، معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و مسئولان موسسه خانه کتاب برگزار شد و نشست رونمایی از کتاب «نمایشگاه جلوه هایی از آثار هنرمندان معاصر جهان» را به زبان تصویر گزارش کرده اند.

### نقد و معرفی جدیدترین کتاب ها

خبر انتشار جدیدترین آثار از سوی ناشران مختلف، معرفی کتاب هایی که به زودی قدم به کتابفروشی ها می گذارند، گفت و گوهایی با پدیدآورندگان آثار، شاعران، نویسندگان، ناشران و مترجمان، تازه ترین خبرها و گزارش ها از کتاب و ادبیات و نقد و تحلیل هایی بر کتاب های جدید، از دیگر مطالبی اند که می توان در پایگاه اینترنتی خبرگزاری کتاب ایران یافت.

### اخبار ایران در دید جهانیان

صفحه انگلیسی خبرگزاری کتاب ایران، هفته گذشته تحولات کتابی و اخبار آمار انتشار کتاب در حوزه های مختلف در ایران، مهم ترین عناوین مربوط به کتاب در نشریات فارسی زبان، گزارش نشست های سرای دائمی اهل قلم و انتشار تازه ترین کتاب های ترجمه شده به فارسی از نویسندگان غیر ایرانی را به گوش جهانیان انگلیسی زبان رساند. گذشته از آن گروه بین المللی «ایبنا» خبرهایی از کتاب در فراسوی مرزها به دید مخاطبان خود گذاشته است.

## جومپا لاهیری در صدر

دو کتابفروشی اطلاعات و خجسته، در هفته گذشته بیشترین فروش را در حوزه ادبیات داشته‌اند.

به گفته مسوولان فروش این کتابفروشی‌ها، حوزه ادبیات به‌ویژه در زمینه آثار کلاسیک در اغلب روزها با استقبال بیشتری از سوی مخاطبان روبه‌رو شد.



«شرح جامع مثنوی معنوی» با تصحیح کریم زمانی از انتشارات اطلاعات و «خاک غریب» اثر جومپا لاهیری با ترجمه امیرمهدی حقیقت از نشر ماهی؛ «زن و زبان» اثر عبدالله غزالی با ترجمه هدی عوده تبار از انتشارات گام نو و «رازهای سرزمین من» اثر رضا براهنی از نشر نگاه، از پرفروش‌های هفته گذشته در حوزه ادبیات بودند. برخی از آثار دیگری که از سوی انتشارات اطلاعات در فهرست پرفروش‌ها قرار گرفته عبارت بودند از: در حوزه روان‌شناسی «رابطه بین والدین و کودکان» اثر هایم جی مینات با ترجمه سیاوش سرتیپی؛ «پیشگامان روان‌شناسی رشد» اثر ویلیام سی. کریک با ترجمه فرید فدایی و «نه گامی جلوتر، نه گامی عقب‌تر» اثر جان‌اتان رابینسون با ترجمه مهین صدیقی. در حوزه سیاست، کتاب «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی» اثر حسین فردوست و «بی نظیر بوتو دختر شرق» به قلم بی نظیر بوتو با ترجمه علیرضا عیاری و در حوزه دین، دو کتاب «فضیلت‌های فراموش شده» اثر حسینعلی راشد و «کتاب الاربعین» اثر محمد غزالی با ترجمه برهان الدین حمدی.

# کاروان‌های کتاب به مساجد کشور می‌روند

بر اساس استاندارد کتابخانه‌های عمومی با گرایش به کتاب‌های مذهبی صورت می‌گیرد.

به گفته مدیر کل کتابخانه‌های مساجد کشور، از سال ۸۶ تاکنون کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی نیز در فهرست آثار ارسالی به کتابخانه‌های مساجد قرار گرفته‌اند. هاشمی در این باره یادآور شد: «در سال ۸۶ با توجه به نظر سنجی‌هایی که از اعضا و کتابداران داشتیم، نتیجه گرفتیم که اگر کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی را هم در میان آثار ارسالی داشته باشیم باعث می‌شود جوانان بیشتری در کتابخانه‌های مساجد عضو شوند که البته همین اتفاق هم افتاد. یعنی در آمارهای اولیه‌ای که داشتیم تعداد اعضا حدود ۲۰ درصد، افزایش پیدا کرد.»



که اعلام وصول می‌گیرند، وارد شورای خرید می‌شوند و بر اساس آن از میان کتاب‌های چاپ نخست، کتاب‌های مورد نیاز را انتخاب و به کتابخانه‌های مساجد ارسال می‌کنیم.»

هاشمی درباره نحوه انتخاب عناوین و موضوعات این کتاب‌ها نیز یادآور شد: «ما نمایندگان را در هیات نظارت بر خرید کتاب داریم که آنها کتاب‌های مورد نیاز مساجد را انتخاب می‌کنند و این انتخاب

به مناسبت روز جهانی مسجد (۳۰ مرداد) و در آستانه فرا رسیدن ماه مبارک رمضان، کاروان‌های کتاب از سوی ستاد مرکزی کتابخانه‌های مساجد به استان‌های کشور ارسال می‌شوند.

ابوالفضل هاشمی مدیر کل کتابخانه‌های مساجد کشور در گفت‌وگو با کتاب هفته با اعلام این خبر و با اشاره به این که اغلب این کتاب‌ها، کتاب‌های مرجع مذهبی نظیر قرآن، مفاتیح‌الجنان، نهج‌البلاغه و دیگر آثار مرجع مذهبی‌اند، اظهار داشت: «این حرکت به نوعی هدیه‌ای از سوی این ستاد برای کتابخانه‌ها و از جمله برای کتابخانه‌های باز است که برای همه استان‌ها ارسال خواهد شد.»

مدیر کل کتابخانه‌های مساجد کشور در پاسخ به این سوال که این کتاب‌ها با چه ملاک‌هایی انتخاب و چگونه خریداری می‌شوند؟ گفت: «خرید تمامی کتاب‌هایی که برای کتابخانه‌های مساجد ارسال می‌کنیم، توسط شورای خرید وزارت ارشاد صورت می‌گیرد، یعنی طبق روال، یک نسخه از کتاب‌هایی

## پاییز صحرائی و گابریل مارسل

### برنامه‌های این هفته سرای اهل قلم

خواهد بود و نشست روز چهارشنبه نیز با عنوان آکادمی فانتزی تنها نشست این روز است.

کارگاه داستانخوانی «هدیه ولتائین» از ساعت ۱۵ تا ۱۷، نشست «دستری آزاد» از ساعت ۱۵ تا ۱۷، نشست صنعت چاپ از ساعت ۱۶ تا ۲۰ و بقیه نشست‌های این سراز ساعت ۱۷ تا ۱۹ برگزار خواهند شد.

سرای دائمی اهل قلم در خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره ۲ واقع شده و شرکت در این برنامه‌ها برای عموم آزاد است.

کتاب «انسان مسئله‌گون» اثر گابریل مارسل با حضور یاسر هدایتی؛ کارگاه داستانخوانی «هدیه ولتائین» اثر سارا عرفانی با حضور احسان عباسلو، سارا عرفانی و حسن حبیب زاده؛ نقد و بررسی کتاب «توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی» و نشست «دستری آزاد» - openac با حضور دکتر محمدرضا قانع، دکتر امید فاطمی، دکتر کیوان کوشا، دکتر حمیدرضا جمالی مهمویی و سید ابراهیم عمرانی.

نشست تخصصی صنعت چاپ با حضور کارشناسان این حوزه تنها نشست روز سه‌شنبه

برنامه‌های این هفته سرای دائمی اهل قلم از سوی خانه کتاب اعلام شد.

امروز، شنبه بیست و چهارم مرداد نشست دیگری از سلسله نشست‌های مولوی پژوهی با حضور دکتر گوهری، دکتر مهدی نجفی و دکتر پرویز عباسی داکانی برگزار می‌شود.

نشست فردا بیست و پنجم مرداد نیز به نقد و بررسی کتاب «پاییز صحرائی» اثر محمدرضا بایرامی با حضور منصوره شریف‌زاده، حسین فتحی و کامران پارسی‌نژاد اختصاص داده شده است.

«تاریخنگاری دینی» عنوان نشست دیگری است که در همین روز (یکشنبه) با حضور دکتر نورایی، دکتر جودکی، دکتر مجتبابی، دکتر قایمی‌نیا و حبیب‌الله اسماعیلی برگزار می‌شود.

میهمانان سرای اهل قلم روز دوشنبه شاهد برگزاری چهار نشست خواهند بود؛ نقد و بررسی

## افتتاح ۱۴ کتابخانه در مازندران

اینها تا پایان سال جاری (پایان برنامه چهارم توسعه) ۱۴ کتابخانه جدید در استان مازندران راه‌اندازی و به چرخه خدمت‌رسانی وارد می‌شوند.

مدیر کل کتابخانه‌های استان مازندران، روند آماده‌سازی ۱۴ کتابخانه در دست ساخت را تشریح کرد. به گفته وی، ساخت «کتابخانه عمومی آمل» با زیربنای ۷۰۰ متر مربع و «سرخ‌رود» محمودآباد با زیربنای ۴۵۰ متر مربع، ۷۰ درصد پیشرفت داشته‌اند. از ۱۲ کتابخانه دیگر نیز که باید تا پایان سال جاری افتتاح شوند، چهار باب با اعتبار استانی، چهار کتابخانه با اعتبار وزارت نفت و بقیه با اعتبار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ساخته می‌شوند. رمضانعلی محسنی، خاطر نشان کرد: «ساخت کتابخانه‌های «خلیل شهر» بهشهر، «سلمان شهر» تنکابن و «کتاب» بابل با زیربنای ۷۰۰ متر مربع و «مرزن‌آباد» جالوس با زیربنای ۵۰۰ متر مربع از محل اعتبار استانی تاکنون ۲۰ درصد پیشرفت داشته‌اند. اعتبار اختصاص یافته در سال جاری به این کتابخانه‌ها، یک میلیارد ریال بوده است.» وی افزود: «با تخصیص هشت میلیارد ریال اعتبار از سوی وزارت نفت، تا پایان شهریور ماه ساخت کتابخانه‌های «فریم» ساری، «زرگر محله» و «مرزیکلا» بابل و «داوود دشت» آمل آغاز می‌شود. این کتابخانه‌ها هر یک ۵۰۰ متر مربع زیربنا دارند.»

به گفته محسنی، بر اساس مصوبه سفر هیات دولت باید تا پایان سال جاری، کتابخانه‌های «کلارآباد» و «شیرود» تنکابن، «گزنگ» آمل و «ایزدشهر» نور با اعتبار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ساخته شوند. زمین این کتابخانه‌های ۵۰۰ متر مربعی فراهم شده و در انتظار جذب اعتبارند.

## روستاهای کوثر صاحب کتابخانه می‌شوند

جلب مشارکت دهیاران در راه‌اندازی کتابخانه در روستاهای واجد شرایط، از برنامه‌های اداره کل کتابخانه‌های اردبیل در شهرستان کوثر است.

مدیر کل کتابخانه‌های استان اردبیل، با اعلام این خبر گفت: «از جمعیت ۲۷ هزار و ۴۷۲ نفری شهرستان کوثر، ۱۷ هزار و ۴۲۷ نفر روستائین‌اند. در عین حال فقط یک کتابخانه روستایی در این شهرستان دایر است و در جلسه انجمن کتابخانه‌های کوثر، به تصویب رسید که برای جلب مشارکت دهیاران روستاهای پرجمعیت در راه‌اندازی کتابخانه اقدام شود.» یاسر محمدپور، خاطر نشان کرد: «اهالی شهرستان ۲۷ هزار و ۵۰۰ نفری کوثر اردبیل به سه کتابخانه با زیربنای کلی یک هزار و ۱۶۳ متر مربع دسترسی دارند و به‌ازای هر یک از اهالی شهرستان کوثر اردبیل، یک نسخه کتاب در کتابخانه‌ها موجود است.» وی از زیباسازی کتابخانه‌های اردبیل در سال ۸۸ خبر داد و افزود: «توسعه فضای سبز و زیباسازی معماری داخلی کتابخانه‌ها در جذب مخاطبان و مراجعان موثر خواهد بود.»

باسمه تعالی

### نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران

در آستانه دهه چهارم انقلاب اسلامی شکوهمندت بزرگ ایران و به منظور تکوینت طی سال‌های بیداری، بهسرفرازی و عدالت، بهیبت و آزادی و با هدف آید آن همه حماسه آفرینی‌های شور انگیز در حافظه تاریخی بشری، نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران برگزار می‌شود. این مسابقه فرصتی است برای همه صاحبان ایده و نظر و دیدگاه‌های خلاق، هنرمندانی که خود را در تاریخ و سرنوشت بیهمتای ایران شریک و دخیل می‌دانند و اهمیت روشنگری و دانش‌سازایی حقایق و وقایع را برای فرزندان امروز و فردا فریادشان. مناسب با موضوع رویداد انقلاب اسلامی برای انسان‌هاست و روش‌های تربیتی، آرمان‌های ملی و آزادی، خواهی، نشوونمایی و عدالت‌طلبی، حماسه‌سازی، ابتکار و سایر تأثیرات تمدنی آن در جهان کنونی، آثار مدافعال و شایسته‌ای را به گنجینه‌ی ادبیات نمایشی کشور خواهند افزود.

مشارک مورد نیاز:

۱. فرم پر شده تقاضای حضور در مسابقه برای هر نمایشنامه‌ی پر کردن یک فرم جداگانه الزامی است.
۲. نمایشنامه‌ی پر شده آثار وجود ندارد.
۳. سه نسخه تکاپ شده از نمایشنامه به همراه لایق آن در محیط ورد ۲۰۰۰۰ در روی لوح فشرده.
۴. یک صفحه عکس پرسنلی نویسنده.

جوایز مسابقه:

به منظور حمایت و تشویق‌های معنوی آثار برگزیده در قالب کتاب مستقل منتشر خواهد شد. همچنین جوایزی به رسم یادبود به‌ده اثر برگزیده به شرح زیر اعطاء می‌شود:

۱. سه اثر برگزیده نخست، هر یک ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل دو میلیون تومان.
۲. سه اثر برگزیده دوم، هر یک ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون و پانصد هزار تومان.
۳. چهار اثر برگزیده سوم، هر یک ۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون تومان.

گاه شمار:

۱. ارسال آثار از طریق پست سفارشی تا تاریخ ۸۸/۱۲/۳۰
۲. اعلام نتایج و اعطای جوایز تا تاریخ ۸۸/۱/۳۰

فرم تقاضای حضور در نخستین مسابقه سراسری نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران

نام نویسنده: \_\_\_\_\_

میران نمایشنامه (یا ذکر رشته و گرایش): \_\_\_\_\_ شماره تماس (شماره همراه): \_\_\_\_\_

نشانی دقیق پستی: \_\_\_\_\_

آینده: \_\_\_\_\_ با اطلاع کامل از مدار فراخوان نخستین مسابقه سراسری نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران، مشارک فوق را در وضاحت و درستی ارائه می‌دهد.

تاریخ و امضا: \_\_\_\_\_

آدرس: خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان فلسطین و صاعق جنوبی، ساختمان شماره ۱۰۰، طبقه دوم، روابط عمومی، صندوق پستی: ۲۱۴-۲۱۳۵ شماره تماس: ۰۲۱-۶۶۶۶۶۶۶۶



گزارشی از تنها کتابفروشی در قلب بازار لوازم ورزشی تهران

# یکی یکدانه منیره، چهل و هفت ساله است!

در بین این گفت و گوها، افراد متعددی وارد مغازه می شوند و درباره کتاب های ورزشی مورد نیازشان پرس و جو می کنند.

یکی از خریدارانی که مخاطب قدیمی این فروشگاه است، اینجا را مکان مناسبی برای تهیه کتاب های ورزشی می داند و می گوید: «در این مغازه امکان تهیه تمام کتاب های ورزشی موجود در بازار نشر وجود دارد. همچنین قیمت تمام شده کتاب ها کمتر از تهیه آنها از طریق خود انتشارات است!»

وی که فروشنده لوازم و کتاب ورزشی در شهر ایلام است، برای خرید از فروشگاه اورست، از ایلام به تهران می آید تا کتاب های مورد نظر خود را از این فروشگاه تهیه کند.

تامل چند دقیقه ای در تنها کتابفروشی بازار لوازم و البسه ورزشی، به راحتی خط بطلانی بر این نظریه می کشد که ورزشکاران ما کتابخوان نیستند. دست کم، مراجعات فراوان ورزشکاران و مربیان به فروشگاه اورست حکایت از این موضوع دارد.

امافراموش نشود که فعالیت در حوزه های فرهنگی و زیربنایی ورزش، ضرورتی انکارناپذیر است که متأسفانه امروزه از سوی مسوولان ورزش کشور توجه چندانی به آن نمی شود. جا دارد مسوولان نهادها و سازمان های متولی ورزش به این گونه فعالیت ها نگاه عمیق تری داشته و از عوامل گسترش فرهنگ مطالعه و کتابخوانی در میان ورزشکاران حمایت کنند.



ادامه می دهد.

علی اردوخانی، یار قدیمی علی دمخصی، سال هاست در فروشگاه اورست فعالیت می کند. او نیز معتقد است: «کتاب و فعالیت در این زمینه، کاری فرهنگی است و متأسفانه به دلیل وجود مشکلات فراوان، هم از جنبه مالی و هم از لحاظ پشتیبانی مسوولان از فعالان حوزه کتاب ورزشی، هیچ گونه فعالیت مناسبی در حوزه کتاب تا امروز انجام نشده است.»

و خاطرات دوران گذشته برپایم تداعی می شود و از این حس لذت می برم.» او معتقد است: «جوانان و ورزشکاران باید بدانند که هر چه سطح اطلاعات خود را در رشته های ورزشی افزایش دهند، می توانند به شکل موثرتری به ورزش بپردازند.»

وی درباره اولین ناشری که با آن همکاری کرده و نخستین کتاب هایی که به فروش رسانده است، این گونه اظهار نظر می کند: «اولین انتشاراتی ای که با آن همکاری کردم، انتشارات «دانش» بود و با ارائه کتاب «آموزش بوکس» فعالیت خود را آغاز کردم.» مجموعه کتاب های صادق سلامی (نویسنده و مربی رسمی پرورش اندام) و کتاب «بدنسازي بزرگ» از «آرنولد شوارتزنگر»، و ایبال، کاراته، کونگ فو و انواع کتاب های درمانی و آسیب شناسی ورزشی، کتاب های جدید این فروشگاه به حساب می آیند.

اما به راستی در شلوغ بازار فروشگاه های وسایل ورزشی، وضعیت کار و کاسبی یک کتابفروشی ورزشی چگونه است و به قول معروف آیا دخل و خرجش جور درمی آید؟

وقتی از او در این باره سوال می شود، آهی می کشد و می گوید: «کتاب مظلوم است زیرا اگر کتابی سال ها در فروشگاه باقی بماند، بر قیمت آن افزوده نخواهد شد. نبود حمایت از کتابفروشی ها هم باعث تعطیلی بسیاری از آنها شده است، در حالی که لوازم و اجناس ورزشی هر ساله بر قیمتشان افزوده می شود و بسیاری از مغازه های قدیمی و حتی غیر ورزشی این منطقه نیز به فروش این نوع لوازم روی آورده اند.»

اصغر شریف، یکی از مغازه داران قدیمی حول و حوش میدان منیره و همسایه فروشگاه اورست، سلام می کند و بدون تعارف وارد بحث می شود. او می گوید: «دمخصی، فردی با علم و آگاه است و به ترویج دانش هم اهمیت می دهد، اما متأسفانه امروزه به دلیل جنبه های اقتصادی و سود اندک کتاب در بازار لوازم ورزشی، در این حوزه فعالیت مناسبی انجام نمی شود و تنها، فروشگاه اورست همچنان به فعالیت خود در حوزه پخش کتاب های ورزشی

کامران میرزا، فرزند سوم نایب السلطنه ناصرالدین شاه بود. مادرش منیر السلطنه نام داشت و محله ای در زمان قاجاریه که قشر مرفه آن زمان در آن زندگی می کردند، به نام او نامگذاری شده بود. این محله امروزه به نام منیره شناخته می شود.

بیش از ۵۰ و شاید هم ۷۰ سال است که در این نقطه از شهر فروش لوازم ورزشی رواج دارد که فعالیت آنها از سه یا چهار باب مغازه آغاز شد و در حال حاضر بیش از صد مغازه در این عرصه به فعالیت مشغولند، اما زمانی که اطراف میدان منیره قدم می زیند و نظاره گر ویتترین های رنگارنگ و جذاب مغازه های مدرن و امروزی لوازم ورزشی هستید، ناگهان یک ویتترین ساده و پر از کتاب - که روی جلد تعدادی از آنها را خاک گرفته است - توجه شما را جلب می کند. وارد مغازه که می شوید، مرد مسنی در گوشه مغازه نشسته است.

علی قلی دمخصی حدود ۸۳ سال سن دارد، دارای مدرک کارشناسی زبان انگلیسی و بازنشسته آموزش و پرورش در سال ۱۳۵۷ است. وی به دلیل علاقه بسیاری که به کتاب و کتابخوانی و ترویج مطالعه در میان جوانان داشت، سال ۱۳۴۱ تصمیم به حضور در این عرصه گرفت و با گشایش فروشگاه با عنوان «مرکز پخش کتاب های ورزشی و رزمی» که امروزه با نام «اورست» شناخته می شود و از قدیمی ترین فروشگاه های میدان منیره تهران به حساب می آید، فعالیت خود را آغاز کرد.

به عقیده دمخصی «ورزش بدون علم، ورزش نیست، زیرا هیچ پیشرفتی نخواهد داشت». او در این باره می گوید: «با هدف کمک کردن به جوانان برای وارد شدن به راه صحیح زندگی، بیش از پنجاه سال است که در این حوزه به فعالیت پرداخته ام تا جوانان را در مسیر مطالعه کتاب های ورزشی قرار دهم.»

این مغازه اولین پخش کننده تخصصی کتاب های ورزشی در تهران است و هنوز به همان شکل قدیمی و اولیه خود باقی مانده است. ظاهر کهنه آن هم برای صاحبش زیباست: «هر روز که به مغازه می آیم، یاد

**تور فرهنگی نمایشگاه بین المللی کتاب مسکو**

۱۱ تا ۱۸ شهریور

بازدید از بزرگترین نمایشگاه کتاب منطقه

بازدید از مراکز فرهنگی و تفریحی شهرهای مسکو و سنت پترزبورگ

بازدید از بزرگترین مراکز نشر و پخش کتاب روسیه

ملاقات با دست اندرکاران چاپ و انتشارات کشور روسیه

بازدید یکی از پرتیراژترین روزنامه های کشور روسیه

و برنامه های متنوع فرهنگی و تفریحی دیگر...

برای دریافت اطلاعات تور فرهنگی و چگونگی ثبت نام با شماره تلفن ۸۸۹۳۷۰۸۷ یا همراه ۰۹۱۹۲۲۷۷۳۹۳ تماس حاصل فرمایید.

**خبر...**

**با نگاهی به نظریات آدورنو صنعت فرهنگ در جوامع باز و بسته بررسی می شود**

سیاوش جمادی، مترجم و نویسنده آثار فلسفی، روز سه شنبه ۲۷ مرداد به بررسی نظریه صنعت فرهنگ در جوامع باز و بسته، نقدهای وارد بر صنعت فرهنگ و کارکرد آن می پردازد.

این جلسه از سلسله نشست های هفتگی شهر کتاب است که از ساعت ۱۷ آغاز می شود. سخنرانی جمادی با تمرکز بر آرای تئودور آدورنو، فیلسوف نامدار مکتب فرانکفورت و بانی نظریه صنعت فرهنگ است که برای نخستین بار این نظریه را در کتاب «دیالکتیک روشنگری» طرح می کند. این نظریه مربوط به دهه ۶۰ میلادی است و به لحاظ نتایج عملی و مباحث نظری مورد بحث و گفت و گو بوده است.

مرکز فرهنگی شهر کتاب در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نیش کوچه سوم، شماره ۸ واقع شده است.

**شکایت ۲۰۰ نویسنده مصری از بزرگترین انتشارات عرب**

نزدیک به ۲۰۰ نویسنده و شخصیت فرهنگی مصری با امضای نامه ای خطاب به «فاروق حسنی» وزیر فرهنگ مصر، از شیوه های نشر «هیات عام کتاب مصر» بزرگترین ناشر مصری و عربی شکایت کردند. به نوشته روزنامه مصری الیوم السابع، در این نامه بلندبالا، برخی نویسندگان از این که کتابشان نزدیک به پنج سال در این مرکز باقی مانده و هنوز نوبت انتشارشان نرسیده و در مقابل ۱۴ کتاب از یک نویسنده در یک سال منتشر شده، به شدت گلایه کرده اند. نویسندگان در این نامه همچنین نسبت به رفتار هیات عام کتاب مصر که به برخی نویسندگان اجبار می کند پس از چاپ کتابشان برکه صرف نظر از حقوق خود را امضا کرده و تمام حق و حقوق تالیف خود را به هیات عام واگذار کنند، به شدت اعتراض کرده اند.



# روایت‌های تازه در راهند

مانده است. ما باید آثاری تولید کنیم که بتواند جامعه آزادگان را راهنمایی کند و آموزش دهد که چگونه با خاطره سال‌های سخت زندان کنار بیایند و چگونه عوارض روحی ناشی از آن رافراموش و شرایط روحی خود را با موقعیت امروز سازگار کنند.»

## استقلال ادبیات آزادگان

روال تولید کتاب از خاطرات آزادگان معمولاً به این صورت است که نویسندگان به سراغ آزادگان می‌روند و خاطرات آنها را می‌گیرند و بازنویسی می‌کنند و آزادگان معمولاً در مقام مصاحبه‌شونده ظاهر می‌شوند. اگرچه این شیوه مطلوبی است اما برای تقویت این گونه کتاب‌ها لازم است که حتی آزادگان آموزش ببینند و قلم به دست بگیرند تا بتوانند ادبیات مستقلی خلق کنند و به جای آنکه کتاب‌های آنها با سایر کتاب‌های حوزه پایداری سنجیده شوند به عنوان یک گونه مستقل شناخته شوند. با گذشت نزدیک به ۲۰ سال از آزادی نخستین گروه از آزادگان، همچنان حجم تولید کتاب برای این گروه از اینثارگران سهم‌اندکی از مجموع کتاب‌های مشابه دارد. رئیس اداره تالیف و انتشار نشر شاهد در توجیه این وضعیت می‌گوید: «علت این است که آزادگان به تعداد معدود و انگشت‌شماری در اردوگاه‌ها زندگی می‌کردند و عموماً خاطرات محدود و مشترکی دارند و با این رویکرد غالباً کتاب‌های خاطرات آزادگان به تکرار رسیده است. به همین دلیل مراکز انتشاراتی این آثار را به دلیل تکراری بودن حذف می‌کنند. مسأله دیگر این است که بخشی از خاطرات آزادگان مواردی خاص را شامل می‌شود که انتشار آن در قالب کتاب این تصور را به وجود می‌آورد که این نوع از اتفاقات که در قالب خاطره بیان شده است یک اتفاق معمول و روال مرسوم در میان آزادگان بوده است. به این لحاظ ما از کارشناسان خبره که خود از آزادگان شاخص بوده‌اند و سال‌های زیادی را در اردوگاه‌های مختلف به عنوان اسیر سپری کرده‌اند کمک می‌گیریم تا چیزی را در قالب کتاب منتشر کنیم که به صلاح مخاطب باشد و به عنوان یک واقعیت تاریخی ارزش طرح کردن داشته باشد. شکی نیست که جمع‌آوری و نگهداری همه خاطرات یک کار ضروری است ولی انتشار همه خاطرات ممکن است به صلاح خود آزادگان نباشد. بنابراین ما در این حوزه با محدودیت‌هایی مواجه هستیم. در عین حال باید توجه داشت که کار در حوزه آزادگان بسیار حساس است. بنابراین ما و شهدا بعد از اتفاقی که برایشان افتاد چه خودشان و چه یاد و خاطره‌شان از حمایت‌های اجتماعی برخوردار بوده‌اند اما آزادگان سال‌ها به دور از جامعه در یک محیط غیرطبیعی و در بمباران اطلاعاتی حزب بعث و منافقان قرار داشتند و شرایط خاصی را سپری کرده‌اند که نمی‌توان بر انتشار بسیاری از خاطرات آنها اصرار و پافشاری کرد.»

## نهیض فرهنگی برای انتقال آموزه‌های

### پایداری در اسارت

در روزهای اخیر ستاد تازه‌ای با همکاری ستاد فرماندهی کل قوا، هلال‌احمر و چند مرکز و ارگان دیگر آماده شده است تا به جمع‌آوری آثار مرتبط با اینثارگران و تمام آثار منتشر شده در قالب مطبوعات، رسانه‌ها و کتاب‌ها نظم و نسق تازه‌ای به این موضوع ببخشد. شاید لازم است برای بررسی بیشترین موضوع در فرصتی دیگر به فعالیت‌های این ستاد در حوزه تولید کتاب بپردازیم تا شاید از این رهگذر بتوان یک نهضت فرهنگی برای انتقال تجربیات و آموزه‌های پایداری به نسل‌های آینده تدارک دید.



ارزش دارد و به اسارت آنها ارزش و ارج و قرب داده است. چرا که نفس اسارت در دست دشمن ارزشمند نیست بلکه پایداری و مقاومت در زندان و پایداری بر تفکر و اندیشه و هدف تالحمظه آزادی به اسارت ارزش داده است. این موضوع مهم‌ترین رویکرد انتشارات شاهد در بحث کتاب‌هایی با محوریت آزادگان است.»

## عبور کتاب از کلیشه‌های خاطرات

بسیاری از کارشناسان معتقدند کتاب‌های حوزه آزادگان باید فراتر از ذکر خاطرات و تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی و دوران اسارت باشد. استناد این کارشناسان به مسائل و دغدغه‌هایی است که جامعه آزادگان به آن مبتلایند اما غالب افراد جامعه از توجه به این موضوع غافلند چرا که آزادگان عموماً دردها و رنج‌های پیدا و پنهانی از جنگ تحمیلی در روح و جسم خود دارند که با گذشت زمان این دردها نمود عینی پیدا می‌کند و حتی زندگی عادی آنها را مختل می‌کند. جراحت‌های جنگ تحمیلی از یک سو و فشارها و شکنجه‌های جسمی و روحی‌ای که آزادگان صبورانه و سرافرازانه در دوران اسارت تحمل کرده‌اند نیاز به مرهمی دارد که کتاب می‌تواند به عنوان یک رسانه آموزشی در چنین مواقعی به کمک یک فرد آزاده یا خانواده و اطرافیان او بیاید که خوشبختانه نشر شاهد از این موضوع غافل نبوده است.

میرکاتمی در این باره شرح مفصلی از اقدامات نشر شاهد بیان می‌کند و می‌گوید: «آزادگان از نظر بنیاد شهید جانباز تلقی می‌شوند و حتی در نظام تعیین درصد جانبازی نیز وضعیت و شرایط آنها لحاظ می‌شود چرا که در اردوگاه‌های عراق تحت فشارهای زیاد روحی و عصبی و گاه شکنجه‌های جسمی قرار گرفته‌اند و تبعات این آزار و اذیت‌ها را بعد از آزادی نیز با خود دارند. بنابراین امکانات فرهنگی و مادی‌ای که برای جانبازان در نظر گرفته می‌شود به آنها نیز تعلق دارد. در همین زمینه کارهای مطالعاتی گسترده برای نیازسنجی آزادگان و پاسخ به این نیازها صورت گرفته اما هنوز کتابی در این موضوع تولید نشده است. مراکز تحقیقاتی روی این موضوعات حساس بوده و کار می‌کنند و نشر شاهد آماده است تا به محض تکمیل این تحقیقات خروجی آن را به صورت کتاب منتشر کرده و در اختیار جامعه قرار دهد. البته از سوی مراکز انتشاراتی دیگر کتاب‌هایی با عناوین «روان‌شناسی اسارت» و... منتشر شده است اما هنوز فضای کار باقی

در حوزه مسائل مربوط به آزادگان، محدودیت‌ها، کمبودها، راهکارها و برنامه‌ها پرسیده‌ایم.

## از ۱۲۷۱ روز اسارت تا یادداشت‌های صبوری

سیدمحمد میرکاتمی، رئیس اداره تالیف و انتشارات بنیاد شهید از انتشار ۹ عنوان کتاب از خاطرات آزادگان جنگ تحمیلی خبر می‌دهد و می‌گوید: «پیش از ادغام نهاد‌های اینثارگری، ستاد آزادگان فعالیت‌های انتشاراتی ویژه آزادگان داشت. البته آن کتاب‌ها در قالب موسسه‌ای به نام پیام آزادگان ادامه پیدا کرده است و نشر شاهد هم بعد از ادغام ستاد آزادگان در بنیاد شهید ۹ کتاب در این حوزه منتشر کرده است. نخستین کتاب در این حوزه را با عنوان «۱۲۷۱ روز اسارت» در سال ۱۳۸۴ روانه بازار کردیم و بعد از آن دو کتاب منتشر شد البته در سال ۱۳۸۶ چهار عنوان کتاب و سال گذشته نیز دو عنوان کتاب با نام‌های «سرفصل استقامت» و «یادداشت‌های صبوری» منتشر شد.»

میرکاتمی درباره فعالیت‌های پیش روی این انتشاراتی درباره مسائل آزادگان اضافه می‌کند: «۲۶ مردادماه به مناسبت سالروز ورود آزادگان، کنگره بزرگی در همدان برگزار خواهد شد و خاطرات یکی از آزادگان استان همدان به نام امید خجسته را منتشر خواهیم کرد. کتابی دیگر نیز تحت عنوان «سیمای آزادگان استان همدان» حاوی عکس‌ها و اطلاعات مربوط به آزادگان است نیز منتشر خواهد شد که می‌تواند الگوی مناسبی برای سایر استان‌ها و اهتمام آنها به تولید کتاب در این حوزه باشد.»

نشر شاهد همچنین در ادامه انتشار آثار و اسناد به جای مانده از اینثارگران، انتشار نامه‌های آزادگان را نیز شروع کرده است و نخستین کتاب از این مجموعه با انتشار نامه‌های آزادگان استاد همدان به بازار کتاب عرضه خواهد شد. رئیس اداره تالیف و انتشارات شاهد درباره سیاست‌های کلی نشر شاهد در انتشار آثار به جای مانده از آزادگان می‌گوید: «آنچه در انتشارات شاهد روی آن کار می‌شود، دو می‌بحث عمده است. یکی تمرکز روی آثار و اسناد آزادگان و دیگری ترویج فرهنگ مقاومت در اسارت تحت عناوین مختلف و در قالب‌های گوناگون البته باید تاکید کنیم که ما در پی ترویج فرهنگ مقاومت در اسارت هستیم؛ نه فرهنگ اسارت؛ چرا که به اعتقاد ما و مردم ایران، آزادگان سرافراز دفاع مقدس در اردوگاه‌های مخوف حزب بعث، مقاومت نشان داده‌اند و این مقاومت است که

آزادگان؛ آنها که پرازش‌ترین لحظات زندگی خود را در از خانه و خانواده و در سخت‌ترین شرایط ممکن در بند دشمنی سپری کردند که دوستانشان را به شهادت رسانده بود و دندان‌ش را برای دریدن تاریخ مردمی تیز کرده بود که جز خون خود سلاخی برای مقابله با تهدید نداشت. نوزده سال از بازگشت آزادگان به کشور می‌گذرد اما هنوز روایت روزگار اسارت به پایان نرسیده است. هنوز سینه مردان از بار حروف‌های نگفته سنگین است و با وجود آن که نهادهای بسیاری خود را متولی نشر فرهنگ دفاع مقدس می‌دانند و هزینه بسیاری برای انتشار تاریخ شفاهی جنگ صرف می‌شود، اما هنوز مهم‌ترین منابع تاریخ جنگ که هم در جنگ حضور داشتند، هم زخم‌پرافتخار جانبازی را بر داشته‌اند و هم مردانه در حصار دیوارهای ظلم یعنی مقاومت کرده‌اند خاموش‌اند و سهم زیادی در تولید کتاب‌های پایداری ندارند. این گزارش با بررسی عملکرد دو نهاد اصلی و بزرگ که انجام این وظیفه را بر دوش دارند تلاش می‌کند دلایل این سهم ناچیز را روشن کند.

## کار ما حمایت است نه تولید

بنیاد حفظ آثار و نشر آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، چنان‌که از نامش پیداست، مهم‌ترین سازمان فرهنگی برای تدوین تاریخ دفاع مقدس و انتشار دستاوردهای فرهنگی معنوی جهاد عظیم هشت ساله ملت ایران است. این بنیاد در ساختار خود بخش‌های متنوعی دارد که به نظر می‌رسد بخش انتشارات آن باید سیاستگذاری، بسترسازی و تولید مستقیم کتاب‌های مرتبط با دفاع مقدس و موضوعات پیرامونی آن را برعهده داشته باشد. مسعود امیرخانی، مدیر انتشارات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس درباره عملکرد این بخش به ویژه در حوزه آزادگان می‌گوید: «ما از چاپ و نشر کتاب حمایت می‌کنیم، اما به معنای رسمی کار نشر انجام نمی‌دهیم و طی سال‌های گذشته در حوزه آزادگان البته کار کمتری انجام داده‌ایم.»

او در ادامه با اشاره به وظایف بنیاد می‌گوید: «ما به سبب وظیفه ذاتی خود نگاهی کلی‌تر به موضوع دفاع مقدس داریم. نگاه کلی ما فراتر از پرداختن به یک قشر خاص است و این وظایف بیشتر به بنیاد شهید امور اینثارگران برمی‌گردد. کار ما بیشتر سیاستگذاری و هدایت است، نه تولید. حمایت و امکانات خود را نیز به برگزاری جشنواره‌هایی چون کتاب‌سال پایداری و جشنواره ربع قرن معطوف کرده‌ایم. حاصل این فعالیت‌ها، برآیندی به دست می‌دهد که براساس آن می‌توان قضاوت کرد که فعالیت‌های مربوط به بنیاد حفظ و نشر آثار و ارزش‌های دفاع مقدس در چه شاخصه‌هایی رشد داشته و در چه شاخصه‌هایی ضعیف‌تر عمل کرده است.»

## ادبیات پایداری روی کرسی دانشگاه

مدیر انتشارات بنیاد همچنین درباره مواجهه با آثار تالیفی، تحقیقی و طرح‌های پژوهشی در حوزه دفاع مقدس نیز می‌گوید: «اگر اثری در حوزه‌های مختلف رمان، داستان، نمایشنامه، فیلمنامه، خاطره و پژوهش به بنیاد ارائه شود ما از آن حمایت می‌کنیم و کار نظارتی و ستادی خود را اعمال می‌کنیم. چند مورد کتاب هم در حوزه آزادگان منتشر کرده‌ایم به گونه‌ای مجموع کتاب‌های این بنیاد با مشارکت ناشران بخش خصوصی سالانه به ۹۰ عنوان می‌رسد. بخشی از فعالیت ما نیز تلاش برای ایجاد رشته ادبیات پایداری در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری است.»

با توجه به ارجاع موضوع نشر کتاب برای آزادگان یا نشر خاطرات آنها به بنیاد شهید و امور اینثارگران، سراغ سیدمحمد میرکاتمی، رئیس اداره تالیف و انتشارات شاهد رفته و از او درباره عملکرد این نشر



# انشای راه پیروزی در گرما گرم تابستان

سرای اهل قلم خانه کتاب با برگزاری نشست های کارشناسی در حوزه های نقد، بررسی و معرفی کتاب و همچنین ایجاد فضایی مناسب برای گفت و گو و تبادل نظر اهالی قلم، زمینه رشد و اعتلای فرهنگی کشور را فراهم می کند.

در نشست هایی که طی چند روز آخر هفته گذشته در سرای اهل قلم برگزار شد، کارشناسان و منتقدان حوزه های مولوی پژوهی، چاپ و نشر، ادبیات داستانی و نویسندگی دفاع مقدس در جلساتی جداگانه به بحث و گفت و گو نشستند.

## ضرورت یادگیری راه پیروزی

مراسم رونمایی فصلنامه «انشا و نویسندگی» با استقبال کم نظیر جمعی از نویسندگان و استادان دانشگاه در سرای اهل قلم خانه کتاب برگزار شد. در آن جلسه تعداد صندلی های خالی این مرکز انگشت شمار بودند. مسعود فراستی، احمد تمیم داری، جواد محقق و گروهی از نویسندگان هیات تحریریه این نشریه، از جمله سخنرانان و شرکت کنندگان در این مراسم بودند. این مراسم رونمایی، با قرائت سوره مبارکه «حمد» توسط احمد مهرداد که اجرای این مراسم را نیز بر عهده داشت، آغاز شد.

**دکتر احمد تمیم داری:** انشا و نویسندگی داستانی، طولانی دارد که باید به قامت تاریخ بررسی شود. در اروپا بعد از رنسانس، انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب صنعتی انگلیس، شرایطی به وجود آمد که به نوشتن اهمیت داده شود و کودکان یاد بگیرند که از کودکی خاطره و سفرنامه بنویسند. توجه قرآن به قلم نیز بسیار جالب است. قرآن در سوره قلم، به قلم، قسم خورده است. این نشان می دهد که فرهنگ ما مملو از توجه به نوشتن و کتاب است. امروز یکی از کارهای مهم، ترجمه است. ما مشقت هایی را که برای یادگیری زبان های دیگر لازم داریم، به کار نمی بریم. این در حالی است که پیشرفت کشورها نتیجه نهضت های ترجمه اند. ما غیر از زبان و ترجمه، سرمایه ای نداریم و این تلاش ها واقعا ارزنده و مبارک اند. امیدوارم تا زمانی که زنده ایم در این قبیل حرکت ها بدون انتظار هیچ مژدی، همکاری داشته باشیم.

**مرتضی حاجی مزدرائی، عضو هیات تحریریه نشریه «انشا و نویسندگی»:** اگر ما نتوانیم قلم گذشته را به آینده منتقل کنیم، به انقطاع کامل فرهنگی دچار می شویم. امیدوارم ریشه یابی این مساله از کودکی و دبستان انجام شود و به ثمر برسد.

**مسعود فراستی:** در شرایطی که هر خانه ای باید یک میز تحریر و یک قلم داشته باشد، یک کامپیوتر و یک موس وجود دارد. کامپیوتر تنها داده می دهد و فقط «دیتا» است و داده هایش کاری برای کسی نمی کند. در حالی که نوشتن دود چراغ خوردن است. من این روزها نقد و قلم بی طرف نمی شناسم. نوشتن، شریک کردن دیگران در دنیای خود است. البته متأسفانه دوره، دوره صریح حرف زدن و لحن دار بودن نیست. دوره چیزی گفتن و نگفتن است!

**جواد محقق، نویسنده:** با وجود مشکلات و محدودیت های انتشار مجلات و نشریات بدون پشتوانه حمایتی، از چاپ این مجله بسیار خوشحالم و این مصیبت (بالحنی طنز آمیز) رابه آقای حسینی نژاد تسلیت می گویم و امیدوارم که این کار نیز مانند بسیاری کارهای دیگر ایشان که تا آخر رفتند و دست از تجربه برنداشتند، باشد. چرا که ما باید پیروز شدن در این عرصه ها را یاد بگیریم.

**سید حسین محمدی حسینی نژاد، مدیر مسوول و سردبیر نشریه «انشا و نویسندگی»:** امیدوارم روزی رونمایی شماره ۱۰۰ را ببینم. درست است که واقعت های

تلخی وجود دارند و اگر کسی بخواهد از نظر مالی به جایی متصل نباشد و کاری عمیق انجام دهد، باید دشواری های زیادی را متحمل شود. این مجله تنها با زحمات دوستان شکل گرفت. مجله ای که بخواهد تئوری هایی را درباره نوشتن مطرح کند، باید گام های بلندی را بردارد. من به آینده این کار بسیار خوشبینم و می دانم که ما راه بی برگشتی را شروع کرده ایم.

**غلامرضا عمرانی:** آقای حسینی نژاد عادت دارد به درها بکوبد و آنقدر بکوبد تا درهای بسته، باز شوند. خیلی ها اگر چماق بالای سرشان نباشد، نمی نویسند. ایشان با اصرار، برای نوشتن مطلبی در نخستین شماره فصلنامه، به من فهماند که برای نوشتن به وجد بیایم و رفع تکلیف نکنم! از برکت همین سماجت، این جمع نورانی و مهم در اینجا گرد هم آمده اند و همین اتفاق هاست که سر نوشت آدم ها را با هم گره می زند. چرا که ما در این جا به خودمان قول می دهیم.

## فرصتی برای تعامل اصناف

نشست نقد و بررسی «مرجع نشر ایران» با حضور مسعود پایدار، نماینده اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران، مصطفی تینای تهرانی، نایب رییس اتحادیه چاپخانه داران، محمدرضا شاه میرزا، نماینده اتحادیه کلیشه سازان و لیتوگرافان در موسسه خانه کتاب برگزار شد.

**داریوش مطلبی، سردبیر کتاب ماه کلیات و مجری تهیه کتاب مرجع نشر ایران:** اطلاعات شناسنامه ای چهار صنف مرتبط با تولید و نشر کتاب در چاپ جدید این کتاب به آن افزوده شده است. این چهار صنف عبارتند از: کاغذفروشان، تصویرگران، طراحان گرافیک و نمایندگان ناشران بین المللی. کتاب مرجع نشر ایران، با هدف دسترسی دست اندرکاران تولید و نشر کتاب در ایران، تولید بانک اطلاعات صنوف مرتبط با این حوزه و کاهش هزینه های فرایند تولید و توزیع منتشر می شود.

**مسعود پایدار، نماینده اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران:** اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران گاهی برای شناسایی واحدهای صنفی فعال در شهرستان های مختلف از این کتاب استفاده می کند، اما گاهی نیز دیده می شود برخی از این اطلاعات قدیمی اند. در این مرجع اطلاعات چهار هزار و ۴۰۰ کتابفروشی ارائه شده است که یک هزار و ۴۱۷ کتابفروشی در تهران و بقیه در شهرستان ها هستند. بسیاری از موسسات انتشاراتی که در واحدهای مسکونی مشغول فعالیتند، در قسمت کتابفروشی نیز نام آن ها درج شده که باید گفت اغلب اینها به معنای واقعی کتابفروش نیستند. برخی از کتابفروشی ها فقط پروانه نشر دارند و این پروانه دلیل کتابفروش بودن آن ها نیست. باید بدانیم که هر چند برخی از موسسات انتشاراتی در حوزه توزیع و پخش کتاب نیز فعالیت می کنند، اما ناشر و موزعند و کتابفروش نیستند.

**مصطفی تینای تهرانی، نایب رییس اتحادیه چاپخانه داران:** تولید یک مجموعه آماري اطلاعاتی به این وسعت کاری توان فرساست و باید به دست اندرکاران آن دست مریزاد گفت، اما این که چرا این مجموعه تاکنون حداقل در چاپخانه ها ناشناخته مانده است، جای بررسی دارد. داشتن اطلاعات در حوزه ای که افراد در آن مشغول به کارند، موجب افزایش بهره وری افراد می شود. تعامل همگانی اصناف مرتبط، یکی از لازمه های موفقیت در کارهاست. اگر افراد بتوانند از این فرصت ها به بهترین نحو استفاده کنند، زمان برای همگرایی و هم افزایی مهیا خواهد شد. **محمدرضا شاه میرزا، نماینده اتحادیه کلیشه سازان و لیتوگرافان:** متأسفانه اشکالی که در



بخش لیتوگرافان این کتاب وجود دارد، درباره فهرست لیتوگرافی هایی است که عضو اتحادیه نیستند، افرادی که فقط جواز کسب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را دارند ولی از سوی اتحادیه مجوز فعالیت ندارند. درج نام افرادی که به صورت غیرمجاز در حال فعالیتند در یک مرجع رسمی منتشر شده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تبلیغی برای دیگر افراد است، در حالی که این افراد می توانند به راحتی در اتحادیه عضو شوند، اما از این موضوع امتناع می ورزند.

## انسان، کلید فهم عالم

نشست دیگر مولوی پژوهی سرای اهل قلم در حالی برگزار شد که محل سرای اهل قلم مملو از جمعیت بود و جمع مشتاقان مباحث مطرح شده در نشست را با طرح سوالاتی از عباسی داکانی و ان شاء الله رحمتی پیگیری کردند.

**ان شاء الله رحمتی:** کلید فهم عالم مثال خود انسان است. اگر بیستاستیالیست ها می گویند انسان تفاوتی اساسی با همه موجودات دیگر عالم دارد. این گروه انسان را دارای وجود و ماهیت می دانند. عرفان نیز بر این عقیده اند که در انسان، وجود بر ماهیت مقدم است. ما یک انسان کبیر و یک انسان صغیر داریم. هر چه در عالم هست در انسان هم وجود دارد. انسان موجودی است که می تواند وارد عالم مثال شود. مثلاً حضرت موسی (ع) به عنوان یک انسان صغیر، خود را در راه رسیدن به مجمع البحرین یا همان عالم مثال می داند و فیلسوفان ما مجمع البحرین را عالم مثال می گفتند. عالم مثال، عالمی واقعی است و حاصل تخیل کسی نیست؛ در حالی که از تاریخ و زمان و از جغرافیای ما بیرون است. **عباسی داکانی:** اگر یکی از حواس ما بتواند به عالم مثال راه یابد، بقیه حواس هم خواهند آمد. براساس دیدگاه های عرفانی مطرح شده در کتاب «انسان نورانی در تصور ایرانی»، نوشته هانری کربن، شرق پژوه فرانسوی، عرفای ما به سه قرآن انفسی، آفاقی و تدوینی قایلند و معتقدند که هستی کتاب خداست و جان و روح انسان هم خواندنی است.

## شک آقای منتقد!

نشست نقد کتاب «واقع گرایی در ادبیات داستانی معاصر» نوشته فدوی الشکری با حضور بلقیس سلیمانی، بهمن خلیفه و فرزام حقیقی در سرای اهل قلم برپا شد. **بلقیس سلیمانی، منتقد:** نثر فارسی این کتاب بسیار مرا جذب کرد. این موضوع نشانگر تسلط نویسنده به زبان فارسی است. البته این کتاب ۶۰۰ صفحه ای که از نوع تحقیقات دانشگاهی است، بسیار حجیم و به طرز فاحشی مبتنی بر تکرار است و شیوه الگوی تفسیر شعر را دارد. بندبند داستان های مورد اشاره در آن، توجیه و معنی شده است و از این منظر بسیار حوصله سر بر است. ضمن آنکه به همین دلایل ۲۰۰ صفحه اول کتاب به کلی زاید است.

**قدرت الله طاهری، منتقد:** متأسفانه ادبیات داستانی معاصر ما هنوز از منظر نقد خیلی مورد توجه نیست. نقد بیرون از دانشگاه، نامنظم است و نقد دانشگاهی نیز کاستی های دیگری دارد. راه برون رفت از بحران نقد، نوعی بده بستان میان نقد درون و بیرون دانشگاهی است. این که یک فرد خارجی ادبیات داستانی ما را از منظر تحلیل های خارجی نگاه می کند، نشان دهنده ظرفیت های بسیار ادبیات معاصر ماست. دیدگاه های تحقیقات دانشجویی، قیاسی است و نگرش حاکم بر دانشگاه ها این است که مخاطب هیچ چیز نمی داند.

**فرزام حقیقی، منتقد:** وقتی کتابی می خواهد درباره واقع گرایی در ادبیات فارسی نوشته شود، باید مبانی داستانی غرب را از روند صد سال داستان ایران تفکیک کند. نویسنده این کتاب به کلی از ادبیات ایران به دور بوده و از کتاب های دیگر نقد، وام های بسیار گرفته است. به نظر من فاجعه بزرگ دیگر آن است که استفاده او از کتاب هایی است که از سال ۱۹۷۰ به این طرف نوشته شده. من شک دارم که این کتاب پایان نامه دکترا باشد. در این کتاب بسیاری از توضیحات، توصیفی است و نویسنده به گونه ای بسیار مکانیکی به تفسیر شخصیت ها پرداخته است. **بهمن خلیفه:** اگر بگوییم که صورت مساله در این کتاب اشتباه شده، می توان پرسید آیا مثلاً «همسایه ها» ای احمد محمود در مولفه های رئالیسمی می گنجد یا خیر؟ در خوانش این کتاب با یک شخص روبه رو نیستیم؛ ما با یک مکانیسم آموزشی و پژوهشی مواجهیم. البته روی سخن تنها با یک دانشگاه نیست. سیستم دانشگاهی مالکوهایی را بر دانشجویان تحمیل می کند و حدود ۲۰۰ صفحه اضافه ابتدای این کتاب حجیم، براساس همین تحمیل نوشته شده است.

## مجموعه ای مانند تمبرهای یادبود

نشست نقد و بررسی مجموعه داستان «شته ها و شکوفه ها» نوشته ابراهیم حسن بیگی، در سرای اهل قلم برگزار شد و منتقدان به آن جمع بندی رسدند که تمام داستان ها آن مجموعه از نظر مضمون سیاسی و ایدئولوژیک و نیز سبک، واقع گرایانه اند و مانند تمبرهای یادبودی اند که برای وقایع چاپ می شوند. این جلسه از سلسله نشست های نقد آثار نشر تکا، با حضور کامران پارسی نژاد، علی الله سلیمی و محمد حنیف برگزار شد.

**محمد حنیف، پژوهشگر مرکز تحقیقات صدا و سیما و داستان نویس:** تمام داستان ها از نظر مضمون سیاسی و ایدئولوژیک و از نظر سبک واقع گرایانه اند و در گونه ادبیات داستانی جنگ و انقلاب اسلامی قرار دارند. داستان ها مجموعه «شته ها و شکوفه ها» حادثه محورند. نویسنده بیش از آنکه به درون شخصیت ها توجه کند، به حوادث بیرونی توجه کرده است. بر همین اساس ابراهیم حسن بیگی به ویژگی های گفتاری شخصیت ها بی اعتنا بوده و اغلب شخصیت ها از دایره واژگان یکسانی برخوردارند. همچنین نویسنده، بسیار مهرورزانه به انقلاب و جنگ توجه کرده، اما نتوانسته است عصیان خود را نسبت به ناپسانمانی های جامعه پنهان کند.

**علی الله سلیمی، منتقد و داستان نویس:** این کتاب تمامی زوایای نویسندگی حسن بیگی را در بر نمی گیرد. داستان ها مضمون محور و مرتبط باهم هستند. نویسنده تلاش کرده دیدگاه های خود را درباره همه اتفاق های روی داده در کشور و در دهه های اخیر، در قالبی داستانی، بیان کند. نگاه حسن بیگی نسبت به جنگ نگاهی شاعرگونه است. در حالی که امروزه نویسندگان جنگی با رویکرد دیگری به جنگ نگاه می کنند.



سایر محمدی

«تالار آگاهی و گواهی»، جدیدترین کتاب سید یونس ادیانی از سوی انتشارات نقش جهان به تازگی منتشر شده است. این اثر طرحی ناتمام از فلسفه ساختی است که در واقع به گشایش تفکر و خردمندی انسان کمک می کند و راهی نو برای احراز تفکر خلاق در ساخت های نحوی، منطقی و فکری ارائه می دهد. سید یونس ادیانی، متولد سال ۱۳۴۳ سوادکوه و عضو هیئت علمی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی است. وی اکنون دو کتاب دیگر تحت عنوان «رمزگشایی فلسفه هستی» و «تفکر اصیل» را برای چاپ تدارک می بیند و پیش از این نیز در حوزه فلسفه بیش از ده عنوان کتاب تالیف کرده که در سال های مختلف توسط ناشران گوناگون منتشر شده اند؛ آثاری مانند «تاملاتی بر تاملات در فلسفه اولی» و «تفکری در فلسفه دکارت»، «بازاندیشی فلسفه کانت»، «بازشناسی فلسفه ابن سینا»، «مباحثی در منطق حکومتی»، «پژوهش های حکومتی»، «فلسفه ذهن و معنی»، «منطق بنیادین فکر»، «سیری در فلسفه فارابی» و «ملاصدرا» از آن جمله اند. در این گفت و گو دیدگاه هایی درباره وضعیت فلسفه در دوران کنونی ما طرح شده که به طور قطع با نگاه مدافعان فلسفه متفاوت است. کتاب هفته از چاپ تمامی رویکردها در این حوزه استقبال می کند.

گفت و گو با سید یونس ادیانی، نویسنده «تالار آگاهی و گواهی»

# درست اندیشیدن، آموختنی است

ایرانی با سابقه فرهنگی هزاران ساله فاجعه است. در واقع باید جهانی فکر کنیم، جهانی بیندیشیم و جهانی زندگی کنیم. یعنی باید بیندیشیم و در اندیشیدن جهانی مشارکت داشته باشیم. بحث این است که ما در حوزه جهانی بخشی از وظایف خود را باید به عنوان یک ایرانی ایفا کنیم. ما که نباید منتظر بمانیم دیگران به جای ما فکر کنند. در فکر کردن هم که ما نباید مصرف کننده صرف باشیم و تاحدی هم ما باید تولید اندیشه کنیم. وقتی بخش به بخش نگاه می کنیم می بینیم که در حوزه ایران ما در تولید اندیشه نقش فعال، مثبت و تاثیر گذاری آنچنان که باید نداریم. الان می بینیم فرگه پیدامی شود که در منطق تاثیر گذار است. راسل ظهور می کند، هابرماس متولد می شود که هر کدام در پیدایش اندیشه های تازه نقشی اساسی دارند. یا در فلسفه ذهن افرادی مثل دفت، فوکو، درنسکی و... بسیار موثرند. افرادی که در فلسفه و منطق دوران معاصر نقش داشته اند، از جامعه ایرانی نبوده اند و ما امروز همین شارحان فلاسفه بزرگ را هم از دست داده ایم. این واقعا تأسف بار و عجیب است. در حوزه فلسفه سنتی، یعنی در فلسفه اسلامی در همه دانشگاه های ایران یک نفر پیدا نمی شود که شرح منظومه را تدریس کند، این تأسف آور نیست؟ یا در فلسفه جدید، امروز خیلی ها هستند که راجع به هایدگر حرف می زنند. آیا کسی را داریم که هایدگر را تدریس کند؟ ترجمه هایی که از آثار هایدگر شده، پر از ایراد و اشکال و حتی گاهی مضحک است. از هایدگر بگذریم. شما ترجمه هایی را که از دکارت و کانت داریم نگاه کنید، ترجمه های عربی این آثار به مراتب بهتر و قوی تر از ترجمه های فارسی است. این نشان می دهد که اعراب در این زمینه کار می کنند و از ما جلوتر هستند، اما ما مصرف کننده صرف اندیشه دیگران هستیم بدون آن که ذره ای تفکر و خلاقیت از خود نشان بدهیم. ما حتی گاهی اندیشه دیگران را هم ناقص و وارونه مصرف می کنیم، در نتیجه آثاری که خلق می کنیم عینا از روی آثار دیگران کپی شده اند. آن گونه که حتی نام آن اثر را هم عوض نمی کنیم. سال های سال است که بعد از ملاصدرا، کتاب های فلسفی ما در زمینه فلسفه اسلامی همه به هم شباهت دارند. حتی عنوان کتاب ها را هم نمی توانیم عوض کنیم. در فلسفه جدید هم وضع به همین منوال است. وقتی آثار فلاسفه غرب ترجمه می شود، حتی از نوشتن شرحی بر این آثار هم ناتوانیم. هنگامی که این آثار منتشر می شوند می بینیم کتابی که به جامعه عرضه شده، بخش هایی از چند کتاب است که به عنوان یک کتاب جدید به خورد ما می دهند. این دیگر فاجعه عظیم تری که نشان می دهد کارهای بسیار اساسی باید در فضای فرهنگی کشور صورت بگیرد تا اثری قابل تأمل عرضه شود. برای نوشتن چنین آثار قابل تأملی عرق ریزان روح لازم است زیر چنین کارهای اساسی باید استخوان خرد کرد، رنج برد و زحمت کشید تا موفق به خلق اثری قابل اعتنا شد. نمی شود کسی چند جا کار بکند، چند دانشگاه و دانشکده تدریس بکند و در نهایت موفق شود آثار عمیق و قابل تأمل هم تالیف کند. با چنین وضعیتی نمی توان کاری اساسی عرضه کرد.



را به سه دوره تقسیم کنیم و بعد بررسی کنیم که در هر مقطع خاص تاریخی چه افکاری به وجود آمده، این افکار در کجا و در چه مرحله به اوج شکوفایی رسیده و در چه مقطع و مرحله ای سیر نزولی داشته است. چه عواملی سبب پیدایش این تفکر شده و چه عواملی باعث بازماندن آن از حرکت و پویایی شده است؟ و کجا این فکر عملیاتی شده و کجا در عمل بازمانده است؟ اما متأسفانه وزارت علوم توجهی به این پیشنهاد نشان نداده است. اگر قرار است کاری اساسی انجام دهیم و دغدغه تولید علم داریم، راهی جز تولید فکر وجود ندارد. اگر نسبت به تولید فکر و اندیشه بی توجه باشیم، عملا از علم هم خبری نخواهد بود. وزارت علوم هر سال گزارش می دهد که ما در ترویج علم در جهان در رتبه بیستم هستیم اما اعلام نمی کند که در تولید علم چه رتبه ای داریم. این که می فرماید وضع کنونی به صورتی رقم خورده که آینده فلسفه، آینده غیر ایرانی است، بر چه مبنایی به این نتیجه رسیده اید؟ آیا فلسفه ایرانی و غیر ایرانی داریم؟ مولفه های فلسفه ایرانی کدام است؟

یک وقت ما به عنوان عضوی از جامعه ایرانی سخن می گوئیم. باید فلسفه ایرانی داشته باشیم. معنی ندارد که ما به عنوان یک بخش از مردم در یک جامعه خاص هیچ نقشی در تولید این صفت ها نداشته باشیم. این سوال با ما هست که ایرانیان در دوران گذشته نقش مثبتی در تولید تفکر ایفا کردند. چهره هایی مانند خوارزمی، خیام و... افراد کوچکی نبودند. یا ابن سینا که تئوری قصد را به وجود آورد، که امروز فوکو از آن سخن می گوید و ادعا و افتخار می کند که من آن را به وجود آوردم. یا زکریای رازی را داشتیم یا نخبگان دیگری که در طول تاریخ در این سرزمین حضور داشتند. ما هزاران دانشمند، فیلسوف و متفکر در جامعه ایران داشتیم. اما اکنون در چه وضعی هستیم و کدام متفکر را به جامعه جهانی معرفی کرده ایم؟ منظوم از دوره کنونی چهارصد سال اخیر است که طی این مدت در جازدن و به دور خود چرخیدن را تجربه کردیم. این برای جامعه

تهران و امیرکبیر، علم و صنعت، صنعتی شریف و دانشگاه شهید بهشتی اقدام به تشکیل اتاق فکر کنند. وقتی ما با چنین مشکلی مواجهیم، چه انتظاری از استادان داریم که به تولید اندیشه پردازند و تفکرات نو ارائه دهند؟ از تولید فکر سخن بگوئیم که به مثابه تولید علم است. در واقع ما می گوئیم فکر آن چیزی است که دانش بیاورد و وقتی فکر نباشد، دانش به وجود نمی آید.

**با توجه به شناختی که از موقعیت جامعه ایرانی و گذشته تاریخی آن دارید، چرا عنوان می کنید که ما در آستانه زوال تفکر فلسفی در ایران هستیم؟ ما در قرن هاست تولید فکر، اندیشه و فلسفه نداریم.**

ما مدتی بود که شارحان بزرگی داشتیم؛ شارحانی که افکار فیلسوفان و صاحب نظران بزرگ گذشته را شرح و تفسیر می کردند و به ترویج و توسعه آن می کوشیدند. اکنون ما در موقعیت خاصی قرار گرفته ایم که از آن شارحان هم دیگر خبری نیست. یعنی ما امروز نمی توانیم در حوزه فلسفه چهره های برجسته ای مانند علامه طباطبایی یا ربیعی قزوینی، علامه استاد آشتیانی و استاد مطهری داشته باشیم. استادانی در این قد و قواره هم دیگر پیدا نمی کنیم. یعنی جامعه ما رسیده به نقطه توقف در حوزه تولید اندیشه. البته نباید مایوس شویم. من شخصا ته دل راضی نبودم که بگویم ما در آستانه زوال تفکر فلسفی در ایران هستیم. ولی ناگزیر این را گفتم تا حرکتی به جامعه فرهنگی داده باشم. اگر همه افراد ضعف ها را نگویند و گفتنی ها را نگویند، می ترسم چراغ اندیشه با این کورسویی که دارد، رو به خاموشی برود.

**به نظر شما برای رهایی از این وضعیت چه باید کرد؟**

امروز دنیای فکری ما در جامعه ایرانی، نخ نما شده است و همه می دانیم که در آن هیچ چیز نیست. هر چند کسی از آن سخن نمی گوید. من به وزارت علوم پیشنهاد داده بودم که یک پژوهش بنیادی انجام بدهند که بررسی سیر تاریخ تفکر در ایران چگونه است. ما دوره ایران باستان و دوره رنسانس تا امروز

کتابی که با عنوان «تالار آگاهی و گواهی» یا تئوری فهم پذیری منتشر کرده اید، به چه مباحثی می پردازد؟

این کتاب در واقع یک دوره کامل «فلسفه فکر» است که ضمن توضیح «فلسفه چیست؟» به فلسفه ذهن، فلسفه فهم، فلسفه آگاهی، فلسفه منطق، فلسفه تاریخ، فلسفه دین، فلسفه اخلاق، فرهنگ و... می پردازد. قبل از چاپ این کتاب هم، برای این که خواننده شناخت و آشنایی بهتر و بیشتری از متن این اثر داشته باشد، کتاب «فلسفه ذهن و معنی» را منتشر کردم. همچنین در همین رابطه سلسله «مکالمات فلسفی» را عرضه کرده ام. بعد هم برای این که با تامل بیشتری وارد متن شویم، کتاب «منطق بنیادین فکر» را تالیف و منتشر کردم که بر اساس تئوری اتاق فکر شکل گرفته است و بعد بر اساس این آثار، سراغ تالیف «تالار آگاهی و گواهی» رفتم؛ کتابی که نزدیک به پانزده سال روی آن کار کردم تا یک دوره جامع و کامل فلسفه فکر را عرضه کنم.

**شما در جایی گفته اید که ما در آستانه زوال تفکر فلسفی در ایران هستیم. وضع کنونی به نحوی رقم خورده که آینده فلسفه، آینده ای غیر ایرانی است. فکر نمی کنید زوال فلسفه در ایران از قرن پنجم و ششم شروع شده و پس از آن تولید اندیشه تا حدودی متوقف شده است؟**

واقعیت امر همین است که شما می گوئید. یعنی ما می توانیم بگوئیم که طی این چهارصد و پنجاه سال اخیر، عملا در جامعه ایرانی فکر فلسفی به وجود نیامده و تولید اندیشه نداشته ایم. ما تعریفی از فلسفه داریم و می گوئیم «فلسفه همه فکر است ولی همه فکر، فلسفه نیست».

چنان که برخی از فکرها می تواند ریاضی باشد، یا ممکن است فیزیک و شیمی باشد که لزوما این فکرها فلسفی نیستند. ولی واقعیتی که در فلسفه وجود دارد این است که «همه فلسفه، همه تفکر است» یعنی ما در فلسفه چیزی غیر فکری نداریم. اما مشکلی که در فلسفه به وجود آمده این است که حدود چهارصد - پانصد سال می شود که ما اساسا در جامعه ایرانی تولید تفکر و اندیشه نداشته ایم تا به تولید علم منجر شود. ما امروز سخن از تولید علم می کنیم، ولی از تولید تفکر سخن نمی گوئیم. از کارگاه تولید علم می گوئیم ولی از کارگاه تولید فکر حرف نمی زنیم. از کرسی علم سخن می گوئیم ولی از کرسی فکر سخن نمی گوئیم. در میان تمام دانشگاه های سراسر کشور هیچ دانشگاهی را سراغ نداریم که در آنجا کارگاه فکر تاسیس شده باشد. البته من یک کارگاه فکر در دانشگاه شهید بهشتی تحت عنوان «کارگاه تفکر» دایر کردم که جهاد دانشگاهی در دانشکده علوم پزشکی دانشگاه شهید بهشتی متولی آن بود. این نخستین کارگاه فکر در دانشگاه های ایران است. ولی کرسی فکر هنوز در دانشگاه ها تاسیس نشده است. طبیعی است که با یک کارگاه فکر هم نمی توان گفت ما می توانیم تولید فکر و اندیشه را در جامعه ترویج کنیم. اساسا چنین ادعایی نزدیک به محال است. مگر این که این طرح همگانی شود و همه دانشگاه های کشور مثل دانشگاه



به نظر من انجام دادن کارهای پژوهشی بنیادین و خلق مفاهیم جدید و آفرینش فکرهای تازه، تلاشی مداوم می‌خواهد و عرق ریزان روح لازم دارد. سال‌های سال باید نشست، اندیشید و فکر کرد تا بتوان گره کوری را باز کرد. انجام کارهای بزرگ به این سادگی‌ها میسر نمی‌شود.

**شما معتقدید که فلسفه در ایران پس از ملاصدرا به منطق ساکن تبدیل شده است و فلسفه امروز بیش از هر زمان دیگری غیر فلسفی شده است. نقش غزالی را در این رویکرد چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

البته غزالی یکی از چهره‌های فکری ناشناخته در جامعه ماست. یعنی ما غزالی را بیشتر به عنوان یک منتقد می‌شناسیم. اما من معتقدم غزالی در جایگاه خودش انسان متفکری است و آثاری که خلق کرده در رشد و اعتلای افکار جامعه بسیار موثر بوده است. وقتی به آرای غزالی توجه می‌کنیم یک بخش آن «تهافت الفلاسفه» است که در صددیت با فلاسفه نوشته شده است. اما بخش مهم‌تر آرای غزالی در «احیای علوم الدین» است. در مقطع خاصی از تاریخ، متفکری پیدا می‌شود و اثری خلق می‌کند که عنوان کتابش از پشتوانه مفهومی معتبری برخوردار است - که نشان می‌دهد این شخص برای خلق این عنوان پیش‌تر مفهومی را به وجود آورده که این عنوان را برای استفاده آن مفهوم به کار گرفته است. این نشان می‌دهد که غزالی انسان متفکری بوده. البته من نمی‌توانم غزالی را در قد و قواره شیخ رئیس ابوعلی سینا ارزیابی کنم ولی این را هم می‌دانم که او از نوادر حوزه‌های اسلامی ماست. به نظر من کتاب «تهافت الفلاسفه» کتاب بسیار خوبی بود چرا که تالیف چنین آثاری لازم و مفید بود. اما اشکال کار در این است که متفکران بعدی که با آثار او آشنا شدند، به سیاق فکری غزالی با او مواجه نشدند؛ یعنی با یک غزالی خودساخته مواجه شدند و... به نظر من خیلی بهتر و مناسب‌تر هم می‌شد با غزالی مواجه شد و به لحاظ روشنگری بهتر عمل کرد، یعنی باید آنچه او در رد فلسفه و فلاسفه گفته و نوشته را از منظر روانشناسی هم بررسی می‌کردند تا بفهمند چرا غزالی در برابر فلسفه چنین موضعی اتخاذ کرده است؟ آیا خود فیلسوفان عصر او در به وجود آمدن این طرز تفکر مقصر نبودند؟ به این جنبه از مسئله هم باید نگاه کرد. آنهایی که مدعی اند غزالی فلسفه‌رانی شناخت و اصلا اطلاعات فلسفی نداشت، به بیراهه رفته‌اند. حالا ممکن است، غزالی به عمق فلسفه مثلا ابن سینا نرسیده باشد یا مانند ملاصدرا فیلسوف نبوده باشد، اما یقیناً فهم و درک مناسبی از فلسفه داشت که چنین قضایاتی می‌توانست بکند. غزالی در حوزه دین هم خوب کار کرده بود. کتاب «جوهر القرآن» او را اگر دیده باشید، متوجه می‌شوید که چه نکات دقیقی را مطرح کرده است که به نظر من اگر کسی برای تبیین اندیشه‌های غزالی، وقت بگذارد، افکار او برای جامعه امروز ما می‌تواند بسیار موثر باشد.

**شما معتقدید که آموزش فلسفه باید مبتنی بر سه عنصر اندیشه، اندیشیدن و نقادی باشد، در حالی که برای تحقق هر یک از موارد فوق شرایط و امکانات ویژه‌ای لازم است. مثلا برای نقادی، جامعه‌ای لازم است که دموکراسی در آن نهادینه شده باشد، ولی در طول چهار - پنج قرن اخیر جامعه ایران اغلب دچار استبداد بوده و چندی است که ما در مسیر مردم‌سالاری حرکت می‌کنیم. نظر شما چیست؟**

باور من این است که در چهارصد و پنجاه سال اخیر جامعه ما یک جامعه غیرفلسفی بوده است. شما وقتی وارد دانشگاه تهران می‌شوید، در گروه فلسفه همه چیز را می‌توانید ملاحظه کنید غیر از تفکر فلسفی. در حوزه‌های علمیه هم هنگام طرح مباحث فلسفی بیشتر بازی‌های زبانی را شاهدیم تا مباحث عمیق فلسفی. من نمی‌خواهم حرف‌های ویتگنشتاین را تایید کنم یا به نقد آن بپردازم، در واقع خود ویتگنشتاین هم بیشتر وارد بازی‌های زبانی شده بود و دیگران هم به نحو دیگری در این بازی زبانی مشارکت دارند. در جامعه ما هم به شکلی

علاقه‌مندان یا مدرسان فلسفه وارد بازی‌های زبانی شده‌اند به جای این که دنبال مفاهیم باشند. به همین دلیل پس از ملاصدرا ادبیات فلسفی رادر جامعه ما متحول نمی‌بینید. این نکته بسیار مهمی است. شما وقتی متونی را که اکنون درباره فلسفه نوشته می‌شود با متونی که ملاصدرا خلق کرده و متونی که ابن سینا ارائه داده، مقایسه کنید، می‌بینید که خیلی قرارداد دارد. چرا؟ چون مفهوم جدیدی به وجود نیامده تا بر اساس آن اصطلاح جدیدی خلق بشود و در نهایت ادبیات نوینی شکل بگیرد. برای این که ادبیات نوینی به وجود بیاید، باید مفهوم جدیدی خلق بشود و هنگامی مفهوم جدید خلق می‌شود که فکرهای جدیدی ارائه بشود. این اتفاق در سامانه فلسفه ما نیفتاد. در نتیجه فلسفه کماکان به شیوه سابق به دنبال درجا دویدن و دور خود چرخیدن است. اگر می‌خواهیم به نتیجه مطلوبی برسیم و از این وضعیت بیرون بیاییم، باید آموزش فلسفه را از دوران ابتدایی آغاز کنیم.

**شما وقتی درباره آموزش فلسفه می‌گویید انتظار از استادان دانشگاه‌ها امری بیهوده است، چه توقعی از معلمان دبستان‌ها می‌توان داشت؟**

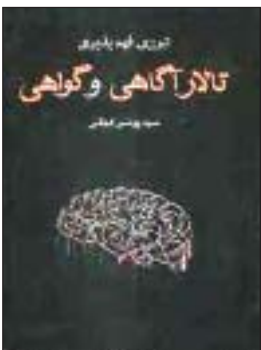
نکته‌ای که درباره دانشگاه‌ها مطرح کردم به این علت است که ما در دانشگاه‌ها مدرسانی در حوزه فلسفه، مثلا فلسفه ذهن داریم. اما جالب است بدانید که هیچ‌یک از آنها، یا اغلب آنها، حتی دوره آموزش فلسفه ذهن هم ندیده‌اند. ولی فلسفه ذهن تدریس می‌کنند. این خیلی عجیب است.

منظور من این است که نباید چنین اتفاقاتی را در محیط‌های علمی، آموزشی و دانشگاهی شاهد باشیم. در نتیجه با این خجالت‌های فکری‌ای که اکنون با آن مواجهیم، همچنان درگیر خواهیم بود. راه چاره این است که ما باید کودکان این سرزمین را از دوران ابتدایی و از پایه با شیوه درست فکر کردن آشنا کنیم و روش‌های درست اندیشیدن و نظر دادن را به آنها تعلیم بدهیم و وقتی به دوره راهنمایی رسیدند، نتیجه فکر کردن‌ها و تجربه‌های کسب شده را ارائه بدهیم تا بعد که به دانشگاه رسیدند بتوانیم فکرهای خودمان را تعلیم بدهیم. به جای این که دانش‌هایی که پیشینه ۲۵۰۰ ساله دارند و خواندن و نخواندن آن برای جامعه امروز هیچ تاثیری ندارد، بیاییم فکری را که خلق کردیم یا اندیشه‌هایی را که دیگران خلق کردند و امروز موثر است، ترویج کنیم و آموزش بدهیم. افکاری هم هستند که سابقه هزاران ساله دارند به عنوان مثال همین تئوری قصد که از آن صحبت

**کردید، آموزش فلسفه باید مبتنی بر سه پایه اندیشه، اندیشیدن و نقادی باشد...**

بینید! ما دو نوع اندیشه داریم؛ یک نوع اندیشه مربوط به ادبیات سیاسی است که معمولا با آن سروکار داریم. نوع دیگر اندیشه، اندیشه به مثابه تفکر مورد نظر است که خود دو مرحله اهمیت دارد مثلا وقتی به آموزش نگاه می‌کنیم، یا آموزش را صرفاً آموزش می‌بینیم یا آن را به عنوان پدیده حکومتی نگاه کنیم و معنایش این است که اساسا نگاه مناسبی به پدیده‌ای به نام تفکر از نظر حوزه‌های حکومتی وجود نداشت. در واقع امروز مراکز آموزشی و پژوهشی امور خودشان را با دولت حل و فصل می‌کنند. اگر نهادهای آموزشی در این زمینه خودشان را با دولت حل و فصل کند، موضوع حکومتی خواهد بود از این منظر فرصت لازم برای این که بینشند، فکر کنند و فضای فکری جامعه فلسفی را متحول کنند، به وجود نیامده است. یک علتش هم این است که وقتی وزیر علوم انتخاب می‌شود از صدر تا ذیل نهادهای آموزشی به طور مستقیم و غیرمستقیم توسط او انتخاب می‌شوند. در این شرایط، طبیعی است که از دل چنین ساختاری نمی‌توان «فکر» تولید کرد. ما نمی‌توانیم از ظرفیت آموزشی که دانشگاه تهران دارد، انتظار ظهور فیلسوفی را داشته باشیم. به همین دلیل است که از زمان تاسیس دانشگاه تهران تا امروز یک مسئله مهم فلسفی هم خلق نکرده‌ایم و حتی یک پرسش فلسفی هم به وجود نیاورده‌ایم، یک راه‌حل برای یک مسئله مهم فلسفی پیدا نکرده‌ایم و یک پاسخ برای پرسش‌های فلسفی نیافته‌ایم. این خطرناک است و نمی‌توانیم بگوییم بودن و نبودن فلسفه دانشگاه‌های ما در حوزه تفکر یکسان است. این که منتظر باشیم حکومت‌ها دست به کاری بزنند، انتظاری بیهوده است. همیشه نخبگان در فلسفه موثر بوده‌اند و درخشیده‌اند. در آلمان هم وضع به همین منوال است، در حقیقت کانت را دولت آلمان کانت نکرده است. یعنی دولت آلمان فرصت و امتیازی به او نداده تا او جایگاهش را در حد یک فیلسوف تراز اول بالا بکشد. دکارت هم همین‌طور.

ولی این افراد انسان‌هایی بودند که توانستند به حریم دولت روی بیاورند و برای خود فرصت‌سازی کنند و کارهای درخشانی انجام دهند که موثر باشد. هایدگر هم چنین وضعی داشت. فیلسوفان جدید هم همین موقعیت را دارند. اینها کمتر در صدد مقابله و مواجهه با دولت‌ها برآمدند. البته من در رد یا تایید



**آنانی که مدعی اند غزالی فلسفه را نمی‌شناخت، به بیراهه رفته‌اند. حالا ممکن است، غزالی به عمق فلسفه مثلا ابن سینا نرسیده باشد یا مانند ملاصدرا فیلسوف نبوده باشد، اما یقیناً فهم و درک مناسبی از فلسفه داشته است**

کردیم جزو تئوری‌هایی است که در جامعه امروز تاثیرگذار هستند، اگر چه سابقه چندصد ساله دارند. چه ایرادی دارد که این تئوری‌ها از نو و به زبان امروز بیان شوند؟ به همین دلیل ضروری است که امروز در دانشگاه‌های کشور «اتاق فکر» تاسیس کنیم و رشته‌ای به اسم «فکر» داشته باشیم تا موضوعیت پیدا کند. چرا امروز مسئله‌ای به نام فکر از دستور جامعه دانشگاهی و حتی جامعه حوزوی ما افتاده و دچار فترت شده است؟ بحث من بیشتر بر سر این است که ما بیاییم به جای این که دانش را در دانشگاه‌های سراسر کشور تعلیم بدهیم، روش درست اندیشیدن را به نسل امروز بیاموزیم. اینها عصاره مباحثی است که در ارتباط با حوزه، دانشگاه و جامعه در این کتاب مطرح کرده‌ام.

**جواب سوال قبلی‌ام را نگرتم، انجا که مطرح**

جامعه جهانی، فلسفه فکر را در حوزه فلسفه ترویج کرد. من در مقطعی طرح «اتاق فکر» را مطرح کردم که بازتاب بسیار خوبی در جامعه داشت. قبل از آن هم در کیهان اندیشه در سال ۷۲ تئوری فهم‌پذیری را مطرح کردم که در واقع مدلی پیدا نکرد که این مبحث را در کتاب «تالار آگاهی و گوهی» آورده‌ام. کتابی که در حال حاضر با عنوان «رمزگشایی فلسفه هستی» در دست چاپ دارم، یک عنوان فرعی هم دارد به نام «تئوری شهر انسانی» که در مقابل تئوری شهر سنگی و اساطیری طرح می‌شود. من معتقدم که ما باید یک وضعیت فکری را در جامعه فلسفی در سطح ملت‌ها ترویج کنیم که صرفاً «دانسته‌ها» برای «دانستن» در دستور قرار نگیرد، بلکه ابزاری در خدمت تفکر باشد تا ما بر شانه‌های آن قرار بگیریم. راه این کار هم به وجود آوردن فلسفه‌ای به نام «فلسفه تفکر» است. اگر فلسفه تفکر رگه‌هایش در جامعه ایرانی به وجود آمد، با توجه به پشتوانه عظیم فلسفه ایرانی معتقدم می‌توان در نتیجه‌امیدی بر دنیای ناامیدی فلسفه به وجود آورد.

**شما در کتاب «تالار آگاهی و گوهی» مباحث خودتان را از تفکر سقراطی شروع کرده‌اید. آیا انگیزه خاصی داشتید؟**

به نظر من سقراط یکی از فیلسوفان تاثیرگذار در تولید فکر بود. چرا که معتقد بود باید از ذهنیت بیرون آمد و در عین حال معتقد بود که عینیت به تنهایی کافی نیست و در واقع باید یک نوع تلازم منطقی بین ذهن و متن به وجود بیاید تا فکری موثر و قابل استفاده شکل بگیرد. به همین دلیل وقتی محاکمه سقراط را نگاه می‌کنیم، ادبیاتی که سقراط در آن محاکمه استفاده می‌کند، ادبیات فکری است. آخرین جمله‌ای که از آن محاکمه در ذهن من باقی مانده این است که می‌گوید اکنون شما به سوی زندگی می‌روید و من به دنبال مرگ. این که کدام یک راه بهتری را انتخاب کرده‌ایم، فقط خداوند می‌داند.

این ادبیات، ادبیاتی کاملا فکری است یا در جایی دیگر می‌گوید: «فرار از مرگ کار دشواری نیست. فرار از بدی دشوار است، زیرا بدی تندتر از مرگ می‌دود. به اعتقاد من این سخن‌ها فرا فلسفی‌اند که از زبان سقراط جاری می‌شود. فلسفه‌ها زمانی به وجود می‌آیند که فکر از ادامه دادن باز بماند. زمانی که فکر متوقف می‌شود. فلسفه آغاز می‌شود و هنگامی که می‌نویسیم، متنی نوشته می‌شود اما دیگر فکر نمی‌کنیم، بلکه فکر را بیان می‌کنیم. سقراط به گونه‌ای سخن می‌گفت که فکر کردن با آن همراه بود. با شما مفاهیم می‌کرد اما با شما مواجه نمی‌شد که شما را از دور خارج کند. یعنی به نحوی با شما گفت‌وگو می‌کرد که یعنی شما هم این چیزها را می‌دانید ولی به خودتان زحمت نمی‌دهید تا آنها را به یاد بیاورید.

ما امروز در جامعه ایران معلم این گونه می‌خواهیم. متفکرانی با این نگاه می‌خواهیم، فیلسوفانی چون او می‌خواهیم. یعنی اساس اندیشیدن و روش اندیشیدن را سقراط در اختیار انسان می‌گذارد. من بر این اساس بود که تصمیم گرفتم در ابتدای کتاب بیان سقراطی را طرح کنم و نشان بدهم که اگر می‌خواهیم از فیلسوف فکوری سخن بگوییم، بهتر است از سقراط شروع کنیم.

**سقراط که همیشه در رویارویی با اندیشه سوفیستی بود، چگونه در بخشی از متنی که فراهم کرده‌اید، از طرف گروهی متهم به سوفیست بودن می‌شود؟**

علت عمده آن این است که رقیب سقراط برای این که سقراط را از گردونه گفت‌وگو خارج کنند، دیدند هیچ راهی ندارند جز این که او را متهم به اندیشه‌های سوفیستی کنند تا شاید افکار عمومی را قانع کنند که سقراط آنچه که می‌گوید و می‌نماید نیست. بلکه آنچه ما می‌گوییم هست، یعنی سقراط یک سوفیست است که با افکار مردم بازی می‌کند اما می‌خواهد این افکار را به خدمت خودش در بیاورد. رقیب سقراط حتی او را متهم می‌کردند که افکار بچه‌ها را منحرف می‌کند، جالب این است که سقراط با همین اصل محکوم می‌شود یعنی در واقع بر اساس یک نکته انحرافی محکوم می‌شود و مرگ را می‌پذیرد و آن سخن پایانی را می‌گوید.



بنفشه محمودی

سی ام مردادماه در تقویم جمهوری اسلامی ایران، روز بزرگداشت علامه مجلسی نامگذاری شده است. وی از بزرگ ترین علمای شیعه عهد صفوی، در عمر ۷۳ ساله خود بیش از یکصد عنوان کتاب به زبان های فارسی و عربی نوشته است که تنها یکی از آنها یعنی «بحار الانوار» ۱۱۰ جلد است. جویا جهانبخش، مصحح و پژوهشگر نسخ خطی، سابقه انتشار دو اثر از علامه مجلسی را در کارنامه خود دارد؛ ترجمه «فرحه الغری» و «ملحقات صحیفه سجاده» که دومی در سال ۸۷ توسط انتشارات اساطیر منتشر شده است. به مناسبت بزرگداشت علامه مجلسی با او گفت و گویی انجام داده ایم. جهانبخش معتقد است بسیاری از انتقاداتی که درباره آثار علامه مجلسی مطرح شده عوامانه و گاه ناشی از عدم آشنایی با روش و مقصود آن مرحوم از نقل برخی روایات است. او می گوید: «توضیح و تبیین همین روش و مقصود هم وظیفه اهل تحقیق و کسانی است که باید آثار علمای سلف را با علم و بصیرت و روشنگری به چاپ برسانند.»

گفت و گو با جویا جهانبخش به مناسبت روز بزرگداشت علامه مجلسی

# برخی انتقادات به آثار مجلسی، عوامانه است

و تحلیل کرد و مسائلی از جمله اعتبار سند روایت یعنی زنجیره روایاتی که آن را نقل کرده اند، در این بررسی مورد توجه قرار می گیرد.

به مناسبت بجااست بگویم که مرحوم حاج آقا محتبی عراقی از شاگردان و پیروان مرحوم آیت الله بروجردی بوده آن گونه که در خاطرمان مانده است در یک مصاحبه تلویزیونی می فرمود: «آیت الله بروجردی شخصی را که می خواست از روی احترام پای ایشان را ببوسد، به شدت مانع شدند و نهی کردند، چون بوسیدن پا را جایز نمی دانستند؛ و در این باره هم به روایتی که در فرحه الغری درباره دیدار ابوحمزه ثمالی با حضرت سجاد آمده است، استناد می فرمودند.» این مطلبی بود از فرمایش مرحوم آقای عراقی که خود مرد اهل و فاضلی بود، در خاطرمان مانده است. روایت مورد استناد ایشان هم گویا همان است که در صفحه ۷۵ از «ترجمه فرحه الغری» آمده و در آن می خوانیم: «ابوحمزه گفت: بر قدم مبارک آن حضرت افتادم و می بوسیدم. حضرت به دست مبارک، سر مرا برگرفتند و فرمودند که: چنین مکن؛ سجده مخصوص خداوند عالمیان است»

**از آثار پدر ایشان چه کتاب هایی منتشر کرده اید؟**  
از مرحوم آخوند ملا محمد تقی مجلسی، معروف به مجلسی اول، هم کتاب «شرح خطبه متقین» را تصحیح کرده ام که انتشارات اساطیر تجدید چاپ آن را مدت هاست روانه بازار کرده و بحمد الله با اقبال مواجه بوده، هم «شرح خطبه البیان» ایشان را که اثری نویافته است، برای نخستین بار در گاهنامه میراث حوزه اصفهان چاپ کردم و اکنون با تعلیقات و مقدمه و تحقیقات بسیار مبسوط، برای چاپ مستقل در دست آماده سازی است.

**پژوهش درباره آثار علامه مجلسی را در چه وضعی می بینید و آیا خود قصد انتشار آثار دیگری را از ایشان دارید؟**

درباره مطلب اول به اختصار بگویم که متأسفانه هنوز همه آثار مرحوم مجلسی به معنای متعارف مصطلح به چاپ انتقادی، یعنی تصحیح علمی مبتنی بر نسخه های معتبر، نرسیده و برخی از آثار ایشان فقط حروفچینی و تجدید حروفچینی می شوند. بماند که بسیاری از این مکتوبات باید با حواشی روشنگر و حتی احیاناً منتقدانه همراه شود؛ که نشده است. علامه مجلسی مرد بسیار بسیار بزرگی است ولی فراتر از مرتبه «نقد» نیز نیست. هر چند بسیاری از انتقاداتی هم که درباره آثار ایشان مطرح شده، ولو آنکه قائلش هم شخص عالمی بوده باشد، عوامانه است و گاه ناشی از عدم آشنایی با «روش» و «مقصود» آن مرحوم از نقل برخی روایات است. به هر حال توضیح و تبیین همین روش و مقصود هم وظیفه اهل تحقیق و کسانی است که باید آثار علمای سلف را با علم و بصیرت و روشنگری به چاپ برسانند.

سخن در این باره بسیار است و چون امکان سوء تفاهم نیز در این زمینه فراوان است در اینجا بهتر است به همین اشاره بسنده کنیم. و اما در باب این که آیا قصد داریم آثار دیگری از علامه مجلسی منتشر کنیم یا نه، حقیقت آن است که درباره برخی از مکتوبات آن مرحوم در حیطه کلام و اعتقادات، کارهایی کرده ام که هنوز مجال روحی و زمان مناسب انتشار آن ها را نیافته ام.



می دانم، برای نخستین بار به چاپ رسیده است. گویا شما قبلاً هم یکی دیگر از آثار علامه مجلسی را برای نخستین بار به چاپ رسانده اید و از آثار پدر ایشان هم بعضی را منتشر کرده اید.

بله، سال ها پیش ترجمه «فرحه الغری» را تصحیح کردم که مرکز پژوهشی میراث مکتوب آن را در سال ۱۳۷۹ چاپ و منتشر کرد.

«غری» همان نجف اشرف است که منسوب به آن را غروی می گویند؛ کما این که لفظ غروی را در نام و شهرت بسیاری از علمای شیعه ساکن عتبات یا مسافر عتبات می بینید و در واقع همان نجفی است، مثل حائری که آن هم یعنی کربلایی. «فرحه الغری» را سید عبدالکریم بن طاووس، برادرزاده ابن طاووس معروف، درباره مرقد امیرمومنان (ع) و تاریخ و زیارت آن نوشته و از منابع مهم تاریخی و حدیثی شیعه است. علامه مجلسی آن کتاب را به فارسی ترجمه کرده است. این ترجمه تا آن زمان هیچ گاه چاپ نشده بود تا این افتخار که به چاپ آن پردازم، نصیب بنده شد.

**اعتبار و اصالت روایات این کتاب چقدر است؟**  
همان طور که گفتم، این کتاب از منابع پراهمیت تاریخی و حدیثی است، ولی در عین حال مستحضرید که اغلب، اعتبار هر روایت را باید جداگانه بررسی

یافتم، نسخه ساده ای از کار مجلسی نیست، میر محمد حسین خاتون آبادی، نواده دختری علامه مجلسی که خود از عالمان بزرگ و شیخ الاسلام اصفهان در دوره شاه سلطان حسین بوده و به نوعی خلیفه جد امجدش محسوب می شود، کار جد خود را مورد بازبینی و به اصطلاح ویرایش علمی قرار داده و به درخواست پادشاه صفوی، به فارسی هم ترجمه کرده است.

آنچه چاپ کرده ام، همین روایت میر محمد حسین خاتون آبادی است که هم شامل متن عربی و هم شامل متن ترجمه فارسی خود او از این اثر است. بحمد الله نسخه اصلی خط مبارک خاتون آبادی در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگاهداری می شود. من هم از همین نسخه اصلی و اصیل بهره برده ام و تصویر نمونه صفحات آن را هم برای اطلاع و ملاحظه اهل فن در کتاب چاپ کرده ام.

**آیا پیش تر، تصحیح دیگری از این متن منتشر شده بود؟**

خیر. تا آنجا که مطلع گویا و آن هم گویا فقط متن عربی دعاهای جمع آورده علامه مجلسی همراه متن صحیفه سجاده به چاپ سنگی رسیده که آن هم نه متداول است و نه در دسترس؛ ولی این روایت کامل مصحح (با تصحیح و ترجمه خاتون آبادی) تا آنجا که

شما مدتی پیش «ملحقات صحیفه سجاده» را تصحیح و منتشر کرده اید. آیا ذکر «ملحقات صحیفه» به این معنی است که علامه مجلسی چیزی به صحیفه سجاده افزوده است؟

پیش از پاسخ به پرسش شما، ابتدا باید نکته ای را توضیح دهم، صحیفه سجاده به بسیاری از کتاب های حدیثی دیگر ما در اساس تفاوت مهمی دارد؛ چرا که بیشترین کتاب های حدیثی را دانشمندان علوم دینی و حدیث شناسان تالیف و تدوین کرده اند. مثلاً «نهج البلاغه» را شریف رضی در سال ۴۰۰ هجری یعنی سیصد و چند ده سال پس از شهادت امیرالمومنین (ع) با استفاده از منابع و مآخذ کهن تر تدوین و گردآوری کرده است. کتاب های شریف دیگری چون «کافی» و ... هم فراهم آورده عالمان بزرگ حدیث اند. اما صحیفه سجاده زیر نظر خود امام سجاد (ع) کتابت و تدوین شده. آن حضرت املاء می فرموده و فرزندش امام باقر (ع) کتابت می فرموده اند. پس در واقع، صحیفه کتابی است که تالیف و تدوین آن از خود ائمه اهل بیت علیهم السلام است و این از امتیازات این کتاب فوق العاده عزیز و شریف است. البته با تصریحی که در بخش سند روایت همین صحیفه موجود متداول آمده در می یابیم که از همان دیرزمان، برخی از دعاهای این کتاب مفقود شده. در همان بخش یاد شده، مذکور است که دعاهای متن اصلی صحیفه هفتاد و پنج دعا بوده؛ حال آن که نسخه مشهود متداول کنونی شامل پنجاه و چند دعاست؛ یعنی علی الظاهر چیزی در حدود بیست دعا کمتر از متن اصلی دارد و این دعاها به مرور در نقل و انتقال تاریخی کتاب مفقود شده اند.

عده ای از علمای شیعه با جست و جو در نسخ خطی و متون حدیثی مختلف، در پی آن برآمده اند که بخش های مفقود صحیفه را دوباره پیدا کنند. البته عده معتنابهی از دانشوران و محدثان به تدوین مستدرکات و صحیفه های تازه ای برای دعاهای روایت شده از امام سجاد (ع) اقدام کرده اند ولی اغلب آنها «مستدرک» صحیفه موجود، به معنای فنی آن، محسوب نمی شود. زیرا امده و نوان، اغلب به جمع آوری دعاهای روایت شده از امام سجاد (ع) پرداخته اند، به خصوص دعاهای صحیفه.

**اشکال آن کجاست؟**

اشکال اینجاست که امام سجاد (ع) طبعاً غیر از آن هفتاد و پنج دعا که در قالب صحیفه املا فرموده اند، دعاهای دیگری داشته و خوانده اند. جمع آوری همه دعاهایی که از آن حضرت روایت شده و به ایشان منسوب است، خود کاری است؛ ولی مستدرک صحیفه به معنای فنی اش نمی شود چون صحیفه حدود و ثغور و مفهوم و معنای ویژه ای داشته است. علامه مجلسی (رضوان الله علیه) با احاطه و دقتی که در حوزه حدیث شناسی و کتاب شناسی داشته است، به این نکته توجه فرموده و در ملحقات صحیفه در صدد بوده است دعاهایی را که با قرآنی، به نظر می رسد از دعاهای مفقود نسخه اصلی صحیفه باشد گردآوری کند و نشان دهد. البته او در این کار ادامه دهنده راه برخی از پیشینیان خود است.

**شما این کتاب علامه مجلسی را از روی چه نسخه ای به چاپ رسانده اید؟**

متنی که من توفیق تصحیح و آماده سازی آن را

# هنر شعر ارسطو؛ خاستگاه نظریه های ادبی

می تواند ساده یا پیچیده باشد. یعنی ساده و پیچیده بودن داستان فی نفسه نشان دهنده چیزی نیست، بلکه همان طور که کردارهای انسان ها برخی ساده و برخی پیچیده اند، داستان ها که گزارش آن کردارها نیز گاهی ساده و گاهی پیچیده اند و این موضوع داستان است که تعیین می کند داستان باید ساده باشد یا پیچیده.

کتاب در فصل یازدهم به نقطه چرخش و تحول در داستان اشاره می کند. نقطه چرخش جایی است که بر اساس حکم تقدیر یا بیشتر شدن شناخت فرد، ناگهان روند داستان تغییر می یابد و در فصل دوازدهم، به بخش های مختلف نمایش تراژدی می پردازد.

اثر در فصل سیزدهم، دستورالعمل هایی برای تغییرات اخلاقی در طول داستان را بیان می کند. به عنوان نمونه، یک داستان نباید به گونه ای رقم بخورد که در آن انسان های خوب بدبخت شوند چراکه این تغییر حالت باعث ایجاد ترس و شفقت در بینندگان - که هدف اصلی از اجرای نمایش اند - نمی شود و در فصل چهاردهم می گوید که این ترس و شفقت باید با خود داستان ایجاد شود نه به واسطه امری خارج از داستان مانند صحنه نمایش.

ارسطو در فصل پانزدهم به اهمیت اخلاق و ویژگی هایی که خلق و خوی افراد نمایش باید داشته باشند می پردازد. برای نمونه، معتقد است که خلق مردانه را نباید برای یک زن به کار برد و در فصل شانزدهم به انواع شناخت می پردازد که در نقطه چرخش داستان با آن روبه رو می شویم و این که این شناخت چگونه ممکن است رخ دهد.

کتاب از فصل هفدهم تا پایان فصل بیست و دوم بیشتر به اجزای شش گانه تراژدی که پیش از آن گفته بود، می پردازد مانند چگونگی بیان و اندیشه.

در فصل بیست و سه و بیست و چهار نیز به بررسی شعر حماسی و نسبت آن با تراژدی می پردازد و تقسیم های شعر حماسی را نشان می دهد و در فصل بیست و ششم به داوری میان ارزش این دو گونه شعری می پردازد و نشان می دهد که برخلاف تصور افلاطون که شعر حماسی را برتر می دانست، از نظر وی تراژدی در همه چیز برتر از شعر حماسی (اپوس) است.

اثر در فصل بیست و پنجم نیز بنا به روال همیشگی اش به حل برخی مسائل شعری اختصاص یافته است.

در اینجا کتاب به پایان می رسد اما هنوز نه از کمندی سخنی گفته شده و نه از کنارسیس که مهم ترین مسئله در تراژدی به حساب می آید. جالب آن که تنها گزارش کوتاهی که از ارسطو در شرح کنارسیس می توان یافت، در کتاب هشتم سیاست است و نه در هنر شعر!



است و همان طور که از ارسطو انتظار می رود، این بخش مهم ترین بخش یک تراژدی است. پس از داستان، خلق و خوی شخصیت ها، اندیشه، بیان، آواز و صحنه نمایش به ترتیب اهمیت، پنج جزء دیگر تراژدی اند.

ارسطو در فصل هفتم این اثر، در این باره بحث می کند که داستان یا طرح اصلی تراژدی باید به اندازه ای باشد که وحدت آن حفظ شود یعنی نه زیاد بزرگ و نه زیاد کوچک. اما در فصل هشتم نکته ای بسیار مهم درباره تعیین وحدت در داستان بیان می کند. به نظری، وحدت داستان به معنای وحدت قهرمان آن نیست، یعنی معنایش این نیست که حول زندگی و مسائل یک فرد بگذرد و بخواید تمام اموری را که مربوط به یک فرد است، بیان کند بلکه باید درباره یک کردار در انسان باشد؛ برای نمونه می توان از شجاعت نام برد.

کتاب در فصل نهم، به تمایز میان تاریخ و شعر اشاره می کند و نشان می دهد که شعر برخلاف تاریخ، لزوماً نباید بیان امور واقع شده باشد بلکه می تواند به امور ممکن یا نحوی که امور باید آن گونه باشند، بپردازد. از این لحاظ شعر با فرارفتن از امر واقع فردی به سوی امر ممکن غیرفردی و کلی گام برمی دارد و درست به همین خاطر است که ارسطو شعر را از تاریخ فلسفی تر می داند چراکه به کلیات می پردازد. همچنین در فصل دهم به این امر توجه می کند که یک داستان

انسان هایی که از انسان های عادی برترند و دیگری شعری که به چیزهای پست تر می پردازد و آنها را تشبیه می کند که کمندی نامیده می شود. در کمندی انسان هایی مورد تشبیه و وصف قرار می گیرند که از انسان های عادی فروترند. بر این اساس می توان به این نتیجه رسید که برای ارسطو، جلوه های زشتی چون انسان های پست هم می توانند موضوع امر هنری قرار گیرند و این جالب توجه است.

در فصل سوم، بر اساس تمایز چگونگی تشبیه در یک شعر، آن را تقسیم بندی می کند و می گوید اگر خود شاعر شعرش را بخواند به این شعر داستان سرایی گوئیم ولی اگر شعرش را به وسیله دیگران (یعنی به واسطه کردار انسان های دیگر) بیان کند در این صورت شعرش، نمایش است که ویژگی درام را دارد که همان بیان در حرکات و سکنت است.

کتاب در فصل چهارم به علل پیدایش شعر می پردازد و آنها را یکی غریزه تقلید در انسان و دیگری، عشق به وزن و آهنگ می داند و در فصل پنجم برای شرح بیشتر کمندی، به امور خنده آور می پردازد که کمندی ها بر اساس آنها شکل می گیرند.

از فصل ششم به بعد، بحث کتاب به طور کلی حول محور تراژدی می گردد که در گام نخست این کار با تعریف تراژدی و سپس بیان اجزای شش گانه آن آغاز می شود. در اینجا پس از تعریف تراژدی نشان می دهد که داستان، غایت و هدف از تراژدی

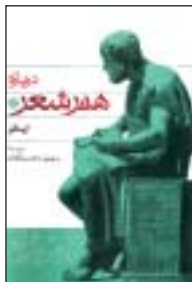
«درباره هنر شعر ارسطو» با برگردان سهیل محسن افغان، کتابی است که در سال ۱۹۴۷ یعنی حدود شصت سال پیش در انگلستان به صورت دو زبانه (یونانی - فارسی) به چاپ رسید اما این کتاب در ایران نایاب بود تا این که امسال توسط انتشارات حکمت به صورت یک زبانه و با حذف زبان مبدأ، یعنی یونانی، تجدید چاپ شد. ارزش این ترجمه، هم از این لحاظ است که از زبان اصلی (یونانی) ترجمه شده و هم این که توسط زبان شناسی خبره چون سهیل افغان انجام شده است.

همان طور که از متن کتاب هنر شعر برمی آید و شارحان هم بر آن تاکید می کنند ارسطو مبنای بحث خود را بر اساس نگاه افلاطون و نقد آن در زمینه شعر قرار می دهد. به نظر افغان یکی از کارهای مهم ارسطو در این رساله این است که نشان دهد برخلاف نقد افلاطون بر شاعران در مورد غیراخلاقی بودن کارهایشان، امر هنری و متعلق زیبایی را باید از امر اخلاقی و متعلق خیر جدا کرد، چراکه شاعران چه مردمانی خوب باشند چه بد و گفتارشان چه راست باشد چه دروغ، شعر از جمله فعالیت های هوش و هنر آدمی است و دارای صفات و وظایف مخصوص. شعر مشروط به فایده اخلاقی نیست بلکه مشروط به بخشیدن لذت است. وظیفه تراژدی آن است که از راه پاک سازی یا «کاتارسیس عواطف ترس و شفقت»، لذت بخشد و خشنودی آورد و این نظریه کاتارسیس پاسخ ارسطو است به انتقادات افلاطون (به شعر).

نکته مهمی که درباره کتاب «هنر شعر» باید دانست، این است که این کتاب ناقص است چراکه بر اساس گفته خود ارسطو، این کتاب باید هم به تراژدی و هم به کمندی بپردازد اما آنچه اکنون به عنوان کتاب ارسطو باقی مانده، تنها بخشی است که در آن به تراژدی پرداخته شده و حتی نظریه مهم کاتارسیس - که وعده پرداختن کامل به آن را در کتاب سیاست هم داده است - نیز در هنر شعر وجود ندارد.

«هنر شعر» که چیزی حدود پنجاه صفحه از حجم کتاب را در برمی گیرد، ۲۶ فصل دارد که در هر یک به موضوعی پرداخته شده است. در فصل نخست وی نظریه مشهور «میمسیس» را مطرح می کند و در آن نشان می دهد در هنرهایی چون شعر، موسیقی، رقص، نقاشی و مجسمه سازی، آنچه اصل است تقلید از طبیعت و تشبیه به آن است. فرق این هنرها صرفاً در وسایل و ابزار بیان این تشبیه است.

در فصل دوم، ارسطو به موضوع این تقلید و تشبیه در شعر می پردازد و نشان می دهد که بر اساس موضوعی که می خواهیم در شعر آن را توصیف کنیم، دو گونه شعر پدید می آید؛ یکی تراژدی که شعری است که به چیزهای برتر می پردازد؛ یعنی شعری درباره



## یادی از پژوهشگری توانمند

سهیل محسن افغان که «درباره هنر شعر ارسطو» را از زبان اصلی اثر (یونانی)، به فارسی برگردانده یک زبان شناس است که به واسطه تسلطش بر زبان های یونانی، پهلوی، فارسی، انگلیسی، عربی و فرانسه توانسته تحقیقات مفصلی در واژه شناسی انجام دهد. یکی از نتایج آن، کتاب واژه شناسی فلسفی به زبان های پیش گفته است.

کتاب دیگر وی برگردان «هنر شعر ارسطو» از یونانی به فارسی است و شاید اهمیت آن به اندازه دیباچه و گزارش نامه ارزشمندی است که وی بر این ترجمه افزوده است. او در گزارش نامه خود تعریف مفصلی از واژه ها، اصطلاحات و نام های ذکر شده در هنر شعر به دست می دهد و در دیباچه پژوهشگرانه اش نیز تاریخ پیوستگی فرهنگی ایران و یونان را بررسی می کند.

وی در آغاز با پرداختن به بحث هخامنشیان نشان می دهد که چگونه

فرهیختگان و شاهزادگان این قوم با فرهنگ و زبان یونانی آشنا بوده اند و پس از آن روشن می کند که فرهنگ یونانی در پی حمله اسکندر وارد ایران می شود به گونه ای که در زمان جانشینان وی حتی مکان هایی چون آمفی تئاترهای یونانی، ساخته می شود و در آن تراژدی های اورپیدس و سوفوکل به اجرا درمی آیند.

وی این سیر را همچنین در دوران اشکانیان و سپس ساسانیان دنبال می کند و نشان می دهد که چگونه مسیحیان نستوری که زبانشان سریانی بود توانستند بسیاری از آثار فلسفی یونانی به ویژه آثار منطقی ارسطو را به سریانی برگردانند.

در میان این افراد، نام های بزرگی چون نام دو شارح آثار ارسطو؛ اسکندر افرویدی و ثامستیوس را هم مشاهده می کنیم. این در حالی است که بسیاری از ایرانیان با زبان سریانی آشنا بوده اند و از سوی دیگر، بسیاری از این آثار نیز به زبان پهلوی برگردان شد که خسرو انوشیروان نیز از آنها بهره برد.

این سریانیان کسانی اند که حتی در ساخت و گسترش مدرسه جندی شاپور به انوشیروان یاری رساندند و قشر بسیار وسیعی از طبقه دانشمندان را در ایران آن زمان در برمی گرفتند. اما بزرگ ترین نقشی که این سریانیان در برگردان متون یونانی ایفا کردند، در زمان خلفای عباسی به ویژه مامون، پس از بنیانگذاری بیت الحکمه در بغداد بود.

در ادامه، سهیل افغان با برشمردن این افراد و معلوم کردن کتاب هایی که به عربی برگردانده اند اطلاعات جامعی از نخستین مترجمانی می دهد که آثارشان تا اندازه ای هنوز در دست است.

جالب این که وی به ما نشان می دهد، چگونه ایرانیان در تمامی این مسیر، بزرگ ترین و مهم ترین نقش را ایفا کرده اند در حالی که در تاریخ، کمتر از همه از آنان نامی به میان می آید. همچنین، در ادامه وی فهرستی کامل از تمامی مترجمان و شارحان کتاب های ارسطو به دست می دهد که بسیار جالب توجه و بدیع است. بدیهی است در این میان به چگونگی سیر ترجمه و شرح کتاب هنر شعر هم می پردازد.

# مسجدیان کتابخوان و کتابخوانان مسجدی

ارائه شده و نحوه عرضه کتاب‌ها ایجاد کنند و باید کتابخانه مساجد را از حالت رکودی که بعضاً به آن دچار شده‌اند در آورند. یکی از راهکارها این است که بهترین مکان‌ها و سالن‌های مساجد را به کتابخانه اختصاص دهیم و بانیان سنجی‌های دقیق، کتاب‌های شایسته‌ای را در اختیار کودکان و نوجوانان بگذاریم که علاوه بر به روز بودن، تامین‌کننده نیازهای کنونی کودکان و نوجوانان باشد.»

ملا محمدی با تاکید بر این که استفاده از شیوه‌های معمول در ارائه کتاب‌ها دیگر برای کودکان و نوجوانان جاذبه‌ای ندارد بیان می‌کند: «به کارگیری روش‌های منسوخ و غیرنوآورانه موجب کتاب‌زدگی کودکان و نوجوانان خواهد شد اما برای این که کودکان بیشتر به این عرصه ترغیب شوند، باید نوعی رقابت در فضای کتابخانه‌ای مساجد ایجاد کنیم تا از طریق روش‌هایی نظیر کتاب‌پژوهی و قصه‌گویی کودکان از نخستین مراحل ارتباط با کتاب و لمس آموزه‌های آن، به شناخت کتاب برسند و خود را در فضایی غوطه‌ور احساس کنند که لبریز از عشق و ارادت به کتاب همراه با درک چنین فضایی باشد.»

وی معتقد است: «کتابخانه مساجد حتماً نباید به ارائه کتاب‌های مذهبی بپردازد. آنها می‌توانند با ارائه کتاب‌های شایسته در دیگر حوزه‌ها نظیر تاریخ، ادبیات، رمان و ... ارتباط کودکان و نوجوانان را با مساجد توسعه بدهند. هدف از وجود چنین مراکزی در مساجد تنها کتابخوان شدن اهالی و افراد جامعه نیست، بلکه این موضوع تنها بهانه‌ای است تا بتوانیم ارتباطمان را با مساجد محل و آموزه‌های دینی مان بیشتر کنیم، از کودکی کودکانمان را با تفکرات دینی و منش مسجیدیان بزرگ کنیم و بگوئیم مسجیدیان ما کتابخوان و کتابخوانان ما از اهالی مسجیدانند.»

نویسنده کتاب «قصه‌های قرآن» و «کلید خانه خدا» به عنوان سخن آخر خاطر نشان کرد: «باید در مساجد با ارائه کتاب‌های مناسب و آثار فاخر، کودکان را که اغلب از توانایی انتخاب کتاب مناسب برخوردار نیستند، با کتاب‌های خوب آشنا کنیم و نحوه گزینش آثار برتر را به آنها بیاموزیم.»

در این زمینه کبری عرفانی‌نیا؛ رئیس کتابخانه مسجد النبی می‌گوید: «کودکان باید از سنین بسیار پایین حتی از زمانی که خواندن و نوشتن را نیاموخته‌اند، با دنیای کتاب آشنا شوند. ایجاد و راه‌اندازی کارگاه‌های قصه‌گویی و نقاشی شاید از راهکارهایی باشند که در نخستین گام‌ها در ترغیب مطالعه و استفاده از کتابخانه مساجد به ذهن متبادر شوند.»

وی خاطر نشان می‌کند: «مسابقات کتابخوانی برای کودکان و نوجوانان از جمله راهکارهایی است که از این طریق می‌توانیم کودکان را برای حضور در مساجد و گسترش ارتباطات تشویق کنیم. در این زمینه باید در تهیه کتاب‌ها به نکاتی اعم از رشد مذهبی و شخصیتی بچه‌ها توجه داشته باشیم و بدانیم که هر کتابی که مجوز نشر گرفت، برای ارائه در هر فضایی مناسب نیست.»

با وجود تمامی دلایل کارشناسانه‌ای که مطرح و در آن به جاذبه‌های درونی و بیرونی کتابخانه مساجد و مسئولان و متولیان مساجد اشاره شد، نباید از تاثیر آموزش‌ها و رفتارهای عملی خانواده و گروه‌دوستان در تعمیق ارتباط با این کتابخانه‌ها غافل شد. حتی اگر تمامی امکانات در حد ایده‌آلی فراهم باشند، اما انگیزه‌های درونی از کودکی در افکار ماریشه‌نندآورده باشند، به سختی می‌توانیم با این مراکز ارتباط برقرار کنیم.



در کتابخانه این مکان مقدس بدون کارشناسی خودداری کرد و از آن جهت که ممکن است بسیاری از کودکان و نوجوانان برای نخستین بار با دنیای کتاب از طریق مسجد آشنا شوند، باید بگوئیم با ایجاد زیباترین جاذبه‌ها مانند گارت‌ترین خاطره از مسجد، کتاب و کتابخوانی را در ذهن آنها ماندگار کنیم.»

وی ارائه کتاب‌هایی بدون داشتن بار منفی اند را در گشوده شدن پای علاقه‌مندان به مساجد ارزشمند می‌داند و بیان می‌کند: «ارائه کتاب و آشنایی اقشار گوناگون به ویژه کودکان و نوجوانان با فضای فرهنگی در شمار فعالیت‌های تبلیغی و دینی مساجد است که در این زمینه می‌توان با در نظر داشتن روحیات کودکان و نوجوانان، به روزرسانی و به‌روزرنگه داشتن کتاب‌های این مراکز را از اولویت‌ها برشمرد. از سوی دیگر کتابخانه مساجد باید از حضور کتابخوانان و جوانان به این محل به عنوان یک ظرفیت قابل برنامه‌ریزی در راستای رسیدن به اهداف والای فرهنگی بنگرند و با توجه به اعیاد و مناسبت‌های گوناگون مذهبی، برای این رفت و آمدهای فرهنگی و گسترش ارتباط‌های علاقه‌مندان و کتابخوانان با مساجد طرح‌های منسجمی را برنامه‌ریزی و اجرا کنند.»

این ناشر فعال در حوزه‌های دینی اظهار می‌دارد: «در این زمینه محل قرار گرفتن کتابخانه، نحوه برخورد کتابداران و متولیان مساجد و جاذبه‌های این مراکز برای کودکان و نوجوانان از اهمیت بالایی برخوردار است. اگرچه ارائه کتاب‌هایی که جاذبه‌ای برای کودکان و نوجوانان ندارند، کم‌ارزشی یا نامناسب بودن آن آثار را ثابت نمی‌کنند، اما این موضوع نشانگر فعالیت نامناسب ما در نحوه ارتباط با مخاطبان و فراهم نبودن همه‌جانبه جاذبه‌هاست.»

## رقابت در فضای کتابخانه مساجد

مجید ملامحمدی، نویسنده کتاب‌های حوزه کودک و نوجوان، طی سخنانی ما را بیشتر با دنیای ذهنی و انگیزه‌های کودکان و نوجوانان آشنا می‌کند. ملامحمدی می‌گوید: «متأسفانه اکنون بعضی از کتابخانه مساجد در حالی که می‌توانند در تقویت ارتباط کودکان نوجوانان با مساجد موثر باشند، بیشتر به شکل نمادین درآمده‌اند. بیشتر کتاب‌های این مراکز چاپ‌های قدیم و مختص بزرگسالانند که برای کودکان کاربرد کمتری دارند.»

وی معتقد است: «متولیان مساجد و مسئولان این کتابخانه‌ها باید تغییرات اساسی در نوع کتاب‌های

خودشان آثار مناسب را تهیه کنند، اما با وجود طرح‌های سالانه‌ای که ستاد کانون مساجد کشور در پیش گرفته، موجب شده که کتابخانه‌ها با بسنده کردن به این مجموعه‌ها، کتابی را تهیه نکنند.

هاشمی در پاسخ به این سوال که ارزیابی طرح‌های انجام شده این مرکز چه نتایجی دربر داشته است می‌گوید: «این مرکز برنامه‌های بلندمدتی دارد که بر پایه اهداف و نتایج عملکردهای آن استوارند. بر این اساس بررسی اقدامات انجام شده و پیگیری میزان اقبال و توجه به کتاب‌هایی که تهیه و ارسال شده است، یکی از کارهای این مرکز درباره پیوند و گسترش ارتباط کودکان و نوجوانان با کتابخانه‌های مساجد به شمار می‌رود.

ما در صددیم با ایجاد کتابخانه‌های تخصصی در مساجد، فعالیت‌های دینی مان را پیش ببریم که در این راستا، مردم نیز باید به ما کمک کنند تا به نتایج رضایت‌بخشی در این زمینه دست یابیم. تاکنون موفق به جذب بیش از ۷۰۰ هزار نفر عضو ثابت در کتابخانه مساجد کل کشور شده‌ایم و از تمامی آنها در اداره کتابخانه‌های مساجد استفاده می‌کنیم.

مدیرکل کتابخانه‌های مساجد کشور تصریح می‌کند: «همواره کوشیده‌ایم تا تمامی استانداردهای طراحی شده در حوزه‌های کتابخانه‌ها را رعایت کنیم، چون هرچا مسجدی هست، می‌توانیم کتابخانه‌ای را هم ایجاد کنیم. از این رو با توجه به تنوع مکانی مساجد و تعدد آنها در مناطق گوناگون کشور می‌خواهیم تعداد کتابخانه‌ها را نیز افزایش دهیم. استانداردهای داخلی ما براساس استانداردهای نهاد عمومی کتابخانه‌هاست که مطابق با استانداردهای ایفلا تنظیم شده‌اند و مرتباً بازنگری و تقویت می‌شوند.»

در این زمینه حجت الاسلام محمد کاظم شمس، رئیس موسسه فرهنگی و انتشاراتی بوستان کتاب، که بخشی از فعالیت‌های آن در زمینه انتشار و توزیع کتاب‌های حوزه کودک و نوجوان است با ذکر این نکته که یکی از موضوعات تاثیرگذار در رشد همه‌جانبه شخصیتی کودکان، بهره‌گیری از شیوه‌های مطالعه در تمامی ارکان تربیتی آنها به ویژه کتابخانه مساجد است می‌گوید: «باید به عنوان جاذبه دوم در افزایش میزان علاقه‌مندی و ارتباط کودکان و نوجوانان با مساجد، از راهکارهایی در این زمینه استفاده کرد.»

حجت الاسلام شمس با بیان این که در این روش کسانی که اهل مسجیدند، اما اهل مطالعه نیستند، با فضای کتابخوانی آشنا می‌شوند، اظهار می‌کند: «تنها نباید از کتاب‌های دینی برای ترغیب کودکان به منظور روی آوردن به کتابخانه مساجد استفاده کرد، بلکه می‌توانیم هر کتاب یا موضوعی را از نگاه دین بررسی کنیم. با توجه به این که اسلام، دینی گسترده و همه‌جانبه است، می‌تواند در تمامی زمینه‌ها، آموزه‌ها و حرف‌های جدیدی را درباره مسائل گوناگون و نوپدید داشته باشد.»

وی می‌گوید: «برای افزایش تعداد مراجعان به کتابخانه مساجد، کارشناسان باید با بررسی مناسبت‌های گوناگون و تعداد ساعتی که کودکان و نوجوانان در مساجد محل‌اند، برای زمان‌های آنها برنامه‌ریزی کنند و متناسب با ذوق، سلیقه و نیازها، خوراک فکری آنها را در قالب کتاب‌ها و آثار شایسته ارائه دهند.»

حجت الاسلام محمد کاظم شمس معتقد است: «به این دلیل که مساجد محل‌هایی امن و مورد تایید خانواده‌ها به حساب می‌آیند، باید از ارائه هر کتابی

مساجد مأمونی زیبا و دوست‌داشتنی برای ارتباط با خالق هستی در فضایی به دور از هیجانات روزمره و گرفتاری‌های تکراری‌اند؛ فضایی روحانی که می‌تواند بهترین سرآغاز برای گسترش این ارتباط از طریق آشنایی با دنیای کتاب برای کودکان و نوجوانان و تعمق رابطه کتابخوانان با خانه خدا باشد.

شاید بارها هنگام رفت و آمد به مسجد، گوشه چشمی هم به کتابخانه آن انداخته باشیم که گاهی با اعلامیه‌های جدید، اهالی کتاب را به خود می‌خواند اما چند بار به ندای این کتاب‌ها پاسخ مثبت داده‌ایم و به سراغشان رفته‌ایم؟ چند بار کودکانمان را برای آشنایی با کتاب یا فلسفه به مسجد آمدن، به این کتابخانه‌ها برده‌ایم؟ شاید بعضی وقت‌ها شنیدن برخی سوالات را چون جواب‌های قشنگی برایشان نداریم، دوست نداشته باشیم، اما اینها هم بخشی از واقعات اطراف ما هستند که بهتر است - با تلنگری هر چند نامهربانانه - به فکر آنها بیفتیم.

اما به راستی وضعیت کتابخانه‌های مساجد کشورمان به چه صورتی است و این کتابخانه‌ها تا چه اندازه می‌توانند حلقه ارتباطی بین اهالی کتاب با مساجد شوند؟ در این گزارش سعی شده از این منظر به کتابخانه‌های مساجد نگریسته شود.

## نداعی کتاب، مسجد و مطالعه در ذهن کودکان

سید ابوالفضل هاشمی، مدیرکل کتابخانه‌های مساجد کشور، با اشاره به این که اکنون ۲۵۰۰ کتابخانه تحت پوشش ستاد عالی کانون‌های مساجد کشور قرار دارند می‌گوید: «این ستاد سال گذشته دو هزار کتابخانه‌ی باز را در مساجد کشور تاسیس کرد و این اقدام مجموع کتابخانه‌های تحت پوشش مرکز را به ۴۵۰۰ کتابخانه ارتقا داد.»

وی با بیان این که سالانه هر کتابخانه به طور متوسط با افزایش ۵۰۰ کتاب‌تجهیزی می‌شود می‌افزاید: «این میزان با توجه به درجه و نیاز کتابخانه‌ها از ۳۰۰ تا ۷۰۰ نسخه قابل تغییر است. در تهران نیز براساس آخرین آمارها ۲۶۵ کتابخانه تحت پوشش و ۲۰۰ کتابخانه‌ی باز در مساجد به ارائه خدمات کتابخانه‌ای می‌پردازند.»

هاشمی نحوه گزینش کتاب‌ها را انطباق با استانداردهای کتابخانه‌های عمومی می‌داند و می‌گوید: «این کتاب‌ها در تمامی زمینه‌ها و اغلب با رویکردهای مذهبی گردآوری و به کتابخانه‌ها ارسال می‌شوند و تلاش ما این است که بیشتر کتاب‌های مرجع مذهبی نظیر تفاسیر را به این کتابخانه‌ها ارائه کنیم تا در سراسر کشور تمامی علاقه‌مندان چنین آثاری که می‌تواند پاسخگوی مناسبتی برای پرسش‌های عمیق دینی باشد، به آن‌ها دسترسی داشته باشند.»

وی با بیان این که اکثر جامعه را قشر جوان و نوجوان تشکیل می‌دهند متذکر می‌شود: «۸۳ درصد از اعضای کتابخانه‌های مساجد را افراد زیر ۲۵ سال تشکیل داده‌اند.»

مدیرکل کتابخانه‌های مساجد کشور با تاکید بر این که اگر قرار است کودکان و نوجوانان با ایمان را به مساجد بکشانیم، باید از همان ابتدا آنها را به سوی کتابخانه‌ها سوق بدهیم، می‌گوید: «در طرح‌های آتی کتابخانه‌های کودکان در نظر داریم ۲۰ کتابخانه کاملاً ویژه هم در سطح کشور برای کودکان تاسیس کنیم که اکنون این طرح در حال پیگیری است و تا پایان سال اجرایی خواهد شد در واقع می‌خواهیم کتاب، مسجد و مطالعه در تصورات ذهنی کودکانمان نهادینه شوند.»

مساجد در انتخاب کتاب مستقل‌اند و می‌توانند



زهره نیلی

مژگان شیخی در کتاب «کاش تو را می دیدم» که از سوی انتشارات قدیانی منتشر شده، به فرازهایی از زندگی حضرت معصومه (س) پرداخته. شیخی متولد ۱۳۴۱ و کارشناس زبان انگلیسی است. آثاری چون «عکس یادگاری خانم مارمولک و قصه های دیگر»، «جشن تولد قطار و قصه های دیگر»، «یوسف گمگشته»، «شهر دلتنگی»، «شبنه ای که نیامد»، «خورشید خوارزم» و... از جمله داستان های شیخی اند. این نویسنده کودک و نوجوان، کتاب هایی را هم ترجمه کرده که از آن جمله می توان به «من از همه کوچک ترم»، «با من باش» و «گاو بی رنگ»، اشاره کرد. با شیخی که در آخرین دوره کتاب سال به عنوان برگزیده بخش کودک و نوجوان انتخاب شده درباره تازگی ترین کتابش گفت و گو کرده ایم و از او درباره دشواری نوشتن داستان های تاریخی- مذهبی برای کودکان پرسیده ایم.

نویسنده «کاش تو را می دیدم»:

# بچه ها را از «سرمشق زندگی» محروم نکنیم

امام موسی کاظم (ع) و حضرت امام رضا (ع) بود. آنچه در داستان شما به آن توجه شده، این است که از حضرت معصومه (س) یک الگوی قابل دسترس ساخته اید.

یکی از آفت های اساسی که به بدنه ادبیات دینی آسیب جدی وارد کرده، این است که نویسندگان از این بزرگواران اسطوره هایی غیر قابل دسترس می سازند و این موجب می شود که کودکان و نوجوانان نتوانند با بهترین الگوهای انسانی ارتباط برقرار کنند و آنها را سرمشق زندگی و رفتار خود قرار دهند.

شناخت نویسنده از دوره های مختلف تاریخ تا چه اندازه به کار او می آید؟

قطعا نویسندگان باید با دوره تاریخی که درباره اش می نویسند، به خوبی آشنا باشند و آداب و رسوم مردم، طرز لباس پوشیدنشان و... را بشناسند. من پیش از این دو کتاب درباره یعقوب لیث صفار و جنگ حران نوشته ام و برای نوشتنشان، آثار زیادی را درباره اوضاع و احوال و شرایط آن دوره خوانده ام. حتی زمانی که ما درباره شخصیت های تاریخی و مذهبی می نویسیم، باید با جغرافیای محل زندگی شان هم آشنا باشیم. چگونه می توان درباره زندگی حضرت معصومه (س) نوشت و با جغرافیای مدینه یا قم آشنا نبود؟

بعضی بر این باورند که بهتر است شخصیت های تاریخی را به روز کرد و نوشت. شما با این نکته موافقت می کنید؟

به نظر من، آن دیگر داستان تاریخی نیست و قصه ای جداست که ارتباطی به آن دوره تاریخی خاص و موقعیت جغرافیایی اش ندارد.

کتاب «کاش تو را می دیدم» به سفارش ناشر نوشته شد؟ و آیا قرار است به صورت مجموعه داستان های درباره امامان و شخصیت های دینی باشد یا...؟

هیچ سفارشی در کار نبود. من به دلخواه خودم داستان را نوشتم و به ناشر سپردم و این که، یک داستان است نه مجموعه داستان.



معصومه (س) زندگی کوتاه اما پربراری داشته و فراز و نشیب های بسیاری را پشت سر گذاشته اند اما متأسفانه در تاریخ به این فراز و فرودها اشاره زیادی نشده است. قدر مسلم این حضرت در کنار پدر بزرگوارشان حضرت امام موسی کاظم (ع) و برادرشان حضرت امام رضا (ع)، نقش موثری در حوادث تاریخی دوران خود داشته اند همچنان که رویدادهای تاریخی نیز بر زندگی این بانوی بزرگوار موثر بوده اند.

به همین خاطر در نگارش این داستان به وقایع تاریخی زندگی ایشان اشاره کرده اید؟

علاوه بر این که به رویدادهای تاریخی آن دوره توجه کرده ام، به شخصیت و زندگی اعضای خانواده حضرت معصومه (س) هم توجه کرده ام. البته یکی از دلایل این کار، کمبود منابع درباره زندگی این بانوی بزرگوار است. ما هیچ کتابی درباره کودکی ایشان نداریم؛ بنابراین تنها راهی که برای من باقی می ماند، توجه به زندگی حضرت

خدمت بگیریم تا متنی خواندنی بنویسم؛ متنی که با کودکان و نوجوانان ارتباط برقرار و آنها را به مطالعه تشویق می کند.

اما موفق ترین کارهای مذهبی چون «روز واقعه» و «روز دهم» به حواشی پرداخته اند...

چه در توجه به اصل و چه حواشی رویدادهای تاریخی، آنچه اهمیت دارد، نحوه پرداخت داستان، شخصیت پردازی، پختگی نثر، خلاقیت و نوآوری نویسنده است که در هر دوی این آثار، زاویه دید تازه و شخصیت پردازی ها هنرمندانه اند، به همین خاطر در ذهن مخاطب می ماند و بردش می نشیند.

آشنایی نسبی مخاطب تا چه اندازه به نویسنده در خیال پردازی هایش کمک می کند؟

بیضایی و امین پور به داستان کربلا پرداخته اند. ماجرای که برای مخاطب نوجوان و جوان شناخته شده است و نیازی به اصل آن داستان ندارد اما کودکان با بسیاری از داستان های تاریخی و مذهبی آشنا نیستند و نویسندگان ناچارند مخاطب کم سن و سال خود را با آنچه رخ داده آشنا کنند.

و این راه بر تخیل آنها می بندد.

بله، چون همان گونه که پیش از این هم اشاره شد، ما ناچاریم به کودکان آگاهی دهیم و آنها را با آنچه رخ داده آشنا کنیم. پس باید به تاریخ وفادار بمانیم. از سوی دیگر باید با ذهن و زبان کودکان و نوجوانان آشنا باشیم و گرنه نمی توانیم با این گروه سنی ارتباط برقرار کنیم.

شما به چه علت به زندگی حضرت معصومه (س) پرداخته اید؟

نویسندگان بسیاری به زندگی حضرت علی (ع) یا امام حسین (ع) پرداخته اند و منابع خوبی در این زمینه وجود دارد اما کمتر پژوهشگر و نویسنده ای به زندگی بانوان بزرگ اسلام از جمله حضرت معصومه (س) پرداخته؛ بزرگوارانی که همواره زیارتگاه مادران و مادر بزرگ هایمان بوده است، چراکه مرقدشان در نزدیکی تهران است. از سوی دیگر حضرت فاطمه

دشواری های نوشتن درباره شخصیت های مذهبی چیست؟

نوشتن داستان های تاریخی- مذهبی برای هر یک از گروه های سنی، کار بسیار دشواری است چراکه نویسندگان، هم باید به اصل تاریخ وفادار بمانند و هم عناصر داستانی را رعایت کنند و متنی جذاب و خواندنی بیافرینند. این نوشتن، زمانی دشوارتر می شود که نویسندگان بخواهند به زندگی پیامبر (ص) و امامان توجه کنند، چراکه قداست این افراد در ذهن مخاطب موجب محدود شدن دامنه تخیل و بسنده کردن به روایت زندگی ایشان می شود.

شاید بتوان با ورود شخصیت های فرعی به داستان، راه حلی برای این دشواری پیدا کرد.

بله می توان شخصیت های فرعی را وارد داستان و از قول آنها بسیاری حرف ها و مسائل را مطرح کرد. همان گونه که خود من در دو داستان مذهبی که پیش از این نوشته ام، از وجود شخصیت های فرعی بهره گرفته ام. قاعدتا ورود شخصیت های فرعی به روند داستان کمک می کند اما گاهی موجب می شود که شخصیت اصلی در حاشیه قرار بگیرد.

متأسفانه این مشکل درباره داستان های مذهبی وجود دارد. به این خاطر که به جهت باورهای مذهبی نمی توان به خیال پردازی درباره زندگی و شخصیت بزرگان دین پرداخت و آنچه در این میان، پررنگ تر و برجسته تر می شود، حواشی و شخصیت های فرعی اند. همان گونه که در مجموعه امام علی (ع) که از سریال های موفق و خوش ساخت مذهبی بود، بیش از هر کس به ولید و قطام توجه شده بود.

ظاهرا شما در آثارتان بیشتر به اصل رویدادهای تاریخی توجه می کنید.

مخاطب من می خواهد با اصل داستان آشنا شود و من باید رویداد تاریخی را برای او روایت کنم و برایش از شخصیت و زندگی بزرگان دین، سخن بگویم و در عین وفاداری به اصل داستان، عناصر داستانی را هم به

گفت و گو با محمد ناصر مودودی

## افسانه؛ نسبت واقعیت به خیال

بر دیا بزرگر

لرزیدن دل نیست... عشق، موهبت است، حکمت است و سزاوار بودن می خواهد.

در فلسفه ایده ای وجود دارد که مطابق آن، قدرت، فساد می آورد. آیا شما چنین ایده ای را در رمان دنبال کرده اید؟

به عقیده من بیشتر این ایده در رمان وجود دارد که شهوت قدرت می تواند بهترین دوست را به بی رحم ترین دشمن مبدل سازد. اما آیا اشکال کار قدرت است؟ یا اشکال از سازوکارهای نادرست مدیریتی است که هر مدیری نیز خودش قربانی آن می شود؟ به هر حال نه فریاد و نه شاهزاده اوژن، هیچکدام سر تسلیم فرود نمی آورند و تاوان سختی را نیز پس می دهند. اما چاره چیست؟ هزینه انسان ماندن بعضی وقت ها زیاد است و کسی که بخواهد با معیارهای انسانی زندگی کند، گاه مجبور می شود بهای زیادی بپردازد.

اگر بخواهیم نگاهی ارسطویی به این قضیه داشته باشیم، باید بگوییم که در افسانه، وحدت موضوع

و هموعانش فقط عروسک خیمه شب بازی دست رئیس باشند که هر وقت دلش خواست تکانشان بدهد و کله شقی او اقتدر پیش می رود که وقتی با یک افسانه تاریخی مواجه می شود به باز نویسی آن متعهد می شود و پای مشکلاتش هم می ایستد.

اما به نظر می رسد ایده ها و افکار قهرمان به مرور زمان تغییر می کند، یا به بیان بهتر شخصیت او دچار تحول می شود. چرا که او در روند داستان، گاه رفتارهای نه چندان انسانی از خود بروز می دهد یا حداقل می توان در روحیه او خشونت پنهان را ردیابی کرد.

باید توجه داشت که روزگار چهره سرد و خشن خود را به فریادون نشان می دهد: «روزگار او بسیار سخت است، اما او طی درگیری با این ناملایمات و دشواری ها آموخته هایی گرانها نیز کسب می کند، آنکه می خواهد در زندگی و برای مردم مفید و موثر باشد، باید جوهری بیشتر از قلب مهربان داشته باشد و حتی آن که عشق می ورزد نیز باید بداند که عشق، تنها

«افسانه شاهزاده در قلعه کج» رمانی است با مایه ای از ایران باستان و فضایی تخیلی که به تازگی از سوی نشر دیبایه منتشر شده است. نویسنده داستان مذکور محمد ناصر مودودی پیش از این داستان های «مینو و کشف دوزک هفت نقطه ای» و «سبب هفتم» را برای کودکان نوشته که در آن آثار هم نگاه بومی نویسنده مشخص است. «افسانه شاهزاده در قلعه کج» نخستین جلد از یک دو گانه است که در چهار فضای کاملاً متفاوت سیر می کند. مودودی با آن که دانش آموخته رشته محیط زیست است، اما مطالعه گسترده افسانه های خراسان و منابع تاریخی فراوان به او امکان تخیل و فضا سازی های متعدد را در ادبیات کودکان و نوجوانان داده است.

آیا شما هم در رمان تان به مسائل عینی و اجتماعی نظر داشته اید؟

گمان می کنم رمان من هم از این نظر قابل بررسی باشد. رمان «افسانه شاهزاده در قلعه کج»، شرح احوال یک انسان تا کامل در مواجهه با دنیایی آلوده است؛ کار در سیستمی که مدیریتش، جز نردبان ترقی خویش به چیز دیگری نمی اندیشد و به هیچ کس جز به میل دل خود ارج نمی نهد. اما فریادون؛ قهرمان داستان از معدود کسانی است که تسلیم بی مدیریت ها نمی شود. او نمی تواند بپذیرد که همه باید فقط برای یک نفر کار و زندگی کنند و در عین حال نمی تواند قبول کند که او

وجود ندارد و همین امر موجب رهایی افسانه از الزام معطوف بودن بر امر واحد می شود، آیا شما هم در نوشتن افسانه شاهزاده در قلعه کج به این موضوع توجه داشته اید؟

در جلد اول رمان که اکنون چاپ شده است من بر یک هدف متمرکز بودم. افسانه شاهزاده در قلعه کج دل های پاک، اما خام جوانان را به سنگ و سفال می کوبد تا پخته و آبدیده شوند و مقاومت کردن را بیاموزند. این رمان از فضاهای سانتیمانتال (احساس گرا) که در احساسات گریبی اغراق می کنند فاصله می گیرد و تمام قد ایستادن در برابر سیاهی و ناخق را به جای ترسیدن القا می کند. اما این تمام ماجرا نیست. این افسانه به لحاظ نگارشی برخی از مفاهیمی را به خدمت می گیرد که کمتر کسی به آنها اعتنا می کند همانند «پیر بارزنگی» که شاخص ترین دیو در ادبیات شفاهی گوشه ای از خراسان بزرگ است یا «مازورما» که او هم در زمره پریزادها گنجانده شده است. همچنین ترکیب های کلامی و نام های کهن هم به خدمت گرفته شده اند تا نوشتاری نزدیک به افسانه پدید آمده باشد. ترکیب هایی مثل «لت و کوب زدن»، «بخش کمر» و «نظایر آن» که همگی نظیر «سورند»، «پترگان»، «دیپوک» و «نظایر آن» که همگی نمایندگان تاریخ و جغرافیای این سرزمین اند، همراه با «نان تافتون» و شیرینی هایی مثل «کلمپه» و «رتگینگ» هر یک سهم ویژه خود را در این کتاب دارند.



سجاد صاحبان زند

کودتای ۲۸ مرداد یکی از مهم ترین وقایع تاریخ معاصر ایران است. مطابق اسنادی که چند سال قبل توسط روزنامه های آمریکا منتشر شده است، سازمان سیا و سازمان اطلاعات انگلیس (MI6) در این واقعه نقشی عمده داشته و حتی به گفته ای، گردانندگان این ماجرا بوده اند. انتشار این اسناد، سبب انتشار کتاب های بسیاری در این عرصه شد که در این میان کتاب هایی که توسط غیرایرانی ها نوشته شده، سهم بیشتری دارد. در گفت و گویی که در پی می آید، شهریار خواجهیان، مترجم و پژوهشگر در این مورد به شرح توضیحاتی پرداخته است. وی که در علوم سیاسی کارشناسی ارشد دارد ترجمه کتاب هایی همچون «چه گوارا»، «همه مردان شاه»، «مرید راستین» و «چرا باید امروز مارکس را خواند؟» را در فهرست ترجمه هایش دارد.

کودتای ۲۸ مرداد در گفت و گو با شهریار خواجهیان

# ۱۱ سپتامبر متأثر از کودتای ۲۸ مرداد بود



جعفری یا شعبان بی مخ خیلی در این اسناد آمده، اما حتما افراد دیگری بوده اند که در حیطه عاملان میدانی نقشی مهم تر داشته اند. ممکن است هنوز اینها در قید حیات باشند یا به دلیل حفظ آبروی خانواده شان از بیان نامشان خودداری شده است، چون به هر حال بعد از مطرح شدن نامشان، برای خود و خانواده شان مشکل ایجاد خواهد شد.

کتاب هایی که در این زمینه منتشر می شوند، معمولاً مورد استقبال قرار می گیرند. شما علت این استقبال را چه می دانید؟

مردم ما و به ویژه جوانان و روشنفکران، نوعی علاقه تاریخی به ماجرا دارند. در سال های حکومت پهلوی و به ویژه در چند سال اول بعد از کودتا، از این حرکت به عنوان قیام ملی مردم علیه کمونیست ها یاد شده بود. حتی ممکن است هنوز برخی عنوان کودتا را نپذیرند، اما به هر حال حرکتی در ایران آغاز شده بود که مخالف سلطنت بود و خیلی ها دوست داشتند که ادامه پیدا می کرد.

نوعی آزادی نیم بند مطبوعات هم در آن دوره ایجاد شد که با اختناق شدید بعد از کودتا همراه بود. از طرف دیگر مردم دوست دارند درباره تاریخ معاصر ایران بدانند، چون به هر حال، وقایع تاریخی در ایران به طور مسلسل به هم وابسته اند. مثلاً برخی معتقدند که پیروزی انقلاب اسلامی، بی ارتباط با ۲۸ مرداد و اختناقی که بعد از آن روی داد نیست. به هر حال آن فشارهایی که در طول آن ۲۵ سال جمع شده بود به قیام مردم و سقوط حکومت پهلوی انجامید.

به هر حال ۲۸ مرداد نقطه مهمی در تاریخ معاصر است.

بله، به ویژه آن که دست خارجی ها در کار بود و نمی توان مسئله را کاملاً داخلی دانست و به خاطر مسئله نفت و جنگ سرد، این مسئله ابعاد جهانی یافته بود. طبعاً به همین دلیل توجه مردم به این کتاب ها همواره زیاد بوده است.

فکر نمی کنید که آشکار شدن برخی از اسناد در سال ۲۰۰۰، به داغ شدن این موضوع در ایران کمک کرده باشد؟

قطعاً این مسئله هم تاثیرگذار بوده است، به خصوص کسانی که به مطالب روز آشنایی بیشتری دارند، پس از طرح ماجرا از زبان خود آمریکایی ها بیشتر به آن توجه کرده اند. ولی من حس می کنم که این احساس، یعنی آن که خیلی ها می خواسته اند در مورد این ماجرا بدانند، به شکل نهانی وجود داشته است. حتی خود من زمانی که در مقطع کارشناسی ارشد علوم سیاسی در خارج از کشور تحصیل می کردم، پایان نامه ام را در مورد قضیه ملی شدن صنعت نفت نوشته بودم، البته با توجه به منابع محدود و دانش و زمان اندکی که در آن روزگار داشتم. اما زمانی که در ایران بودم، هیچ اشاره ای به این مسئله نمی شد. این ماجرا همیشه یک علامت سوال بزرگ برای طبقه روشنفکر و تحصیلکرده در ایران بود و همواره مردم می خواسته اند درباره آن بیشتر بدانند.

نیستند به همین دلیل نکاتی که توسط این روزنامه نگاران و روشنفکران مطرح می شود، دست کم در برخی از موارد حامی دولت متبوعشان نیست. نمی توانم بگویم که نویسنده کتاب «همه مردان شاه» صددرصد کتابش را بی طرف نوشته، اما به نظر می رسد که او بی طرفانه به مسئله نگاه کرده و حتی گاهی به این متهم شده که سمت و سوی ایرانی ها را بیشتر مد نظر قرار داده است و به نظر من او در مقایسه با دیگرانی که در مورد کودتای ۲۸ مرداد نوشته اند، بی طرفانه تر عمل کرده است. دست کم به نظر می رسد که بی طرفانه نوشته...

بله، او به دلیل گرایش های روشنفکرانه ای که دارد سعی کرده بی طرف باشد و حتی می توان گفت که گرایش هایش ضد امپریالیستی است، یعنی دخالت کشورش را در کشورهای دیگر نقد می کند. او معتقد است که این عمل آمریکا موجب بسیاری دیگر از مشکلات و مصائب در کشورهایی مثل ایران شده است. او حتی وقوع اتفاقاتی مثل ۱۱ سپتامبر را نتیجه این فعالیت آمریکا می داند.

شما فکر می کنید که کتاب های منتشر شده در مورد ۲۸ مرداد تا چه اندازه کفایت می کند و به طور کلی تا چه اندازه می شود در این عرصه به نگارش کتاب های جدید دست زد؟

تا آنجایی که من اطلاع دارم، هنوز بعد از گذشت بیش از ۵۰ سال، منابعی منتشر نشده در سازمان سیا وجود دارد. در مقاله ای که چندین سال قبل ترجمه کردم، نویسنده مدعی بود که برخی از اسناد به دلیل زنده بودن افراد دخیل در آن منتشر نشده اند. برخی از اسناد نیز به صلاح دیدهای دیگر منتشر نشده اند. بنابراین هنوز جا دارد که کتاب هایی در این عرصه منتشر شود. البته اصل ماجرا تقریباً بیان شده و آن چیزهایی که بیان می شود، کلیت ماجرا را به نمایش می گذارد، اما به هر حال هنوز جزئیاتی هستند که به روشن تر شدن کلیات کمک می کنند. مثلاً اسناد دیگری را می توان در مورد ایرانیانی که در ماجرا شرکت داشته اند، مطرح کرد. اسم شعبان

بود اما بیشتر اسناد در اختیار MI6 و سازمان سیا بود، چون عمل کننده و آن کسی که سرخ دستش بود، سازمان های اطلاعاتی آمریکا و انگلیس بودند. گروه هایی هم در داخل کشور فعالیت می کردند با هماهنگی های این سازمان ها گرد آمده بودند، مثل گروه رشیدی که توسط MI6 سازمان داده شده بود. در یک جمع بندی می توانم بگویم که نوشته شدن کتاب هایی در مورد کودتای ۲۸ مرداد توسط آمریکایی ها و انگلیسی ها به این علت بوده که آنها تمرکز بیشتری بر این ماجرا داشتند و از سویی بخش عمده اسناد نیز در اختیار ایشان بوده است.

شما مترجم یکی از کتاب هایی هستید که در مورد ۲۸ مرداد توسط یک آمریکایی نوشته شده است. به نظر شما این دسته از آثار تا چه اندازه بی طرفانه نوشته شده اند؟

نکته ای که در ایران وجود داشته، وابستگی یا تاثیر روزنامه نگاران از دولت بوده است، هرچند که این نکته امروزه بسیار در ایران کمرنگ شده است اما نمی توانیم این قضیه را در همه کشورها تسری دهیم. در آمریکا، بسیاری از روزنامه نگاران موافق نکات مطرح شده توسط دولت این کشور

**بعد از گذشت بیش از ۵۰ سال، هنوز منابعی منتشر نشده در سازمان سیا وجود دارند. بنابراین جا دارد که کتاب هایی در این زمینه منتشر شوند. هنوز جزئیاتی هستند که به روشن تر شدن کلیات کمک می کنند**

اعم کتاب هایی که در مورد واقعه ۲۸ مرداد در ایران منتشر شده، مبتنی بر ترجمه است. چرا در این مورد ما کمتر کتاب های تالیفی داشته ایم؟ آیا کمبود منابع مستند ما را به سمت ترجمه برده است؟

یکی از دلایل مهم این است که ماجرای ۲۸ مرداد را نمی توان تنها به داخل کشور مرتبط دانست. این کودتا با کمک MI6 و سیا انجام شده و با هدف کسب منافع آمریکا و انگلیس صورت گرفته است، به همین دلیل طبیعی است که بخش مهمی از منابع به زبان انگلیسی باشد. البته حمایت آمریکا و انگلیس از کودتاچیان ۲۸ مرداد به این معنا نبود که همه دولتمردان این کشورها حامی کودتا باشند، بلکه مخالفانی هم در این عرصه وجود داشتند. این مخالفان حتی در سازمان سیا هم حضور داشتند و به همین دلیل برایشان مهم بود که در این باره بنویسند. البته در ابتدا آثار موافقان چاپ شد. به طور مثال «کرمیت روزولت» در سال های ابتدایی پس از کودتا کتابی در این باره نوشت. البته در میان پژوهشگران ایرانی نیز افرادی به این کار پرداخته اند...

اما به هر حال کتاب های ترجمه در این عرصه بیشتر بوده اند...

بله، دلیل مهمی که در این عرصه وجود دارد و شما به آن اشاره کردید، اسناد و مستندات این امر است. همان طور که می دانیم طرح اولیه کودتا مربوط به انگلیسی ها بود که عنوان آن را طرح «چکمه» گذاشته بودند. اما بعد از آن که دکتر مصدق انگلیسی ها را از ایران بیرون کرد، آنها با دادن جنبه های ایدئولوژیک و ضد کمونیستی به کار، آمریکایی ها را نیز وارد ماجرا کردند. آنها دولت آمریکا را از اشاعه کمونیسم در ایران ترسانند و عملاً آمریکایی ها را در صف مقدم قرار دادند و به همین دلیل است که آنها اسناد بیشتری را در اختیار داشته اند.

چون طراح ماجرا بودند؟

بله، در سال ۲۰۰۰ مقداری از اسناد توسط نیویورک تایمز منتشر شد. این اسناد فاش کرد که آمریکا چگونه در جستجوی قدرت بیشتر و جایگزینی خود به جای انگلیس، وارد عرصه سیاسی ایران شده است. کودتای «گواتمالا» که اندکی پس از ماجرای ایران اتفاق افتاد، تاییدی دیگر بر این مسئله است. علاوه بر این و همچنان که شما می دانید، بعد از کودتای ۲۸ مرداد، خفقان شدیدی از سوی حکومت شاه در کشور ایجاد شد و به همین دلیل عملاً کسی نمی توانست به طور واقع بینانه به پژوهشی در این عرصه بپردازد و اقدام به جمع آوری اسناد کند. حتی نمی توانستند در مورد دکتر مصدق صحبت کنند، چه برسد به آن که بخواهند درباره کودتا بنویسند یا حرف بزنند.

رژیم شاه نیز همان اسناد محدود را نابود کرده بود...

بله، البته اسناد اندکی در اختیار حکومت شاه



جستاری درباره ضرورت تحلیل مکتوب شدن تصمیمات مهم رهبران دینی و سیاسی

# نیاز نسل جوان به تاریخ مکتوب دو سده اخیر

ضرورت تحلیل و مکتوب شدن تصمیمات مهم رهبران دینی و سیاسی، یکی از مهم ترین موضوعات در تاریخ نگاری است. یکی از رهبران دینی و سیاسی، میرزای شیرازی از مراجع تقلید ایران و رهبر دینی سیاسی در قرن سیزدهم و چهاردهم هجری قمری است که سال ۱۲۳۰ هجری قمری در شیراز چشم به جهان گشود و از چهار سالگی شروع به تحصیل کرد و در هشت سالگی مقدمات آن را به پایان برد. میرزای شیرازی در ۲۹ سالگی وارد کربلا شد و پس از آن به نجف اشرف عزیمت کرد و در درس شیخ اعظم انصاری، شرکت جست و از شاگردان خاص او شد.

او همزمان با رهبری جامعه اسلامی، شاگردان بسیاری را به جامعه اسلامی تقدیم و کتاب های متعددی را تالیف کرد. میرزای نائینی، سید محمد کاظم یزدی، ملا محمد کاظم خراسانی (معروف به آخوند خراسانی)، میرزا محمد تقی شیرازی معروف به میرزای دوم، شیخ فضل الله نوری، حاج میرزا حسین نوری، میرزا اسماعیل شیرازی، سید علی اکبر فال اثیری و ده ها عالم دیگر از جمله شاگردان این فقیه بزرگوارند. یکی از اتفاقات روزگار میرزای شیرازی، وقوع نهضت تنباکو بود که می توان گفت از تصمیمات مهم این رهبر دینی و سیاسی به حساب می آید که آوازه آن در همه جا پیچید و درباره آن سخنان بسیاری گفته شد.

در مجموعه زندگی نامه های مفاخر و مشاهیر که به کوشش انتشارات قلم نو منتشر می شود، عنوانی به میرزای شیرازی اختصاص داده شده است. نویسنده در این کتاب عظمت و خردورزی میرزای شیرازی را به تصویر می کشد که همگان را به حیرت می اندازد تا جایی که در بین فقیهان بزرگ به «مقل یازدهم» لقب می یابد.

دوران ۲۲ ساله رهبری او در مکتب سامرا، یکی از درخشان ترین دوره های تاریخی مرجعیت شیعه نامیده می شود. وی توانست با هوشمندی و درایت جریان جدید شکوفایی تشیع را در راستای وحدت بین مسلمانان هدایت کند.

این اندیشمند فرزانه معتقد است که واقعیت را آن گونه که هست و بود، بنویس و چیزی بر آن اضافه نکن، زیرا اضافه کردن بر واقعیت، آن را ضایع می کند و از بین می برد.

کتاب دیگری هم دفتر پژوهش های فرهنگی از این اندیشمند فرزانه منتشر کرده است، که «میرزای شیرازی» نام دارد. این کتاب مروری بر زندگی این روحانی دارد و در پنج فصل به بررسی و شرح احوال میرزا حسن شیرازی با بیان زندگی، آثار و مراتب علمی و شرعی او به موضوع امتیاز رژی و قیام تنباکو در دوران ناصرالدین شاه قاجار می پردازد و ضمن برشمردن اثرات این قیام در تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن دوران، نقش روحانیون در یکی از مهم ترین قیام های همگانی عصر قاجار را بررسی و تبیین می کند.

با تحلیل دو عنوان کتاب درباره میرزای شیرازی و بررسی زوایای زندگی این اندیشمند فرزانه، با نویسنده تاریخ معاصر ایران و ناشر کتاب های تاریخی گفت و گو کرده ایم تا درباره ضرورت مکتوب شدن تصمیمات مهم رهبران دینی و



سیاسی، دیدگاه های آنان را جویا شویم. سید علی اصغر شریعت زاده مدیر مسئول انتشارات پازینه، معتقد است یکی از وظایف دستگاه های فرهنگی بقای هویت فرهنگی جامعه است که تاریخ، شخصیت های فرهنگی و تصمیمات سیاسی و دینی را برای مردم جامعه بازگو و مکتوب کند، چرا که تاریخ، عبرت از گذشتگان و پلی از گذشته به سوی آینده است و جوانان می توانند با مطالعه این دسته از کتاب ها با فرهنگ، تمدن، تصمیمات سیاسی و دینی رهبران این سرزمین آشنا شوند.

وی می افزاید: «گاهی وقایع کارساز دو سده اخیر می توانند سرلوحه ارزنده ای برای عبرت اندوزی جوانان محسوب شود. در دو سده اخیر، گذشته از عرصه تاخت و تاز کشورهای خارجی در دوران قاجار و پهلوی، مسائلی باعث شد تا بخشی از خاک ایران زمین به تاراج برود و بدیهی است که شخصیت های تاریخی، فرهنگی، سیاسی، مذهبی و دینی که باعث حفظ تاریخ، فرهنگ و سرزمین ایران شده اند و بارائه تصمیمات مهم خود اقدامات ارزنده ای را پایه گذاری کرده اند، باید در منابع و مراجع مختلف ماندگار شوند و این موضوع جز با مکتوب کردن این تصمیمات مهم در کتاب ها و منابع تاریخی امکان پذیر نیست.»

مدیر مسئول ماهنامه پازینه خاطر نشان می کند: «در مبارزه با بیگانگان می توان از میرزای شیرازی

**شخصیت های تاریخی، فرهنگی، سیاسی، مذهبی و دینی که باعث حفظ تاریخ، فرهنگ و سرزمین ایران شده اند و با ارائه تصمیمات مهم خود اقدامات ارزنده ای پایه گذاری کرده اند، باید در منابع و مراجع مختلف ماندگار شوند**

تلاش آگاهانه دشمنان برای پنهان نگاه داشتن دیدگاه ها و قدرت نمایی در مستعمرات، دلیل دیگر این کوتاهی است. به همین دلیل، باید این کوتاهی ها را جبران و تصمیمات مهم رهبران دینی و سیاسی را مکتوب کنیم.»

رجبی یادآور می شود: «تاریخ نگاری هدفمند شرق شناسان استعماری و نیز دست پرورده های داخلی آنها برای مخدوش نشان دادن اهداف و نتایج تلاش رهبران سیاسی و دینی و تطهیر چهره استعمارگران نیز یکی دیگر از مواردی است که تاریخ پژوهان معاصر باید در نظر داشته باشند تا بتوانند متنی درخور و شایسته برای تاریخ دو سده اخیر ایران گردآوری کنند.

وی در پایان سخنانش خاطر نشان می کند: «برای بازشناسی و بازخوانی تاریخ سیاسی معاصر و پرهیز از تکرار حوادث تلخ گذشته، ثبت و ضبط تصمیم ها و اقدامات رهبران سیاسی به تلاشی ملی نیاز است تا بتوانیم این اقدامات رهبران دینی و سیاسی را برای نسل جوان و نونهالان این مرز و بوم حفظ کنیم.»

قاسم تبریزی، نویسنده و تاریخ پژوه معاصر ایران نیز می گوید: «نخستین خیانتی که برخی مورخان غربگرا انجام دادند این بود که انقلاب مشروطه را به دو بخش مشروطه خواه و مستبدان تقسیم کردند و شیخ فضل الله نوری را جزو مستبدان قرار دادند. دوم این که حقیقت مطلب را برای جامعه بیان نکردند و زوایا و مکاتب شیخ را

نیاورده اند که چرا با غربیان مخالف می کرد و در این مهاجرت ها سخنان بسیار مهمی می گفت.» وی می افزاید: «تغییر الگو نیز در دوره های تاریخی بسیار موثر است، زیرا اگر این الگوها را به مردم اشتباه ارائه دهیم، جامعه را به انحطاط کشانده ایم. انتقال این آفات و پدیده آمدن انقلاب مشروطه برای نسل جوان، تجربه بسیار بزرگی است و آنها باید بدانند که جامعه بهای سنگینی را در این زمینه پرداخته است. مکتوب شدن این حوادث و رویدادها، تحلیل آن و تصمیمات رهبران سیاسی و دینی در کتاب های تاریخی می تواند برای نسل آینده بسیار مفید باشد تا بدانند چه مشکلاتی در کشورشان در دو سده گذشته رخ داده است.»

این تاریخ پژوه معاصر می گوید: «همچنین زندگی نامه های مخالفان اصالت مشروطه از جمله تقی زاده که از چهره های وابسته در دوران رضاخان پهلوی به شمار می آمدند، باید منتشر شود تا درس عبرت برای افرادی باشد که دانسته و ندانسته به کشور ضربه وارد کرده اند.»

انقلاب مشروطه ای که ملا عبدالرسول کاشانی در «رساله انصافی» به آن پرداخته است و کسانی که به نام علمای طرفدار استبداد ترور یا تبعید شدند، رسایل و آثاری از آنها بر جای مانده است که بخشی از آنها چاپ شده اند و بخش دیگر نیز در دست انتشارند.

وی می افزاید: «تاریخ، معلم انسان ها و منتقل کننده تجربه هاست از این رو باید چهره های خائن و وابسته باید تاریخ دو سده اخیر را براساس اسناد مستند به نگارش در آوریم تا نسل آینده از رویدادها و حوادث آن عبرت بگیرند و کشورشان را از دست بیگانگان محفوظ بدارند.»

نام برد که زنگ خطر هجوم بیگانگان را به صدا در آورد. این اندیشمند فرزانه، سلسله جناب نجات تاریخ، فرهنگ و مذهب کشور ایران بود، بنابراین برای شناخت اتفاقات تاریخی و وقایع سیاسی دوره صدساله و مکتوب کردن تصمیمات رهبران سیاسی و دینی بهتر است تاریخ پژوهان معاصر ایران به جمع آوری این اسناد بپردازند تا بتوانند این اسناد تاریخی را برای نسل فردا و فرزندان این مرز و بوم نگهداری و حفاظت کرد.»

دکتر محمد حسن رجبی (دوانی)، نویسنده و پژوهشگر معاصر ایران می گوید: «در دو سده گذشته که در کشورمان کشمکش قدرت های استعمارگر اروپایی رخ داد، نفوذ مداخلات روزافزون آنها از یک سو و بی کفایتی و بی خبری پادشاهان و دولتمردان کشور از سوی دیگر از اهداف و انگیزه های دولت های استعماری، استقلال سیاسی و اقتصادی کشور روز به روز بیشتر در مخاطره قرار گرفت و علما و رهبران سیاسی کشور به صورت جمعی و فردی در مقام معارضه با مداخلات نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی استعمارگران برآمدند.»

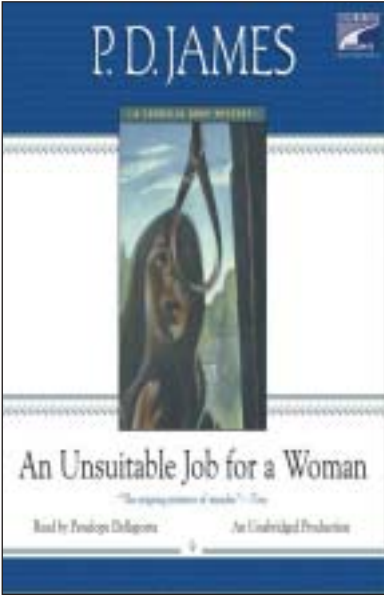
وی می افزاید: «تاریخ سیاسی معاصر ایران شاهد هوشیاری و تلاش فراوان آنها برای حفظ استقلال کشور و دفع خطر دشمنان ایران بوده است که متأسفانه اندکی از آن فداکاری ها به صورت فتاوی جهاد علیه اشغالگران یا تحریم کالاهای فرهنگی و تکفیر دولتمردان خائن ثبت و ضبط و نگهداری شده است.

این تاریخ پژوه معاصر ایران در ادامه سخنانش به دلایل مکتوب نشدن تصمیمات مهم رهبران سیاسی و دینی اشاره می کند و می گوید: «قصور رهبران سیاسی در دوره های مختلف سیاسی باعث نمی شود ثبت و ضبط دقیق این رویدادها مهم صورت نگیرد. همچنین نگاه مقطعی به آنها می تواند دلیل عمده مکتوب نشدن تصمیمات مهم رهبران سیاسی و دینی باشد.»

وی می افزاید: «تکفیر امور سیاسی توسط برخی علما و پرهیز از ضبط و ثبت شدن آنها به دلیل پایمال شدن اجر اخروی آن نیز می تواند دلیلی دیگر بر کوتاهی و مکتوب نشدن تصمیمات رهبران سیاسی و دینی محسوب شود. همچنین

نگاهی به کتاب «زنانه نیست» نوشته پی دی جیمز

# شغلی که اصلا زنانه نیست



## تشابهات آشنا

همان طور که «زنانه نیست» شباهت زیادی به «کلیه شیشه‌ای» نوشته دشیل همت دارد، کتاب «مرگ خادمین کلیسا»ی این نویسنده هم یادآور «نام گل سرخ» کتابی از امبر توکو است. نویسنده این کتاب در بسیاری از آثارش از دیگر نویسندگان الهام گرفته است. این الهام گرفتن در «زنانه نیست» به حدی است که نمی شود تخیل داستان نویسی اش را از این کتاب به آثار دیگرش «انگیزه‌های غیر طبیعی» یا «برج سیاه» بسط داد.

باین حال می توان اظهار کرد که «زنانه نیست» کتابی خواندنی با ماجرابی جذاب است که حرف اصلی اش به خواننده، داشتن امید تا آخرین لحظه زندگی و استقامت و صبر برای رسیدن به هدف است. نسخه اصلی «زنانه نیست» با نام اصلی: An Unsuitable job for a Woman (حرفه‌ای نامناسب برای یک زن)، در سال ۱۹۷۲ میلادی منتشر شده و از نخستین آثار جیمز محسوب می شود. «صورتش را ببوشانید» (۱۹۶۲) نخستین رمان جیمز است و آثاری چون «ذهن جنایت» (۱۹۶۳)، «انگیزه‌های غیر طبیعی» (۱۹۶۷)، «کفنی برای ناتینگل» (۱۹۷۱)، «قتل‌های بزرگراه رادکلیف» (۱۹۷۱)، «مرگ یک شاهد خیره» (۱۹۷۷)، «جمجمه زیر پوست» (۱۹۸۲)، «مزه مرگ» (۱۹۸۶)، «روش‌ها و آرزوها» (۱۹۹۰)، «فرزند انسان» (۱۹۹۲)، «گناه اصلی» (۱۹۹۴) و «یک حکم مقرر» (۱۹۹۷) دیگر آثار این نویسنده را تشکیل می دهند.

آخرین فیلمی که از آثار جیمز اقتباس شده، «فرزند انسان‌یا» «آدمیزاد» با بازی مایکل کین و جولین مور در سال ۲۰۰۶ است. این نویسنده راه، ملکه جنایت معاصر لقب داده اند.

روشن بود و مثل توده‌های اثیری و سیال روی شهر ایستاده بود...»

همین بخش کتاب کافی است تا قلم قوی جیمز در فضا سازی را نشان دهد. برای بعضی از خوانندگان، یک داستان پلیسی، مجموعه‌ای از قتل، معما، ماجرا و حادثه است که نیازی به پرداخت‌های ادبی ندارد، اما خوانندگان جدی این نوع ادبیات، از ادبی بودن آن لذت می برند و جذابیت برای آنها مجموعه‌ای از عناصر داستانی و نوشتارهای ادبی است که با هیچ‌ان و معما آمیخته شده باشد. نکته جالب اینجاست که آگاتا کریستی در سال‌های پایانی عمرش کتاب «به سوی سفر» را نوشت که یک کتاب تمام عیار ادبی و غیر پلیسی است و پی دی جیمز نیز در دوران کهولت خود «آدمیزاد» را نوشته است که رمانی تخیلی و غیر پلیسی به شمار می رود؛ زمانی منبعث از درونمایه‌های فلسفی خلقت بشر که توجه منتقدان ادبی را به خود جلب کرد. این نکات نشان می دهد که نویسندگان ادبیات پلیسی نیز توانایی نوشتن داستان‌های غیر پلیسی را دارند و در اصل، رمان پلیسی گونه‌ای از ادبیات است که گاهی جدی گرفته نمی شود.

## «دایره هفتم» و کتاب‌های معمایی

نخستین کتاب از سری پلیسی دایره هفتم نشر نیلوفر «مسافری که با ستاره شمال آمد» نوشته ژرژ سیمون است که با ترجمه کاوه میرعباسی منتشر شد. نام اصلی این کتاب «پیتر لتونیایی» و قبل از آن، به صورت پاورقی با نام «لتونیایی مرموز» در روزنامه ایران به چاپ رسیده بود. «دیو باید بمیرد» نیکلاس بلیک، «همچون فرشتگان» اثر مارگرت میلار و «قتل در کمیته مرکزی» نوشته مانوئل بائکث مونتالبان کتاب‌های بعدی این سری اند. قرار بود هر دو ماه یک بار یک کتاب از این مجموعه چاپ شود اما اکنون به جای ۱۲ کتاب در طی دو سال گذشته، فقط پنج کتاب منتشر شده است.

«زنانه نیست» با نام اصلی «شغل نامناسبی برای یک زن» جدیدترین اثر این مجموعه است. عنوان اصلی این کتاب را می توان «حرفه‌ای نامناسب برای یک زن» هم ترجمه کرد.

## جذابیت‌های پنهان

«زنانه نیست» شباهت‌های زیادی به رمان «کلیه شیشه‌ای» اثر دشیل همت دارد و نکته‌های فراوانی در این دو اثر یکسانند. اما آنچه آن را «مشابه‌تر» می کند، آرایه‌های ادبی و قلم توانای جیمز در توصیف فضا و به ویژه حالت روانی شخصیت هاست؛ نکته‌ای که ویژگی دشیل همت است. در صفحه ۷۳ کتاب می خوانیم: «شهر ناامیدش نکرد. او در جهانگردی هایش مکان‌های زیباتری نیز دیده بود، مادر هیچ یک به این اندازه احساس آرامش نمی کرد. با خود فکر کرد، آدم چگونه می تواند به چنین شهری از سنگ و شن، از آب و چمن سبز، درختان و گل‌ها که با زیبایی نظم گرفته‌اند و همه در خدمت آموزش تحصیلند، علاقه نداشته باشد؟ اما لحظه‌ای که بلند شد تا برود و خرده‌های نان را از دامش پاک کرد، جمله‌ای ناگهان و بی دلیل به ذهنش هجوم آورد. چنان واضح آن را شنید که گویی از زبان انسانی ادا شده است. صدای مردی جوان که به شکلی رازآلود آشنا بود: و آن گاه دیدم که از دروازه‌های بهشت نیز راهی به جهنم هست.»

مشهود است که نویسنده در همین یک پاراگراف علاوه بر تشریح غیرمستقیم شهر از منظر کوردلیا، حالات روانی و ارزش‌های درونی وی را نیز برای خواننده شرح می دهد. در پایان نیز جمله‌ای از قربانی ماجرا را در ذهن کوردلیا تکرار می کند تا ضمن بیان این که این شخص در لحظات استراحت نیز به دنبال حل معمایی پرونده است، جنبه‌هایی از دغدغه او را نیز نشان دهد. این پرداخت‌های غیرمستقیم است که یک داستان کلیشه‌ای را به قصه‌ای جذاب و خواندنی تبدیل می کند که از قضا مطول بودن معمول قصه‌های دیگر این نویسنده را ندارد و شاید همین موضوع است که آن را بین آثار دیگر جیمز موفق‌تر و مشهورتر کرده است.

## فضا سازی قوی

«در سکوت، قدم زنان در دل شب گرم پیش می رفتند در حالی که صدای آب در جویهای خیابان ترامپینگن می پیچید. چراغ‌ها در آستانه درها و در اتاقک‌های دربانان دانشگاه، در باغ‌های دور دست و خیابان‌ها

یک زن به دنبال کشف حقیقت جنایتی هولناک می رود اما حالا قاتل‌ها به دنبال خودش اند. او یک کارآگاه است؛ حرفه‌ای که اصلا برای زنان مناسب نیست. کارآگاه کوردلیا در کتاب «زنانه نیست»؛ اثر نویسنده‌ای که «ملکه جنایت» لقب گرفته است.

«زنانه نیست» کتابی از پی دی جیمز، بانوی نویسنده انگلیسی است که به تازگی توسط نشر نیلوفر و با ترجمه امیر احمدی آریان به چاپ رسیده است. این کتاب پنجمین اثر از سری رمان‌های معمایی «دایره هفتم» است و از داستان‌های مطرح نویسنده خود به شمار می رود. پی دی جیمز را در انگلستان پس از آگاتا کریستی، «ملکه جنایت» ادبیات می نامند. وی اگرچه دنباله‌رو نویسندگان عصر طلایی رمان پلیسی و سنت‌های کلاسیک آن است، اما شخصیت‌هایی امروزی در فضاهایی ملموس دارد و همین موضوع خواننده را با داستانش همراه می کند.

## مجملی از یک حدیث مفصل

داستان درباره «کوردلیا» است. یک زن. یک زن کارآگاه. زنی که با مرگ شریکش درگیر پرونده مرگ پسر «سرروالد» می شود.

خودکشی مشکوکی که رفته رفته جای خود را به قتل می دهد و هر چه کوردلیا پیش می رود، چهره وحشتناک حقیقت این ماجرا بیشتر نمایان می شود. طرح کلی داستان کلیشه‌ای است و بارها به کار گرفته شده است؛ یک مرگ اتفاق می افتد، کارآگاهی به دنبال یافتن حقیقت می رود، با شخصیت‌های مرتبط آشنا شده و مرگ تبدیل به قتل می شود. در آستانه یافتن هویت قاتل به جان کارآگاه سوء قصد می شود، اما کارآگاه، جان سالم به در می برد. هویت قاتل فاش می شود و قصه به آخر می رسد. می بینیم که از این طرح به وفور استفاده شده و نظایر آن را می توان در داستان‌های همت، چندلر، مک دونالد، چیس، هامیلتون، سایرز، آلتینگهام و بسیاری دیگر یافت. با این حال این کتاب نسبت به کتاب‌های نظیر خود جذابیت‌هایی دارد که آن را در نظر خواننده متفاوت می کند.

## داستان معمایی و خواننده ایرانی

# جذابیت لازم برای یک متن خواندنی

### دنیا عزیزان

محتوای داستان‌های پلیسی، ایجاد نظم اجتماعی با تکیه بر قانون برای رسیدن به عدالت است و در این میان، فضای داستان نویسی غرب به گونه‌ای است که این موضوع در آن پذیرفته شده و نویسنده با طیب خاطر به خلق شخصیت‌های مورد نظرش می پردازد. برای مثال، در داستان‌های آگاتا کریستی، قاتل حتی می تواند یک پلیس باشد که خود حافظ نظم اجتماعی است حتی در گونه نوآور، این موضوع تشدید پیدا می کند و عمده شخصیت‌های پلیس همت و چندلر (دو نویسنده دیگر معمایی نویس) غیر از شخصیت فسادناپذیر اصلی، فاسدند.

نویسندگان دیگری چون آرتور کانان دوویل، دوروی سایرز، لژلی، شارتریس، جان دیکن کار، ارل استانیلی گاردنر و ادگار آلن پو نیز اگر برخی از افسران پلیس را فاسد و جانی نشان ندهند حداقل دست و پا چلفتی و کودن‌متصور می کنند. در این میان معدود نویسندگان چون آدمک‌بین، هنینگ منکل و بن هجت که شخصیت اصلی شان پلیسی کامل باشد و خواننده خود را بتوانند

با این حال به نظر می رسد ادبیات پلیسی در ایران هم مخاطبان خاص خود را دارد و دلیل آن ادعای عمده ناشرانی است که در این زمینه کتاب منتشر کرده‌اند و هیچ‌گاه در فروش آن دچار مشکل نشده‌اند.

در میان این ناشران، اسامی ناشران ادبی با سابقه‌ای چون مروارید، چشمه، نیلوفر، طرح نو و امیرکبیر در کنار ناشران پرکار دیگری چون ماهی، هزار انسان و افراز به چشم می خورد.

## نویسندگان مفقود

در ایران، معدودند نویسندگانی که در این زمینه قلم زده‌اند و از آن میان می توان به قاسم هاشم نژاد و اسماعیل فصیح اشاره کرد.

نویسندگان دیگری هم مانند محمود حسینی زاد و مجید قیصری هستند که در این زمینه داستان‌هایی را - هر چند انگشت شمار - نوشته‌اند. به نظر می رسد عدم توجه نویسندگان ایرانی به این گونه پرطرفدار جهانی و نوع ساختار اجتماعی کشور از آغاز تاکنون است که دغدغه نوشتن این نوع داستان را ایجاد نمی کند.

شاید برای شما هم پیش آمده باشد که بخشی از وقت خود را برای حل معما و جدول گذاشته باشید تا تمدد اعصابی کنید یا به ذهن خود آرایش دهید. داستان‌های معمایی نیز کارکردی اینچنینی دارند و اگر از ادبیات خوبی بهره برده باشند علاوه بر این کارکرد، حظ خواندن نیز از آنها حاصل می شود.

«زنانه نیست» کتابی است که در زمره این آثار قرار می گیرد و وجوه ادبی آن حتی به موارد معمایی آن می چربد. نشر این کتاب در روزهای اخیر بهانه‌ای شد تا به بررسی جایگاه ادبیات معمایی در ایران و مخاطب ایرانی آن بپردازیم.

## خوانندگان حقیقت دوست

برخی، خوانندگان رمان‌های معمایی را انسان‌هایی خیالاتی و توهم دوست می دانند در حالی که خلاف این نظر هم وجود دارد؛ خوانندگان این آثار انسان‌هایی حقیقت طلبند که این موضوع را در دل کتاب‌ها می جویند. با وجود این که قریب به ۷۰ درصد پرفروش‌های دنیا را داستان‌هایی تشکیل می دهند که وجوه معمایی دارند و در رده آثار پلیسی، معمایی یا حادثه‌ای قرار می گیرند، اما این موضوع تقریباً در کشور ما هنوز تبیین نشده و گاهی به نویسنده، مترجم و خواننده چنین رمان‌هایی همان نگاهی می شود که به مخاطبان نمایش‌های پیش پا افتاده، نشریات عامه پسند و سریال‌های ضعیف تلویزیونی.

حفظ کنند. در ایران، حرمت حرفه‌های گوناگون شاید باعث شده که نویسندگان دست به این گونه ابتکارها نزنند. همین‌ها، دلایل بارزی است که در کشورمان پیش و پس از انقلاب ادبیات پلیسی نداشته‌ایم.

## داستان‌هایی که ایرانی نیست

همه می دانند که داستان پلیسی ایرانی باید بسیار متفاوت از داستان‌هایی نظیر غربی خود باشد و در این زمینه تلاش‌هایی شد که متأسفانه ناکام ماند. مثلاً دو یا سه سال پیش محسن سلیمانی دو کتاب را برای انتشار آماده می کرد که اگر به چاپ می رسید شاید نخستین پایه‌های بنای نگارش ادبیات پلیسی در ایران گذشته می شد. اولی ترجمه‌ای بود از یک کتاب آمریکایی درباره چگونه‌نگی نوشتن رمان پلیسی و دیگری تالیف اطلاعات جامعی از ساختارهای پلیسی در ایران، درجات افسران، نوع سلاح، مراکز و چگونه‌نگی تحقیقات اما متأسفانه هیچ ناشری هنوز انتشار این دو کتاب را قبول نکرده است! صحبت‌های اولیه هم با یک موسسه انتشاراتی به سرنوشتی بی فرجام دچار شد.

اگر این کتاب‌ها به چاپ رسیده بودند، نویسندگان ما می توانستند اولین پایه‌های نگارش رمان پلیسی ایرانی را پی ریزی کنند و به دور از تقلیدهای صرفی که در سریال‌های سرخ و کارآگاه علوی شاهد آن بودیم، شخصیت‌های باورپذیر و ماجراهای ملموس ایرانی خلق کنند تا مخاطب خاص خودش را داشته باشد.





گزارشی از بخش نسخ خطی کتابخانه ملی ایران

# گنجینه‌ای گرانبها در قلب کتابخانه ملی



## خرید نسخ خطی

در بخش گروه فراهم آوری کتابخانه ملی ایران، فعالیت‌های زیادی انجام می‌گیرد و نسخه‌های خطی با قیمتی حدود ده درصد بالاتر از قیمت بازار، خریداری می‌شوند. اکثر افراد بعد از تلاش برای خرید و فروش این نسخه‌ها به کتابخانه ملی مراجعه می‌کنند و طبق اسناد، حدود ۹۰ درصد عرضه کنندگان قیمت کارشناسی کتابخانه ملی را تایید می‌کنند. سازماندهی، یکی دیگر از بخش‌های نسخ خطی کتابخانه ملی است که برای سازماندهی کتاب‌های خطی و نادر به منظور ایجاد هماهنگی و تبادل تجربیات و اطلاعات در زمینه‌های مختلف فعالیت می‌کند. همچنین، مجموعه کتاب‌های چاپ سنگی این بخش نیز به دلیل انحصار، قدمت و نفاست علمی و هنری، در شرایط مناسب از مخازن کتاب‌های چاپی جدا شده و در مخزن مستقلی قرار دارد. قسمت مهم دیگر بخش نسخه‌های خطی، مرقعات، اسناد خطی و تابلوهاست که این مجموعه شامل مرقعات و قطعات خوشنویسی هنرمندان و استادان برجسته مانند عمادالکتاب، تابلوهای نقاشی و مینیاتور حسین بهزاد است.

خریداری شدند که مجموعه‌ای از اصفهان بود و در چند سال اخیر حدود چند صد نسخه برای تجهیز آن خریداری شده‌اند. با توجه به این که عده‌ای از افراد نسخه‌های خطی را جزو اموال شخصی خود محسوب می‌کنند و علاقه مند به نگهداری آنها نیستند، کتابخانه ملی ایران بر حفظ و حراست از این آثار نظارت می‌کند و به صورت شفاف و منظم این آثار را در معرض نمایش قرار می‌دهد.

در سال‌های اخیر و با به کارگیری تمامی امکانات در زمینه گردآوری نسخه‌های خطی با ارزش، از سال ۸۴ حدود ۷۶۱۳ جلد کتاب خطی و ۱۰۵۵۹ جلد کتاب چاپ سنگی و تعداد ۱۴۲۳ قطعه مرقع و ۱۳۱۷ برگ سند خریداری شده‌اند. اکنون به صورت کلی، تعداد ۲۶۰۰۰ جلد کتاب خطی و ۲۸۰۰۰ جلد کتاب چاپ سنگی و یک میلیون و ۱۰۱ هزار برگ اسناد خطی و مرقعات در مخزن کتابخانه ملی گردآوری می‌شود.

صادق زاده، رئیس گروه فراهم آوری کتابخانه ملی ایران، درباره وضعیت کنونی نسخه‌های اهدایی به کتابخانه ملی می‌گوید: «نسخه‌های اهدایی نیز مانند نسخ خریداری شده، کارشناسی و برای آنها پرونده جداگانه تشکیل داده می‌شود. در سال گذشته، از اهداگران نسخ خطی تجلیل به عمل آمد و از برخی از افرادی که در این زمینه گمنام بودند، تقدیر شد. البته یکی از مشکلاتی که از بدو تاسیس کتابخانه ملی ایران موجود بوده، همین مساله عدم ثبت نام افراد است که خوشبختانه از امسال به صورت منظم در بانک اطلاعاتی اهداگران نسخ خطی ثبت می‌شود و این امر گسترش خواهد یافت.» امسال نیز حدود ۱۴ نسخه خطی به این بخش اهدا شده که شامل سه نسخه خطی قرآن و ادعیه و نسخ چاپ سنگی است.

ملی ایران در سال ۱۳۱۶، منابع اولیه این بخش با ۲۱۱۶ جلد نسخه خطی انتقالی از کتابخانه عمومی معارف، سلطنتی سابق و کتاب‌های اهدایی شکل گرفت. همچنین در سال ۱۳۳۶ تعداد ۴۱۵۷ نسخه خطی و ۷۵ نسخه عکسی و در سال ۱۳۵۶ تعداد ۵۳۰۰ جلد نسخه اصلی و عکسی در مخزن کتابخانه ملی گردآوری شدند.

علی صادق زاده، رئیس گروه فراهم آوری نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ایران نیز می‌گوید: «بخشی به نام مجموعه‌سازی در حوزه کتابداری وجود دارد که معادل فراهم آوری نسخ خطی است، با این تفاوت که در بخش مجموعه‌سازی، منابع موجود سفارش داده می‌شوند ولی در بخش فراهم آوری این امکان وجود ندارد. همچنین در بخش مجموعه‌سازی قیمت‌ها مشخص‌اند ولی در بخش نسخه‌های خطی این طور نیستند. همچنین در بخش نسخه‌های خطی، کمیته‌ای از استادان داخل و خارج از کشور تشکیل شده تا وضعیت بازارهای جهانی را بررسی کنند.»

## اهمیت فراهم آوری نسخه‌های خطی

رئیس گروه فراهم آوری کتابخانه ملی ایران درباره اهمیت فراهم آوری نسخ خطی می‌گوید: «اکنون فراهم آوری نسخه‌های خطی با ارزش، به عنوان منابع اصلی و معتبر فرهنگ ایرانی و اسلامی از اهمیت زیادی برخوردار است. فراهم آوری، حاوی بخش‌های خرید مجموعه‌ها و نسخه‌های خطی با نظر کارشناسان است؛ بخش اهدا که مردم یا سازمان‌ها آثاری را به کتابخانه ملی اهدا می‌کنند و بخش صندوق امانات، که علاقه‌مندان طی توافق‌نامه‌ای کتاب‌های خود را در آنجا به امانت می‌گذارند.» نخستین نسخه‌های بخش فراهم آوری در سال ۱۳۸۶

نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ایران، بخش عظیمی از ذخایر گرانبهای فرهنگی این مرز و بوم‌اند که حاوی آثار و معارف بزرگان ما در موضوعات مختلف نظیر طب، ریاضی، فلسفه و عرفان، فقه و اصول، ادبیات، تاریخ، نجوم و هنر به زبان فارسی و عربی محسوب می‌شوند.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، بخش کتاب‌های خطی و نادر سازمان اسناد و کتابخانه ملی با دارا بودن هزاران نسخه خطی نفیس، از قرن دوم تا چهاردهم هجری، آثاری بی نظیر از علم و تمدن و فرهنگ درخشان ایران اسلامی را در خود جای داده است. کیفیت و کمیت کتاب‌های خطی موجود به عنوان حاصل عمر و تلاش دانشمندان و علمای بزرگ ایرانی، نشان‌دهنده درخشش ایران در اغلب رشته‌های مختلف علمی و عملی‌اند.

سعیده اکبری، رئیس گروه اطلاع‌رسانی اداره کتاب‌های خطی و کمیاب، در این باره می‌گوید: «بخش نسخه خطی کتابخانه ملی ایران حاوی قسمت‌های مختلف فراهم آوری، سازماندهی، اطلاع‌رسانی، مرقعات و تابلوهاست که هر یک از آنها وظیفه خاصی را بر عهده دارند.»

سابقه کتاب‌های خطی و نادر کتابخانه ملی ایران به کتابخانه مدرسه دارالفنون بازمی‌گردد. کتابخانه مدرسه دارالفنون در دوره میرزاتقی خان امیرکبیر افتتاح شد. سپس با وجود این کتابخانه، کتابخانه دیگری به نام کتابخانه ملت در همان محل تاسیس شد که بعد از مدتی این دو کتابخانه با هم ادغام شدند و به عنوان کتابخانه معارف و سپس کتابخانه عمومی معارف نام گرفتند.

بر اساس آمار ارائه شده توسط فتح‌الله کشاورز، رئیس گروه بخش خطی کتابخانه ملی ایران، این بخش در سال ۱۳۱۵ دارای ۳۰۰ نسخه خطی بود که با تاسیس کتابخانه



خانه کتاب

## فراخوان

### بیست و هفتمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران

بیست و هفتمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در بهمن ماه ۱۳۸۸ برگزار می‌شود. بر این اساس دبیرخانه «کتاب سال» از کلیه پدیدآورندگان، مترجمان، مصححان و نشران دعوت می‌کند، آثار خود را برای شرکت در مسابقه کتاب سال ۱۳۸۸ تا شهریور ۱۳۸۸ به نشانی دبیرخانه ارسال کنند.

**اهداف کتاب سال:**

« ارتقای فرهنگ جامعه اسلامی، حفظ استقلال و هویت فرهنگی  
« حمایت و تشویق مؤلفان، مترجمان و مصححان و نشران متعهد کشور

**شرایط شرکت در کتاب سال:**

« آثار ارسالی برای اولین بار در سال ۱۳۸۷ منتشر شده باشند.  
« کتاب‌های درسی و کمک‌درسی نباشند.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، بین خیابان صبا و فلسطین جنوبی، شماره ۱۰۸۰، طبقه ۲-  
دبیرخانه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران  
تلفن: ۶۶۹۶۶۲۱۸ : دورنگار : ۶۶۹۶۶۲۱۸  
www.ketabul.ir



باسمه تعالی



## ششمین دوره جشنواره نقد کتاب همزمان با هفدهمین دوره هفته کتاب

مؤسسه خانه کتاب به منظور ارتقای سطح کمی و کیفی نقد جشنواره نقد کتاب را همزمان با هفدهمین دوره هفته کتاب در سال جاری برگزار می‌کند. لذا از تمامی منتقدان و مدیران مسئول مطبوعات و نشریات دعوت می‌کند مقالاتی را که در حوزه نقد کتاب در سال ۱۳۸۷ منتشر کرده‌اند، حداکثر تا پایان مرداد ماه ۱۳۸۸ به دبیرخانه جشنواره ارسال کنند.

تلفن تماس: ۶۶۴۱۵۲۵۵      تلفکس: ۶۶۹۶۶۲۱۸

[www.naghdeketab.ir](http://www.naghdeketab.ir)

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین فلسطین و برادران مظفر جنوبی، شماره ۱۰۸۰، طبقه ۲-



آزاده سیدین

ترافیک، آلودگی هوا، آلودگی صوتی و شلوغی به عنوان مشخصه شهرهای بزرگ، ساکنان این مناطق را با مشکل مواجه کرده است. پرداختن به این مشکلات در کلانشهرها به دلیل جمعیت روبه رشدشان امری ضروری و اجتناب ناپذیر است که فقط از عهده صاحب نظران رشته شهرسازی برمی آید. صاحب نظران معتقدند که معضلات شهرنشینی اگرچه مختص همه شهرهای بزرگ است، اما اغلب شهرهای کشورهای موسوم به جهان سوم، به دلیل فقر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیاز به توجهی ویژه دارند. کتاب «نگرشی نو بر شهرسازی و شهرنشینی در جهان سوم» حاصل پروژه‌ای تحقیقاتی در دانشگاه مینوزتا است که بخش‌هایی از نوع شهرنشینی در برخی ایالت‌های هند را به عنوان یکی از جوامع جهان سوم بررسی می‌کند. آشنایی با محتوای این کتاب الگویی به کشورهای مشابه خواهد داد که چگونه با معضلات شهرنشینی در کلانشهرها برخورد کنند. برای آشنایی بیشتر، محتوای این کتاب، با علی ذوقی، دانشجوی مقطع فوق لیسانس برنامه‌ریزی شهری گفت‌وگو کرده‌ایم.

گفت و گو با مؤلف و مترجم کتاب «نگرشی نو بر شهرسازی و شهرنشینی در جهان سوم»

# تغییر دیدگاه‌ها درباره شهرنشینی مناطق فقیر

پاساژهای لوکس، افرادی ثروتمند خرید می‌کنند که ورود آنها به مناطق فقیر باعث گران شدن زمین‌های این مناطق خواهد شد. افراد فقیر هم زمین‌های گران خود را فروخته و واژه نشین می‌شوند در حالی که بهتر است به جای ساختن پاساژ، افراد حاشیه‌نشین را به دستفروشی صنایع دستی مثل حصیر و قالی تشویق کنیم تا آنها درآمدزایی داشته باشند و به مناطق دیگر کوچ نکنند.

**در کتاب واژه‌هایی مطابق با تاریخ و فرهنگ کشور هند وجود دارد. آیا وجود چنین واژه‌هایی، درک مفهوم کتاب را برای مخاطبان ایرانی مشکل نمی‌کند؟**



حاشیه‌نشینان ارائه داده است؟

در این کتاب مشارکت مردم در حل مشکلات بافت شهری بسیار مهم ارزیابی شده و از آن به عنوان بهترین راه حل معضل شهرنشینی به خصوص در بافت‌های فقیر و حاشیه‌ای یاد می‌کند. در ایران هم ما به چنین راهکارهایی در بعضی مناطق حاشیه‌ای اندیشیده‌ایم که به عنوان مثال می‌توان به اسلامشهر یا زور آباد کرج به عنوان حاشیه کلانشهر تهران اشاره کرد. در این مناطق برای زمین‌هایی که به زور غصب شده بود با دریافت مقدار اندکی پول، سند ارائه شد. نتیجه این عملکرد بسیار مثبت بود چرا که وقتی مردم خود را صاحب زمین‌های ساکن در آن بدانند برای آبادانی آنجا تلاش می‌کنند و در طولانی مدت شاهد خواهیم بود بدون آنکه دولت اقدام جدی‌ای کرده باشد، وضعیت خانه‌ها و معبرهای این مناطق توسط خود مردم بهسازی می‌شود. اما مطابق با متن کتاب اگر ما به جای چنین راهکارهایی به احداث پاساژ در بافت‌های حاشیه‌ای بپردازیم، نتیجه معکوس خواهد داد. معمولاً از

مطابق با آنچه در کتاب آمده، شهرنشینی در مناطق فقیرنشین هند مورد بررسی قرار گرفته است. آیا دیدگاه شهرسازان به مشکلات شهرنشینی در این بافت با بقیه مناطق شهری متفاوت است؟

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات موجود در هند، فقر است که در شهرهای آن به وفور دیده می‌شود. شهرسازان نیز با توجه ویژه به این مقوله سعی کرده‌اند به راهکارهایی در این باره دسترسی یابند. آنچنان که در این کتاب می‌خوانیم، آنها فقر در هند را به عنوان نقطه ضعفی می‌دانند که می‌تواند به قوتی در شهرنشینی تبدیل شود. آنها معتقدند مردم در بافت‌های فقیر پیوند‌های اجتماعی قوی‌ای با هم دارند که از همین نوع پیوند می‌توان استفاده‌های مفیدی کرد. آنها مشکلاتشان را بیشتر می‌شناسند و بهتر می‌دانند چه راهکارهایی برای حل آنها مناسب‌تر خواهد بود. همچنین به دلیل پیوندهای عمیق میان خودشان نسبت به سرنوشت یکدیگر بسیار حساس هستند. مثلاً شاید در میان این افراد کسانی باشند که مواد مخدر بفروشند، اما کمتر کسی از آن استفاده می‌کند. یا ما فکر می‌کنیم این جمعیت جرم خیز است، در حالی که اصلاً اینچنین نیست. افرادی که مجرم هستند فقط می‌توانند در میان مردم فقیر زندگی کنند و تنها آنها پذیرای آن قشر از افراد جامعه هستند و خیلی موارد دیگر که دیدگاه ما را نسبت به شهرنشینی در مناطق فقیر تغییر خواهد داد.

**آیا مطابق با متن کتاب، افراد فقیر در مناطق خاصی از شهر زندگی می‌کنند؟**

مردم فقیر در دو بافت حاشیه‌ای و فرسوده شهرها مشاهده می‌شوند که ساکنان آنها با هم متفاوت هستند. معمولاً در بافت‌های فرسوده افراد مسنی زندگی می‌کنند که از قدیم در آنجا ساکن بوده‌اند و توان مالی جابه‌جایی به مناطق شهری بهتر را ندارند. در حاشیه‌ها نیز افراد جوان با فرزندان زیاد ساکن هستند که در این کتاب به این بافت جمعیت توجه شده است. چون این بافت از افراد جوانی تشکیل شده که ظرفیت بالایی برای بهبود زندگی شهرنشینی در کلانشهرها دارند.

**این کتاب چه راهکارهایی برای بهبود زندگی**

چرا کتابی درباره معضلات شهرنشینی در هند را ترجمه کرده‌اید؟

هند به دلیل وضعیت اجتماعی و اقتصادی خود، دارای معضلات شهرنشینی فراوانی است. در آنجا بافت‌های فقیرنشین زیادی مشاهده می‌شوند که نیاز به زندگی شهری بهتری دارند. این کتاب با توجه به وضعیت موجود در برخی از شهرهای هند مثل بمبئی، به راهکارهایی اشاره کرده که می‌توان بافت فقیر در هند را به یک بافت زنده تبدیل کرد و به آن زندگی شهری سالم بخشید. این کتاب به جای ارائه طرح‌های کلان که شاید انجام آنها سال‌ها به طول بینجامد، راه‌حل‌های ساده‌تری ارائه داده است؛ یعنی مشکلات هر منطقه با راه‌حل‌های متناسب وضعیت اجتماعی و اقتصادی آن منطقه حل می‌شوند. به عنوان مثال در کتاب آمده که بهتر است هر فرد فقیر، دستفروشی کند و با شیرهای آبی که در هر محله از طرف دولت نصب می‌شوند، استحمام کند. با ارائه چنین راه‌حلی‌هایی معضل اقتصادی و بهداشتی هر فرد در منطقه فقیرنشین حل خواهد شد. ما این کتاب را ترجمه کردیم اگر از راهکارهای اساسی آن الگو برداریم می‌توانیم به ایده‌های مناسب شهرنشینی در کلانشهرهایمان دسترسی یابیم.

**با توجه به راهکارهای ارائه شده در کتاب، اصول شهرنشینی در ایران می‌تواند پاسخگوی معضلات کلانشهرها باشد؟**

بافت فقیر کشور ما آنچنان نیست که خود را شبیه هند بدانیم، اما شهرسازی ما براساس نظریه‌ای مطابق با اصول شهرسازی سال ۱۹۶۰ میلادی اروپاست که امروز منسوخ شده است. مطابق با این اصول است که کارشناسان ما می‌گویند حتماً این منطقه مسکونی شود و منطقه‌ای دیگر کاربری تجاری یا آموزشی داشته باشد. پس از اجرای ۱۵ الی ۲۵ درصد چنین طرح‌های خشکی می‌بینیم که این تئوری‌ها اساساً نمی‌توانند عملی شوند و طرح با شکست مواجه می‌شوند. یعنی برخورد ما با مشکلات موجود در کلانشهرهایمان بدون توجه به وضعیت موجود و براساس آرمان شهر ذهنی است که در پایان مشکلی را حل نخواهد کرد.

درستی از کتاب اصلی رانمی‌رسانند. به عقیده من، مترجم یک رشته دانشگاهی مثل شهرسازی، اول باید به زبان انگلیسی کاملاً مسلط باشد، سپس ادبیات فارسی را خوب بداند و در پایان تحصیل کرده رشته شهرسازی باشد. حاصل این مهارت‌ها سبب می‌شود کتاب ترجمه شده کاملاً قابل فهم مخاطبان باشد. ما کتاب‌هایی در حوزه مهندسی شهرسازی داشته‌ایم که پس از ترجمه، مفاهیمی به صورت پاورقی به کتاب اضافه شده است که درک مطالب آن را بسیار راحت‌تر کرده است. یکی دیگر از مهارت‌های لازم در امر ترجمه کتاب‌های شهرسازی، واژه‌گزینی برای کلمه‌های تخصصی است که با فرهنگ زادگاه مؤلف آن کتاب همخوانی دارند. مترجم باید بتواند این واژه‌ها را متناسب با فرهنگ کشور خودش واژه‌گزینی کند یا به صورت پاورقی آنها را توضیح دهد. کمتر کتاب‌های ترجمه شده‌ای را می‌بینیم که از این اصول پیروی کنند. گاهی متن ترجمه شده این کتاب‌ها آنچنان نامفهوم و گنگ است که مطالعه محتوای انگلیسی‌شان مناسب‌تر است. این کتاب‌ها که یک بار ترجمه شده‌اند اگر چه کیفیت نامناسبی دارند اما احتمال ترجمه مجدد آنها بسیار کم است و شاید سختگیری ناشران و نظارت کارشناسان پاسخگوی مشکل کمبود کیفی و کمی کتاب‌های تحقیقی به ویژه حوزه مهندسی شهرسازی باشد.

در حوزه مهندسی شهرسازی کتاب‌های زیادی تالیف و ترجمه می‌شوند که به نظر می‌رسد تعداد کتاب‌های ترجمه شده از تالیف‌ها بیشترند. علت این امر را باید در دشواری تالیف کتب علمی جست‌وجو کرد. معمولاً تالیف کتاب علمی امری وقتگیر و انرژی‌بر است که گاهی توجه نکردن مولفان به این دو مقوله سبب شده است کتاب‌هایی با کیفیت نازل منتشر شوند. مثلاً شاهد بوده‌ایم تعدادی از کتاب‌های تخصصی مختلف با عجله و شتاب در یک مجموعه جمع‌آوری شده و آن مجموعه به اسم یک کتاب تالیفی در بازار عرضه شده است. در حالی که تالیف یک کتاب علمی حاصل سال‌ها مطالعه کتاب‌های مختلف و داشتن ایده‌ها و طرح‌های جدید در یک رشته تخصصی است. در کنار کتاب‌های تالیفی، کتاب‌های ترجمه شده به زبان فارسی قرار دارند که در میان دانشجویان مقاطع پایین دانشگاهی بسیار مخاطب دارند. از طرفی ترجمه کتاب‌های تخصصی از تالیف آنها ساده‌تر است که در بازار کتاب هم شاهد تعداد فراوان آنها هستیم.

البته ترجمه کتاب‌های تخصصی هم ظرافت خاص خود را دارد و بدون کار و تلاش فراهم نمی‌شود. بسیاری از کتاب‌های ترجمه شده حوزه‌های علمی، از ترجمه لغت به لغت حاصل آمده‌اند و مفهوم

## یادداشت

دکتر مهتا میرمقتدایی

استاد مدعو دانشگاه تهران و واحد انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی و عضو هیات علمی مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن



تألیف یا ترجمه کتاب‌های علمی

## دشواری تألیف

اگرچه در گذشته فقط رشته طراحی و برنامه‌ریزی شهری در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های داخل کشور تدریس می‌شد، اما در سال‌های اخیر مهندسی شهرسازی در مقطع کارشناسی نیز به رشته‌های دانشگاهی اضافه شده است. این تغییر و تحول با افزایش تعداد دانشجویان، استادان و اعضای هیأت علمی رشته شهرسازی همراه بوده چرا که آنها به کتاب، مقاله و منابع علمی این حوزه نیاز دارند. استادان و اعضای هیأت علمی رشته شهرسازی در کنار تدریس به مطالعه و تحقیق می‌پردازند که حاصل پژوهش‌های آنها تالیف و ترجمه کتاب و مقاله علمی است.



علی هادیلو

صنعت چاپ، یکی از صنایع کلیدی و مادر در هر جامعه‌ای است که توسعه آن می‌تواند جزو ملاک‌های سنجش توسعه و پیشرفت هر کشور به شمار آید. اما این صنعت برای گسترش خود به منابع علمی و پژوهش‌های دامنه‌داری نیازمند است و این نیاز در قلمرو مدیریت چاپ، بیشتر خود را نشان می‌دهد. محمدحسین فکری مدیر مرکز علمی- کاربردی واحد شماره ۵ تهران، کتاب «مدیریت چاپ» نوشته درک پورتر را با هدف تامین منابع علمی برای صنعت چاپ ترجمه کرده است. این کتاب که توسط انتشارات پایار انگلستان به چاپ رسیده، درک روشنی از مسئولیت‌ها و ماهیت مدیریت امروزی حوزه چاپ را نشان می‌دهد. در این مجموعه، واژه چاپ تمام جنبه‌ها و فرآیندهای این صنعت را دربرمی‌گیرد. این کتاب راهنمای بسیار موثری برای رسیدن به اهداف سازمانی در فضای پرتنش امروزی است. یکی از فصول این کتاب، قوانین و مقررات جاری در کشور بریتانیا را مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. اگرچه ممکن است در نگاه نخست ضرورت آن زیر سوال رود، اما آشنایی مدیران چاپخانه‌های کشور با قوانین و مقررات اروپا و انگلستان می‌تواند ذهن آنها را در برابر مشکلات موجود، آماده‌تر نگه دارد. در گفت‌وگو با فکری اهمیت ترجمه این کتاب را بررسی کرده‌ایم.

«مدیریت صنعت چاپ» در گفت‌وگو با محمدحسین فکری

## بومی سازی فناوری

معلول چه شرایطی است؟

در دنیای امروز، صنعت چاپ با چالش‌هایی روبه‌رو است که در صورت نبود مدیریت درست، این صنعت را با مشکلات جدی مواجه می‌کند. یکی از این چالش‌ها، به وجود آمدن بازارهای شدید رقابتی و تغییرات سریع در تکنولوژی و فرآیندهای آن است. به تعبیر دیگر، رقابت در تولید و عرضه محصولات چاپی و پیشرفت‌های چشمگیر در تکنولوژی چاپ، فضایی را برای صاحبان چاپخانه‌ها پدید آورده که این صحنه را به میدان جنگ تبدیل کرده است، به همین دلیل شکی نیست که در این میدان، تنها مدیرانی می‌توانند به حیات خود ادامه دهند که توانایی رفع نقاط ضعف، تقویت نقاط قوت، شناخت تهدیدها و بهره‌گیری از فرصت‌ها را داشته باشند. در این عرصه، تنها علم مدیریت صحیح می‌تواند ضامن بقای چاپخانه‌ها باشد در غیر این صورت محتوم به شکست خواهند بود. این کتاب با نگاه به تغییرات سریع تکنولوژی، مدیران چاپ را با مسائلی آشنا می‌کند که بتوانند این تغییرات را مدیریت و به بهترین نحو از فرصت‌های پدید آمده استفاده کنند.

درباره وضعیت نامناسب بازار صنعت چاپ، نظرات زیادی مطرح می‌شود. نظر شما در این باره چیست؟ در کشور ما، صنعت چاپ در سطح آکادمیک از فقر منابع علمی در حوزه چاپخانه‌ای رنج می‌برد چرا که صنعت چاپ ما از لحاظ تکنولوژی و منابع آموزشی، وابسته به کشورهای غربی است. بنابراین صنعت چاپ یک صنعت بومی محسوب نمی‌شود و وارداتی است و وقتی صنعتی وارداتی باشد، طبیعتاً منابعی هم که در این صنعت وجود دارند، از آن ما نیستند و در نتیجه منابعی هم که برای آموزش صنعت چاپ به کار می‌روند، منابع ترجمه‌ای اند. اما تالیف کتاب در صنعت چاپ نیز چند سالی است مورد توجه مدرسان این حوزه قرار گرفته و روز به روز در کارهای تالیفی هم شاهد ظهور کتاب‌هایی هستیم که دانش و تجربه بالای مولفان این کتاب‌ها را می‌رسانند و همین امر نشان می‌دهد که استادان این حوزه، فعالند و تلاششان بر این هدف متمرکز شده که کتاب‌های تحقیقی با دانش بومی جدید تالیف کنند. البته ما نیز این روزها در مرکز علمی کاربردی واحد شماره پنج تهران برنامه‌هایی را دنبال می‌کنیم تا بتوانیم در چند سال آینده، کمبود منابع درسی دانشگاهی را در این حوزه جبران کنیم.



منع صادرات چاپ تلقی می‌شود، بحث به رسمیت شناخته شدن حق کپی رایب است. بنابراین، فکر می‌کنید مطالب این بخش می‌تواند برای مدیریت صنعت چاپ در ایران راهگشا باشد؟

مبانی مدیریتی در بسیاری از کشورهای یکسان است و کمتر به فرهنگ و زمان خاص ارتباط پیدا می‌کند اما باید توجه داشت مدیریت با بومی سازی بهتر جواب می‌دهد. آنچه در این کتاب آمده فراتر از شرایط مدیریتی خاص هر کشور است و در آن، از مستندات بحث می‌شود که برای بهبود روش‌های تولید در هر کشور کارگشاست. ضمن آن که فرم‌هایی را برای استانداردسازی کارهای مختلف در داخل چاپخانه‌ها پیشنهاد می‌دهد که به بومی سازی این صنعت هم کمک می‌کند. در ضمن، بحث‌های این کتاب وسیع‌اند از الگوهای مدیریت چاپ شروع می‌شوند و حتی قوانین چاپ در انگلستان را دربرمی‌گیرند. هر چند این بحث‌ها با توجه به امکانات چاپی موجود در ایران برای ایرانیان چندان مفید نیست اما اگر چاپخانه‌های ایران با قوانین کشورهای دیگر آشنا شوند، همین آشنایی زمینه را برای تغییر فراهم می‌کند.

در این کتاب درباره چالش‌های پیش روی مدیران، از جمله رقابتی شدن بازارهای این صنعت سخن به میان آمده است. این وضعیت

در هر فصل، اصلی معرفی می‌شود که یک مدیر یا فردی که می‌خواهد مدیریت چاپ و نشر را برعهده بگیرد، باید از آن آگاهی داشته باشد. استقبال چشمگیری که در همین فاصله زمانی کوتاه از سوی استادان رشته چاپ و بسیاری از آموزشگاه‌های چاپ از این کتاب شده، نشان می‌دهد که مطالب آن نظر مخاطبان را جلب کرده است. به هر حال، این کتاب منبع خوبی برای کلاس‌های تخصصی مدیریت چاپ است و امیدوارم برای دانشجویان نیز سودمند باشد.

گفتید که این کتاب برای پرکردن خلأهای موجود در متون درسی دانشجویان رشته چاپ ترجمه شده. یعنی اطلاعات این کتاب برای دست‌اندرکاران مسئولانی که در عرصه چاپ فعالیت می‌کنند، کاربردی ندارد؟

هدف اصلی من از ترجمه این کتاب، پرکردن خلأهای موجود در منابع درسی دانشجویان رشته چاپ بود. اما به این معنا نیست که این کتاب برای کسانی که در صنعت چاپ مشغول فعالیتند کاربردی ندارد چرا که حتی برای ساماندهی چاپخانه‌های کوچک و بزرگ دولتی و شخصی نیز سودمند است. امروز، بحث مدیریت کیفیت در چاپ، از مباحث اصلی این صنعت است. اما این کتاب بیشتر درباره مدیریت بخش فنی این صنعت بحث کرده است. آیا این از ضعف‌های کتاب محسوب نمی‌شود؟

اطلاعات این کتاب درباره مباحث کلی مدیریت است و حتی درباره مدیریت کیفیت نیز اطلاعات ارزشمندی دارد. اما بحث کیفیت به مسائل دیگری چون توسعه تکنولوژی، ترکیبات مواد و... برمی‌گردد که در این کتاب راهکارهایی برای ارتقای کیفیت مدیریت در چاپ نیز توصیه شده اما به مباحث جزئی پرداخته نشده است؛ چرا که هدف اصلی آن پرداختن به مسائل مدیریتی در چاپخانه‌هاست و بیان شاخصه‌ها و راهکارهای مدیریت چاپ، خود موضوعی فراگیر است که باید در کتاب جداگانه‌ای بیان شود.

یکی از مباحث اصلی در صنعت چاپ، بومی سازی آن است، چون شیوه‌های مدیریتی بر حسب شرایط هر کشوری تغییر می‌کند. اما در این کتاب، شیوه‌های مدیریتی و قوانین کشور انگلستان و دیگر کشورهای غربی که صنعت چاپ پیشرفته‌ای دارند و شرایط آنها متفاوت با کشور ماست، آمده است. یکی از مشکلاتی هم که در این صنعت گریانگیر ماست و

درباره انگیزه‌تان از ترجمه این کتاب بگویید؟

حدود ۱۵ سال است که مشغول آموزش در حوزه صنعت چاپ هستم و در طول این مدت، مهم‌ترین دغدغه‌ام تهیه منابع معتبر برای دانشجویان بوده. چرا که صنعت چاپ منابع درسی بسیار معدودی در سطح آکادمیک دارد. همچنین در صنعت چاپ، تئوری‌های مدیریتی مختلفی مطرح شده که جای آنها در متون درسی خالی است. از این رو، چند سالی بود که در جست‌وجوی منابع دست‌اولی برای ترجمه بودم و در یکی از این جست‌وجوها، با انتشارات پایار - یکی از ناشران انگلیسی که کتاب‌های فراوانی در زمینه صنعت چاپ منتشر کرده - مذاکراتی داشتم. این ناشر، کتاب «مدیریت چاپ» را برای ترجمه به من پیشنهاد کرد. چاپ نخست این کتاب در سال ۲۰۰۴ و چاپ دوم نیز در سال ۲۰۰۶ منتشر شده بود. در آغاز، هیچ شناختی از نویسنده کتاب نداشتم و تنها می‌دانستم که تجربه فعالیت در مدیریت چاپ را داشته‌ویکی از صاحب‌نظران علم مدیریت است. بنابراین، صرفاً به پیشنهاد ناشر سراغ ترجمه آن رفتم اما زمانی که کتاب را ترجمه می‌کردم، پی بردم اطلاعات ارزشمندی در زمینه مدیریت چاپ را در خود جای داده است.

این کتاب چه نکات تازه‌ای در عرصه مدیریت چاپ ارائه می‌دهد؟

این کتاب به مدیران می‌آموزد که تنها کسانی می‌توانند در این عرصه به حیات خود ادامه دهند که توانایی رفع نقاط ضعف، تقویت نقاط قوت، شناخت تهدیدها و بهره‌گیری از فرصت‌ها را داشته باشند. در حال حاضر مدیران چاپ به استانداردهای مشخص این صنعت دسترسی ندارند. زیرا براساس وضع موجود، استانداردهای مناسب متعدّدند اما در این کتاب بحث‌های اساسی درباره رفع این مشکلات آمده و در فصول مختلف آن، درباره نقش و حوزه وظایف مدیریت چاپ، فروش و بازاریابی چاپ، مسائل مالی مدیریت چاپ، مدیریت منابع انسانی، کسب سرمایه و معیارهای حفاظت از ماشین‌آلات و نگهداری آنها، مدیریت مواد، مدیریت تغییرات و به روز کردن این صنعت، صحبت شده است. صنعت چاپ از آغاز تاکنون همواره فراز و نشیب‌ها و تحولات بسیاری داشته است، به همین دلیل مدیریت در این عرصه نیز نیازمند روزآمدی و ریزنگری است. کتاب حاضر برای تمامی کسانی نوشته شده که دانش آنها هنوز محدود به مدیریت سنتی است.

مؤلف کتاب «صنعت چاپ» مطرح کرد

### کمبود پژوهش در صنعت چاپ

هادی علیزاده: مسعود فرش‌فرید، کارشناس حوزه چاپ و دبیر اتحادیه صادرکنندگان چاپ معتقد است کتاب‌هایی که درباره صنعت چاپ به ویژه بخش فنی این صنعت منتشر شده است چه از بعد کمی و چه از بعد کیفی پربار نبوده و محتوای آنها هم با نیازهای این صنعت همخوان نیست.

وی با بیان این که کتاب‌های منتشر شده در زمینه چاپ افست و نگهداری ماشین‌آلات چاپ کاربرد چندانی برای تدریس در آموزشگاه‌های چاپ ندارد گفت: «در دانشکده چاپ منبعی برای تدریس وجود ندارد و مدرسان و دانشجویان ناگزیرند به همان جزوات درسی بسنده کنند. این وضعیت برای صنعت چاپ مایه نارسایی است و باید راهکارهایی برای تهیه منابع علمی جدید در این حوزه اندیشیده شود.»

فرشی فرید کمبود تحقیق و پژوهش در صنعت چاپ را یکی از مهم‌ترین عواملی خواند که موجب رکود بازار نشر و حوزه چاپ شده و افزود: «در چنین اوضاعی طبیعی است که کتاب در حوزه چاپ کم باشد، چرا که از دل همین تحقیق و پژوهش‌هاست که کتاب بیرون می‌آید.» وی در ادامه خاطر نشان کرد: «همچنین شمارگان کتاب‌هایی که در حوزه چاپ منتشر می‌شود بسیار پایین است و به همین دلیل ناشران مقرون به صرفه نمی‌بینند که کتابی در این حوزه منتشر کنند، چرا که هزینه چاپ کتاب بالاست و انتشار کتاب در شمارگان پایین این هزینه‌ها را تامین نمی‌کند. البته باید بی‌اعتنایی به فرهنگ کتابخوانی و قیمت بالای کتاب‌ها را نیز به این دو عامل اضافه کرد.»

این کارشناس حوزه چاپ، با اشاره به اهمیت صنعت چاپ در مقایسه با صنایع دیگر اظهار داشت: «صنعت چاپ یک صنعت فراگیر است و در هر توسعه‌ای نقش محوری دارد. اما با همه اینها در کشور ما این صنعت در مقایسه با صنایع دیگر از فقر منابع علمی رنج می‌برد.»

فرشی فرید با بیان این که کتاب‌های منتشر شده در حوزه چاپ مخاطبان گسترده‌ای دارد تصریح کرد: «در حال حاضر در دانشکده چاپ دانشجویان زیادی مشغول به تحصیل هستند. همچنین حدود ده هزار فارغ‌التحصیل در این رشته داریم که هر سال نیز بر تعداد آنها افزوده می‌شود.»

وی در ادامه با تأکید بر سرمایه‌گذاری در این صنعت اذعان کرد: «فقدان منابع اطلاعاتی در زمینه صنعت چاپ به نبود سرمایه‌گذاری در بخش پژوهش و تحقیق برمی‌گردد. صنعت چاپ در کشور ما یک دانش بومی نیست، بلکه دانشی وارداتی محسوب می‌شود، بنابراین ما نیازمند سرمایه‌گذاری در بخش پژوهش هستیم.»

دبیر اتحادیه صادرکنندگان صنعت چاپ در پایان تأکید کرد: «البته در سال‌های اخیر سازمان‌ها و آموزشگاه‌های صنعت چاپ یک سری فعالیت‌هایی را در این زمینه شروع کرده‌اند که تشکیل انجمن‌های متعدد چاپ در کشور یکی از نتایج این فعالیت‌هاست.»



## گزارشی از میهمانی خبرنگاران کتاب در روز خبرنگار

# جمعی که جمع بود...



### فصل سوم: پیشکسوتان

که متأسفانه این امر برای امسال امکان پذیر نشد، اما در اینجا از همه خبرنگاران برای رسیدن به توفیقات روز افزون ظرف چهار سال گذشته، تشکر می‌کنم.» این مراسم دو ساعت به طول انجامید و پس از پایان سخنرانی‌ها، خبرنگاران به گفت‌وگوهای دوستانه و صمیمانه نشستند. گزارشگران و خبرنگاران رسانه‌های مختلف تصویری، شنیداری، مکتوب و دیجیتال، هفدهم مرداد دیگری را با خاطراتی شیرین و به یادماندنی در کارنامه‌های فعالیت‌های خود ثبت کردند. در این شب، اگرچه هدایایی هم به خبرنگاران فعال حوزه کتاب اهدا شد اما احترام، ارزش و توجه به مقام و شأن خبرنگار در روزی که به نام آنان ثبت شده است، خستگی یک سال فعالیت را از تنش بیرون کرد. در این مراسم خبرنگاران حسابی به چشم آمدند، چون آنجا آنها اصل بودند و حتی مسوولان هم برای تبریک گفتن به آنها و تجلیل از مقام خبرنگاران حوزه کتاب به این محفل آمده بودند. البته جای بعضی از افراد نیز خالی بود، اما عطر دوستی و صمیمیت آنچنان محفل خبرنگاران «یار مهربان» را فرا گرفته بود که کمتر جای خالی به چشم می‌آمد. شاید ضیافت شامی که به مناسبت روز خبرنگار در هتل انقلاب تهران برگزار شد، فرصتی برای حرف‌ها و درد دل‌هایی بود که در هیچ کتابی ثبت نخواهد شد، جز در کتاب دل خبرنگاران و همین صفحه گزارش کتاب هفته!

هنگامی که بازار سخنرانی داغ بود و دست اندرکاران فرهنگی کشور یکی پس از دیگری درباره جایگاه روزنامه‌نگار و اهمیت خبرنگاری در حوزه کتاب صحبت می‌کردند، گپ و گفت عده‌ای از خبرنگاران فضا را تحت تأثیر قرار داده بود در حالی که مجری برنامه، بارها آن مدعوین را به آرامش دعوت کرد اما گوشی بدهکار نبود، زیرا اصولاً کمتر کسی حریف زبان خبرنگار جماعت می‌شود! همچنین در این مراسم جواد محقق، شاعر، نویسنده و روزنامه‌نگار پیشکسوت و مدیر مسئول هفته‌نامه «کتاب هفته» برای مدعوین و روزنامه‌نگاران سخنرانی کرد.

### فصل چهارم: پایان مراسم

علی اکبر اشعری رئیس کتابخانه ملی و مشاور رئیس جمهور، سخنران پایانی این مراسم بود. وی با تبریک روز خبرنگار به اهالی فرهنگ و قلم، برای آنان آرزوی موفقیت کرد و گفت: «در سال‌های اخیر تلاش کردیم در سازمان اسناد و کتابخانه ملی، روحیه خبری و زمینه خبری مناسبی را برای تعامل با خبرنگاران ایجاد کنیم و در این زمینه نیز تلاش‌های مختلفی انجام دادیم.» وی ادامه داد: «در سالیان قبل در روز خبرنگار، معمولاً شخصاً به محل کار دوستان اهل رسانه می‌رفتم و از زحمات این عزیزان قدر دانی می‌کردم

ادامه داد: «همیشه نزدیک عید، خانه تکانی شروع می‌شد و وسایل اضافی را دور می‌ریختم و غبارها را پاک می‌کردیم. برخی فکر می‌کردند این کار به معنای دور ریختن چیزهای جدید است، اما جایگزین کردن وسایل قدیمی، به معنای دور ریختن تمام داشته‌ها نیست. تمام اصحاب رسانه، فرهنگ و قلم کشورمان به خانه تکانی دولت به عنوان زدودن غبارها نگاه کنند تا فضای مناسب و تازه‌ای برای خدمتگزاری به مردم خوب کشورمان فراهم شود.»

هومن تاج‌الدینی گوینده خیر شبکه چهارم سیما، یکی دیگر از میهمانان این مراسم، دومین سخنران بود و پس از وی حمیدرضا داداشی دبیر گروه اینستا نوجوان به سخنرانی پرداخت و گفت: «نامگذاری برخی از روزها، دلیل خوشایندی دارد. دلیل این که ما امشب دور هم جمع شده‌ایم، گرامی داشت یاد و خاطره شهادت محمود صارمی خبرنگار جمهوری اسلامی ایران است و باید یادمان باشد که به خاطر چه کسی دور هم جمع شده‌ایم.»

وی در بخش دیگر سخنان خود به فعالیت اینستا نوجوان همزمان با سالروز تولد حضرت زهرا (س) اشاره کرد و افزود: «در این طرح جدید قرار است اخبار حوزه کتاب و کتابخوانی با سبک و سیاقی متفاوت به نوجوانان اطلاع‌رسانی شود که نوع نگاه اخبار و تنوع موضوعی یکی از اولویت‌های خبرگزاری کتاب در این قسمت است.» داداشی با بیان این که تاکنون استقبال خوبی از اینستا نوجوان شده است، اظهار داشت: «در روزهای آغازین این بخش از سایت خبرگزاری کتاب ایران، بیش از ۵۰ هزار نفر از آن بازدید کرده‌اند که نوید موفقیت و شاهد نیاز مخاطبان به این سایت است.»

خبرنگاری، آن هم در حوزه کتاب و کتابخوانی، افتخاری است که به همین راحتی هانصیب هر کسی نمی‌شود! خبرنگار کتاب با دنیای دانایی‌ها، تازگی‌ها، خواندنی‌ها و شنیدنی‌های فرهنگی مرتبط با کتاب روبه‌روست. یکشنبه ۱۷ مرداد ماه، جمعی از خبرنگاران حوزه کتاب در جشنی به میزبانی خانه کتاب در هتل انقلاب تهران گردهم آمدند.

### فصل اول: خوشامدگویی

شروع مراسم ساعت هشت شب بود. میزبانان مراسم از ساعتی قبل به هتل آمده بودند و میهمانان نیز اندکی قبل و بعد از ساعت هشت خود را به سالن رساندند. خبرنگاران هر یک با یافتن دوستان خود دور میزی می‌نشستند و به خوش و بیش می‌پرداختند. مراسم کمی بعد از ساعت هشت و سی دقیقه با اجرای علی آقاغفار (نویسنده و سردبیر خبرگزاری کتاب ایران) و خوشامدگویی به میهمانان آغاز شد. جمع میهمانان به مرور جمع‌تر می‌شد و افرادی چون علی اکبر اشعری معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، علی شجاعی صائین، مدیرعامل خانه کتاب و جمعی از روزنامه‌نگاران پیشکسوت به میهمانان افزوده شدند.

### فصل دوم: سخنرانی‌ها

دکتر محسن پرویز، معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، نخستین سخنران این نشست بود. وی با اشاره به فرارسیدن ماه مبارک رمضان و تشکیل دولت دهم درباره برخی تغییرات احتمالی گفت: «در آستانه تشکیل دولت دهم، اقدام شایسته این است که تمام اصحاب رسانه، فرهنگ و قلم کشورمان به خانه تکانی دولت به عنوان زدودن غبارها نگاه کنند.» پرویز با تبریک روز خبرنگار به میهمانان حاضر

## نگاهی به وضعیت نشر کتاب در حوزه کشاورزی

# صفحاتی که شخم دانش می‌طلبند

مهدی کاشانی

کتابخانه قرار گرفته‌اند. این کتابخانه که با هدف ایجاد کانونی جامع و فراگیر برای تمرکز مطالعات و منابع اطلاعاتی اقتصاد کشاورزی، برنامه‌ریزی و توسعه روستایی فعالیت می‌کند، ۱۱ هزار جلد کتاب فارسی و ۹ هزار جلد کتاب لاتین را در خود جای داده است. عرضه ۹ هزار و ۵۰۰ جلد اسناد و مدارک فارسی، سه هزار جلد اسناد و مدارک لاتین، ۱۵۰ هزار جلد مجلات فارسی و ۲۹ جلد از پایان‌نامه‌ها، همراه ۵۰۰ عنوان میکروفیش از دیگر خدماتی است که مراجعه‌کنندگان حوزه کشاورزی می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

### نگاهی به نشر خصوصی

در کنار فعالیت‌های موسسات دولتی، برخی ناشران خصوصی نیز در عرصه کتاب‌های کشاورزی فعالیت می‌کنند. این ناشران، با بهره‌گیری از تجارب استادان و پژوهشگران مشهور حوزه کشاورزی، آثار مناسب و درخور توجهی منتشر می‌کنند و انتشارات علوم کشاورزی، یکی از ناشران فعال این حوزه است. مدیر مسئول این انتشارات با بیان این که کتاب‌های این حوزه پاسخگوی نیاز دانشجویان و مخاطبان نیست، می‌گوید: «بناگاه به آمار و نمودارهای نشر کتاب‌های کشاورزی به این نتیجه می‌رسیم که رشته کشاورزی با توجه به گستردگی و تنوعی که دارد، نیازمند نشر کتاب‌هایی

تبیین کرده است. انتشار کتاب و پیگیری گزارش‌های تحقیقاتی و پژوهشی یکی از برنامه‌هایی است که در این موسسه دنبال می‌شود. انتشار کتاب، سابقه دیرینه‌ای در این موسسه دارد، به گونه‌ای که از سال ۱۳۴۷ نخستین کتاب‌های حوزه کشاورزی، حدود سه عنوان، چاپ و تاکنون ۱۸۰۰ عنوان کتاب و پژوهش در این موسسه منتشر شده است. اغلب آثار پژوهشی و آماری این موسسه به صورت کتاب در حوزه‌هایی چون توسعه روستایی، مباحث اقتصادی کشاورزی مثل بازاریابی، تجارت، سیاست‌های حمایتی و برنامه‌ریزی و ... منتشر شده‌اند.

### کتابخانه‌ای با ۲۰ هزار جلد کتاب

موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی که در طبقه منهای یک این موسسه قرار دارد، جایی دنج برای مطالعه کتاب و فضای آرام است. میز و صندلی‌های چوبی به صورت میدانی برای مطالعه چیده شده‌اند. حدود یک هزار و ۱۴۹ کتاب نیز در قفسه‌های آهنی کتابخانه قرار دارد که می‌توان با کمی قدم زدن در میان آنها به کوهی از کتاب‌های قدیمی و جدید دسترسی پیدا کرد؛ کتاب‌هایی که توسط پژوهشگران موسسه نگاشته شده‌اند یا آثاری که از سوی مترجمان و نویسندگان ایرانی و خارجی در

در روزگاران قدیم، دانش کشاورزی از طریق نقل قول یا تجربه‌ها به جوان‌ها به صورت سینه به سینه منتقل می‌شد، اما همان‌گونه که علم کشاورزی رشد و گسترش پیدا کرد، نیاز به آثار مکتوب در این حوزه نیز بیشتر احساس شد.

البته کتاب‌های حوزه کشاورزی در کشورمان از نظر کمی و کیفی در حد نیاز نیستند و ضرورت دارد در کنار آن که متخصصان این علم دست به قلم شوند و به تالیف و ترجمه کتاب‌های مرتبط با این حوزه بپردازند، ناشران و سازمان‌های مربوط نظیر سازمان جهاد کشاورزی نیز به انتشار این گونه کتاب‌ها توجه کنند. در این گزارش به وضعیت کتاب‌های حوزه کشاورزی، نحوه فعالیت ناشران خصوصی در این حوزه و همچنین ضرورت بومی کردن این کتاب‌ها پرداخته شده است.

### موسسه‌ای برای پژوهش

موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، یکی از زیرمجموعه‌های وزارت جهاد کشاورزی است. این موسسه که در یکی از مرکزی‌ترین نقاط تهران قرار دارد، ماحصل ادغام موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی وزارت کشاورزی و مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی وزارت جهاد کشاورزی است که در زمینه پاسخ به نیازهای پژوهشی کشوری در حوزه برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی فعالیت می‌کند. این موسسه برنامه‌ها و اهداف خود را در سه مقطع کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت تنظیم کرده و در این زمینه برنامه‌ریزی‌ها و نقش‌های مختلفی را برای کارکنان و اعضای خود

متنوع و تخصصی است.»

رضا احمدی ادامه می‌دهد: «این کتاب‌ها باید علاوه بر گستردگی موضوع به روز نیز باشند و از جدیدترین اطلاعات و دانسته‌های علم کشاورزی در جهان بهره‌برند تا بتوانند پاسخگوی نیاز کشاورزان و دانشگاهیان در کشور باشند.»

وی از به روز نبودن منابع و کتاب‌های حوزه کشاورزی به عنوان یکی از ضعف‌های این مبحث نام می‌برد و می‌افزاید: «هنوز کتاب‌های سال ۲۰۰۶ یا ۲۰۰۷ در ایران ترجمه نشده‌اند و کمبود منبع برای دانشجویان و استادان این رشته به خوبی احساس می‌شود، البته در این میان جای خالی تالیف نیز به چشم می‌خورد.»

### کتاب بومی نداریم

نویسندگان کتاب‌های حوزه کشاورزی نقش مهمی در به روز و مستند کردن این آثار برعهده دارند. این نویسندگان اغلب با پژوهشگرانی‌اند که در حوزه کشاورزی تحقیق می‌کنند یا استادان بازنشسته دانشگاهی‌اند. مهندس شهرام مقصودی از جمله این نویسندگان است. وی کتاب‌های منتشر شده فعلی را مقدمه علم کشاورزی می‌داند می‌گوید: «کتاب‌هایی که تاکنون در حوزه کشاورزی منتشر شده‌اند، نتوانسته‌اند حق مطلب را درباره این علم بیان کنند. از این رو ضعف و کاستی‌های بسیاری وجود دارد که نیازمند توجه نویسندگان و ناشران است.» وی ادامه می‌دهد: «برای مثال تاکنون یک کتاب مدون و کاربردی درباره زعفران، توت یا زردآلو به عنوان یک محصول بومی منتشر نشده است.»

به مناسبت بزرگداشت حامیان نسخ خطی

# شاهنامه خالقی مطلق با اهمیت ترین چاپ حماسه ملی ایران

داستان اسکندر تا پایان پادشاهی بهرام گور و دفتر هفتم (تصحیح خالقی و خطیبی) دربردارنده بیت های شاهنامه از پادشاهی یزدگرد تا پایان شهریاری هرمزد انوشیروان است.

بسیاری از دانشمندان و شاهنامه شناسان ایرانی و خارجی، کار خالقی مطلق و همکاران او را ستایش کرده اند و چاپ او را علمی ترین و باارزش ترین تصحیح شاهنامه دانسته اند. دکتر محمدمبین ریاحی نوشته است: «بزرگ ترین کوشش درباره شاهنامه و یکی از ارزنده ترین کارهای علمی عصر ما تصحیح محققانه شاهنامه از جلال خالقی مطلق است. هیچ چاپی از شاهنامه را با کار شگرف خالقی مطلق نمی توان سنجید و با انتشار دوره کامل آن مراجعه به چاپ های دیگر روا نخواهد بود.»

دکتر محمدجعفر یاحقی؛ استاد دانشگاه فردوسی مشهد نیز یادآور شده است: «به گمان من چاپ خالقی مطلق از شاهنامه فردوسی علاوه بر داشتن شیوه علمی و تکیه بر نسخه های معتبر کهن، عشق و اعتقاد سی و چند ساله مصحح را هم داراست. بی تردید همه شاهنامه پژوهان و حتی شاهنامه دوستان، چاپ او را بر هر چاپ دیگری ترجیح می دهند.»

دکتر جلال الدین کزازی نیز این گونه از شاهنامه خالقی یاد کرده است: «ویرایش خالقی جایگاه ویژه ای در ویرایش شاهنامه دارد. کاری که خالقی مطلق کرده است، شایسته ستایش است و بی گمان یکی از آبخشورها در زمینه پژوهش های شاهنامه شناختی خواهد بود.»

پرفسور ویلیام هانوی از دانشگاه پنسیلوانیا نیز گفته است: «ما در زمانه ای زندگی می کنیم که مطالعات شاهنامه شناسی نیک شکوفا شده است و برجسته ترین نمونه این شکوفایی متن انتقادی شاهنامه است که به کوشش دکتر جلال خالقی مطلق انتشار یافته است.»

با این همه دکتر خالقی مطلق با فروتنی بسیار تصحیح خود را ویرایش نهایی شاهنامه نمی داند و در مقدمه شاهنامه خود می نویسد: «به گمان من با این تصحیح تنها توانسته ایم زمینه استواری برای پژوهش متن شاهنامه آماده سازیم. امید مصحح این است که منتقدان بیت به بیت این تصحیح را با سختگیری، باریک بینی و موشکافی و کارشناسی، بی غرضانه بررسی کنند و نظریات خود را منتشر سازند. ما با توجه به نظریات دیگران و آنچه خود بدان رسیده ایم، تصحیح دیگری از این کتاب را بدون ثبت نسخه بدل ها منتشر خواهیم کرد و آن تصحیح را تا پیدایش دست نویس کهن تر به عنوان تصحیح نهایی این کتاب خواهیم دانست.»

اکنون کانون فردوسی دایره المعارف بزرگ اسلامی، انتشار یادداشت های شاهنامه را در پنج جلد در دست انتشار دارد. این مجلدات شامل توضیحات مصحح و همکاران او درباره تحلیل داستان ها و رویدادها، شرح لغات و اصطلاحات و نکات دستوری بیت ها و به ویژه علت ترجیح دادن خوانشی بر خوانش دیگر و سبب افزوده بودن یا نبودن بیت هاست. این برای نخستین بار است که خود مصححان به تفصیل بیت های مصحح خود را شرح کرده اند.

علاوه بر اینها، دکتر خالقی مطلق و همکاران او، امیدسالار و خطیبی، چاپ فرهنگ واژگان شاهنامه را هم در دست انتشار دارند. این فرهنگ مشتمل بر فهرستی از واژه ها، ترکیب ها و اصطلاحات دشوارتر و کمیاب تر شاهنامه است، به گونه ای که خواننده به کمک آن می تواند دشواری های متن شاهنامه را بگشاید و بررسی کند.



دارای چنین امتیازاتی دانست؛ نخست، بررسی و ارزیابی نزدیک به ۵۰ دستنویس، اساس قرار دادن کهن ترین و معتبرترین دستنویس نویافته شاهنامه، یعنی دستنویس فلورانس، به کارگیری اصول علمی تصحیح متن، استفاده از ترجمه عربی بنداری از شاهنامه برای نخستین بار، استفاده از منابع جنبی در تصحیح متن، وجود واژه های جدید و ضبط های متفاوت و نزدیک به اصل در متن شاهنامه، ثبت تمامی نسخه های بدل و حرکت گذاری برخی واژه ها که امکان بهتر خواندن شاهنامه را فراهم می کند. تصحیح خالقی مطلق در هشت دفتر، نخست طی سال های ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۶ در نیویورک و از سوی انتشارات بنیاد میراث ایران منتشر شد و سپس هر

## جشن شاهنامه

شاهنامه جلال خالقی مطلق نزدیک ترین و درست ترین اثر به شاهنامه فردوسی است، چراکه از روی نسخه های مطمئن تر و با دقت بیشتری انجام شده است. بنابراین با کار خالقی مطلق می توانیم اطمینان داشته باشیم که به نزدیک ترین شاهنامه فردوسی دست یافته ایم. این تصحیح که با همکاری محمود امیدسالار و ابوالفضل خطیبی صورت گرفته در بخش ادبیات نهمین آیین بزرگداشت حامیان نسخ خطی به عنوان اثر برگزیده انتخاب شده است.

برگزاری کارگاه آموزشی دو روزه «نسخه شناسی و نقد و تصحیح متون» با حضور استادان مطرح نسخ خطی کشورمان از جمله استاد عبدالله انوار و مهدی محقق و نیز انتشار کتاب «پادنامه شیخ آقا بزرگ تهرانی: مجموعه گفتارها به مناسبت صدمین سال آغاز نگارش الذریعه» از جمله دیگر برنامه های آیین بزرگداشت حامیان نسخ خطی بود که توسط سازمان اسناد و کتابخانه ملی برگزار شد.

در نهمین آیین بزرگداشت حامیان نسخ خطی که در مرکز همایش های کتابخانه ملی برگزار شد از برگزیدگان و اساتید در رشته های مرتبط با نسخ خطی همچون فهرست نگاری، تصحیح متون، پایان نامه، مقاله، کتاب، احیای سند، کتابداری نسخ خطی، اهدای نسخ خطی به کتابخانه ها و... قدردانی شد و شاهنامه هشت جلدی خالقی مطلق در بخش ادبیات به عنوان اثر برگزیده انتخاب شد. این کتاب بر اساس تصحیح انتقادی از نسخه فلورانس صورت گرفته و دکتر خالقی مطلق سال های بسیاری از عمر علمی خود را صرف این کار کرده است تا اثری پیراسته از شاهنامه فردوسی انتشار دهد و مسلماً اعتبار و وزن آن از شاهنامه های مسکو و نیز ژول مول فرانسوی بیشتر است.

پس از چاپ هشت دفتر شاهنامه خالقی در ایران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی در تابستان ۱۳۸۶ جشنی برای رونمایی از این چاپ برگزار کرد و در آن دکتر خالقی و همکاران او به بازگویی شیوه تصحیح خود پرداختند و چند تن از شاهنامه شناسان برجسته نیز درباره امتیازات و اهمیت کار خالقی سخن گفتند.

هشت دفتر به صورت یکجا در ۱۳۸۶ از طرف انتشارات کانون فردوسی وابسته به مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش های ایرانی و اسلامی)، در ۴۰۵۸ صفحه و ۴۹۵۳۰ بیت به چاپ رسید. خالقی مطلق که ۳۶ سال به این کار پرداخته است، برای تصحیح دفترهای ششم و هفتم از دو مصحح دیگر یاری گرفته است. یکی دکتر محمود امیدسالار، از دانشگاه ایالتی کالیفرنیا برای دفتر ششم و دیگری ابوالفضل خطیبی از فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای تصحیح دفتر هفتم. دفتر ششم (تصحیح خالقی و امیدسالار) شامل

و بررسی ای از دستنویس های به جای مانده از شاهنامه صورت نگرفته بود.

نزدیک به هزار نسخه خطی از شاهنامه در کتابخانه های جهان نگهداری می شود، اما خالقی پیش از پرداختن به تصحیح شاهنامه به بررسی دقیق نسخه های باارزش و مهم پرداخت و از میان آن نسخه های کهن، ۵۰ نسخه را برگزید. وی در نهایت ۱۶ دستنویس را درخور دانست. انتشار این شاهنامه را که جلدی ترین و بااهمیت ترین چاپ شاهنامه است، پایان ویرایش شاهنامه (تا پیدا شدن احتمالی نسخه خطی دیگری از شاهنامه) دانسته اند.

افزون بر این روش، خالقی مطلق در ویرایش شاهنامه نیز درخور اهمیت است. او با آن که برای نیمه نخست شاهنامه، نسخه فلورانس و برای نیمه دوم، نسخه لندن را پایه کار خود قرار داده است، اما تنها به این دو نسخه تکیه نمی کند و هر جا در متن این دو دستنویس لغزشی دیده است، آنها را رها کرده و از نسخه های دیگر بهره جسته است. پیداست که شیوه او در ویرایش شاهنامه بر ارزش کار افزوده است.

از سوی دیگری تردیدی از مشکلات همیشگی تصحیح شاهنامه را باید وجود بیت های افزوده و ساختگی دانست که در دستنویس ها به فراوانی یافت می شود. نکته دیگر در ویرایش خالقی، عاری بودن این نسخه از این بیت هاست. خواننده به اطمینان می تواند شاهنامه خالقی را به دور و پیراسته از بیت های ساختگی و افزوده بدانند. پیداست که یکی از برتری های چاپ خالقی مطلق بر چاپ های دیگر، همین آراستگی متن و حذف بیت های الحاقی است.

ویژگی دیگر شاهنامه خالقی مطلق آن است که

تصحیح جلال خالقی مطلق از «شاهنامه فردوسی» که با همکاری محمود امیدسالار و ابوالفضل خطیبی انجام شده در بخش ادبیات نهمین آیین بزرگداشت حامیان نسخ خطی که یکشنبه (۱۸ مردادماه) در کتابخانه ملی ایران برگزار شد به عنوان اثر برگزیده انتخاب شد.

این شاهنامه جلدی ترین و بااهمیت ترین چاپ حماسه ملی ایران محسوب می شود. نخستین چاپ شاهنامه فردوسی را باید تا دو سده پیش عقب برد و آن را به «سر ویلیام جونز» انگلیسی نسبت داد. او در سال ۱۷۷۴ میلادی با تاسیس انجمن آسیایی بنگال، قطعاتی از شاهنامه را چاپ کرد اما نخستین چاپ علمی شاهنامه را باید از «ژول مول» فرانسوی دانست که بیش از نیم قرن پس از ویلیام جونز اقدام به تصحیح علمی شاهنامه کرد.

ژول مول در مقدمه تصحیح خود مدعی است که از ۳۵ نسخه خطی موجود در اروپا استفاده کرده اما امروزه، بر پایه پژوهش نکته بینانه خالقی مطلق، مشخص شده که نزدیک به ۹۰ درصد چاپ ژول مول تنها بر اساس دستنویس سال ۸۴۴ هجری قمری کتابخانه ملی پاریس شکل گرفته است.

به هر روی، ژول مول شاهنامه خود را به مدت چهل سال از ۱۸۳۸ تا ۱۸۷۸ میلادی و در هفت مجلد منتشر کرد. پس از این چاپ باید علمی ترین و مهم ترین ویرایش شاهنامه را از طرف موسسه خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی (سابق) در مسکو دانست. این شاهنامه که سرپرستی آن را «ی.ا.برتلس» بر عهده داشت، در ۹ جلد و در فاصله سال های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۱ میلادی منتشر شد.

در ایران «بنیاد شاهنامه» به سرپرستی مجتبی مینوی و پس از درگذشت او به مدیریت دکتر محمدمبین ریاحی در سال ۱۳۵۱ چاپ شاهنامه را به شیوه ای علمی و بر اساس دستنویس های معتبر آغاز کرد، اما تنها به چاپ چند داستان از شاهنامه موفق شد و کار بنیاد، بی آن که به سرانجامی برسد، پایان پذیرفت.

از این زمان تا سال ۱۳۶۶ که دکتر جلال خالقی مطلق دفتر نخست شاهنامه را منتشر کرد، هیچ چاپ علمی و درخور اعتنائی از این متن مهم زبان فارسی منتشر نشد. خالقی که سالیان بسیاری از زندگی خود را به جست و جو در کتابخانه های جهان برای به دست آوردن عکس و میکروفیلم نسخه های معتبر شاهنامه سپری کرده بود، ابتدا ۴۵ نسخه کهن و ارزشمند شاهنامه را گردآوری کرد و آنگاه به ارزیابی آنها پرداخت و شش نسخه کهن را معتبرتر از نسخ دیگر دانست و آنها را اساس تصحیح خود قرار داد. مهم ترین این که او نسخه سال ۶۱۴ هجری قمری را که به نسخه فلورانس مشهور است و نیمی از شاهنامه (تا پایان پادشاهی کیخسرو) را در خود دارد، به عنوان نسخه مبنای خود در نظر گرفت. این نخستین باری بود که نسخه باارزش فلورانس، پایه ویرایش شاهنامه قرار می گرفت، اما خالقی از نسخه های معتبر دیگران همانند نسخه سال ۶۷۵ هجری قمری موزه بریتانیا، نسخه سال ۶۳۱ هجری قمری طوقاپوسرای، نسخه سال ۷۴۱ هجری قمری قاهره و نسخه سال ۸۹۱ هجری قمری لندن، نیز به موازات دستنویس فلورانس سود جست. وی ۹ دستنویس دیگر را هم در شمار نسخه های غیر اصلی و درجه دوم تشخیص داد و با روشی علمی و دقیق، اختلاف ضبط این ۱۵ نسخه را در پایین صفحات ثبت کرد. از اینها گذشته او به ۳۰ نسخه دیگر نیز مراجعه کرده است. نکته این است که تا پیش از تصحیح خالقی مطلق و ارزیابی او از همه نسخه های باارزش شاهنامه، هیچ سنجش





اهمیت نوشته‌ها و ارزیابی‌های استیون کینزر هنگامی آشکار می‌شود که می‌بینیم دیدگاه‌ها و نظرات او درباره مسائل مربوط به کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ علاوه بر این که مورد تایید عاملان و دست‌اندرکاران این رخداد است، مورد پذیرش آسیب‌دیدگان و کسانی که در این واقعه صدمات جانی و مالی دیده‌اند هم هست؛ کسانی که هرچند توانستند به زندگی روزمره خود در دوران پهلوی دوم ادامه دهند، اما حیات سیاسی‌شان را طی کودتا از دست دادند. این امر که به معنای جلب تایید موافقان و مخالفان یک رخداد - آن هم از سوی یک کارشناس مسائل سیاسی معاصر ایران - تلقی می‌شود، نشان دهنده اتکای نظرات و دیدگاه‌های کارشناسی او به مدارک محکم و استدلال‌های غیرقابل انکار است. کینزر بیشتر مباحثش درباره کودتای ۲۸ مرداد را در کتاب «همه مردان شاه» آورده است. او که خود خبرنگار نیویورک تایمز است با این کتاب نه تنها در ایران بلکه در همه دنیا شناخته شد. میزان توجه فعالان حوزه‌های نظری سیاست به کتاب «همه مردان شاه» را می‌توان از تعداد فراوان گفت‌وگوهایی که در مجلات سیاسی و درباره این کتاب منتشر شده است دریافت و در بیشتر این مصاحبه‌ها یکی از بحث‌انگیزترین مقولات، مسائل مرتبط با کودتای ۱۹۵۳ ایران است. آنچه در ادامه می‌آید، برگردان گفت‌وگو با استیون کینزر درباره کتاب «همه مردان شاه» و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (۱۹ آگوست ۱۹۵۳) است که ماه گذشته مجله «دموکراسی» آن را منتشر کرده است.

درس‌هایی از کودتای ۲۸ مرداد در گفت‌وگو با استیون کینزر

# به نام کمونیسم، به کام آمریکا

بدهند. این در حالی است که همواره بسیاری از سیاستمداران طی آشوب‌های خیابانی و تظاهرات‌ها نابود می‌شوند. روزولت تنها در یک هفته به ۹۰ نفر از نمایندگان مجلس ۱۱۰۰۰ دلار پول داد؛ در شرایطی که حقوق متوسط در ایران آن سال‌ها سیاه‌پول قابل توجهی در ایران خرج کرد. در لحظات بحرانی واحدهایی از ارتش و پلیس هم به آشوبگران می‌پیوستند. آنها ساختمان‌های مهم دولتی را یکی پس از دیگری اشغال کردند و یک جنگ خیابانی تمام عیار به راه انداختند. تنها در مقابل خانه مصدق صد نفر کشته شدند. دیگر راه نجاتی برای رئیس دولت دموکراتیک ایران نمانده بود. او بازداشت و خانه‌اش سوزانده شد. چند روز بعد سیا نخست‌وزیر ایران را منصوب کرد.

موفقیت کودتا برای دیکتاتور ایران آنچنان باور نکردنی بود که مطابق نوشته‌های یک خبرنگار او پس از شنیدن نتیجه تلاش‌های سیا شوکه شد. «رنگش کاملاً پرید و دستانش شروع به لرزیدن کرد.» او به سرعت به تهران رفت و همه آنچه سیا خرج کرده بود را به روزولت برگرداند. شاه روزولت را به کاخش دعوت کرد و شبی را تا صبح با او مشروب خورد، در حالی که می‌گفت: «من تخت شاهی‌ام را به خدا، مردم، ارتشم و شما مديونم!»

**آیا آمریکا باز هم به چنین کودتایی دست‌زد؟**  
آنچنان که در کتاب آورده‌ام کودتای سال ۱۹۵۳ ایران، بنیانی برای ترور و خشونت فراهم کرد. آمریکایی‌ها هم نه تنها از نتیجه کار خود پشیمان نشدند بلکه بلافاصله روزولت را به مناصب بالای سیاسی رساندند. آنها نوه تئودور روزولت را مشاور و معاون آیزنهاور کردند و چند هفته بعد دوباره او را دعوت کردند و از او خواستند کودتایی مشابه آنچه در ایران انجام داد در گواتمالا نیز انجام دهد. روزولت ناز کرد و عذر خواست. اما یک مهره همواره یک مهره است. سیا فرد دیگری را پیدا کرد که کودتایی مشابه را در گواتمالا انجام داد و یک دولت دموکراتیک دیگر را در آنجا سرنگون کرد.

**چرا آمریکا از این شیوه‌ها در برخورد با دولت‌های مخالف استفاده می‌کند؟**

به خاطر وحشت از ارتش سرخ. شوروی یک ارتش بسیار قوی و مجهز داشت که می‌توانست منافع آمریکا در بسیاری از نقاط ایران را تهدید کند. به این ترتیب بهترین شیوه برای آمریکا این بود که حکومت‌های مخالفش در سراسر دنیا را بدون لشکرکشی نظامی و بدون سروصدا سرنگون کند.

باید توجه داشت که براندازی دولت دکتر مصدق اولین پروژه سرنگونی دولت‌های دموکراتیک به شیوه سرد بود که سیا آن را انجام داد و تا پیش از آن واقعه، این گونه براندازی‌ها در دستور کار آمریکایی‌ها قرار نداشت.



در ۱۵ آگوست سال ۱۹۵۳ (۴ روز قبل از کودتا) آمریکایی‌ها وارد فاز عملی کودتا شدند. مطابق نقشه سیا، شب ۱۵ آگوست یک افسر نامه‌ای را از جانب شاه به خانه مصدق برد. در نامه مذکور شاه نخست‌وزیر را برکنار کرده بود. سیا می‌دانست که مصدق فرمان شاه را نمی‌پذیرد (چرا که مطابق قوانین دموکراتیک کشور، تنها مجلس می‌توانست وزیران را نصب یا عزل کند) و قصد داشت که پس از این نافرمانی، مصدق را بازداشت کند. این نقشه کودتا بود. اما در این میان با تدبیر مصدق کودتا شکست خورد چرا که تعدادی از افسران بلندپایه در خانه مصدق مستقر شده بودند. این نیروهای وفادار به مصدق، افسرانی را که از جانب سیا برای بازداشت مصدق آمده بودند، دستگیر کردند. پله، کودتا کاملاً شکست خورد و شاه که در مخفیگاهش کنار دریاچه خزر منتظر نتیجه توطئه آمریکایی‌ها بود از کشور گریخت. او به بغداد و از آنجا به رم رفت و به اطرافیان‌ش گفت که باید در رم به دنبال کار بگردد. در آن زمان، شاه کاملاً مطمئن شد که دیگر به ایران برنخواهد گشت.

**اما آنچه ما از نتیجه کودتا می‌دانیم داستان دیگری است.**

بله، چرا که روزولت دست از سر ایرانیان برنمی‌داشت. او برخلاف دستور آمریکا در ایران ماند و مصرانه تاکید کرد که می‌خواهد هر طور شده کار را تمام کند. او در فاز دوم کودتا مهره‌هایی را که در طول چند هفته گذشته چیده بود وارد بازی کرد. این مزدور سیاه‌پول در ۱۹ آگوست (۴ روز پس از فاز اول کودتا) سراغ اوپاش رفت، آنها را فعال و چند ده هزار نفر را برای آشوب بسیج کرد. آشوبگران حتی نمی‌دانستند که از سیا پول گرفته‌اند. آنها فقط می‌دانستند که برای یک حقوق‌روزانه عالی باید به خیابان بیایند و شعار

خیابان‌ها به راه می‌افتادند، همه عابران را کتک می‌زدند، شیشه مغازه‌ها را می‌شکستند، همه جا را به آتش می‌کشیدند، به طرف مساجد تیراندازی می‌کردند و این همه در حالی بود که فریاد می‌زدند: «ما عاشق مصدق و کمونیست‌ها هستیم.» این رخداد به طور جدی همه‌نگاه‌های مثبت شهروندان نسبت به مصدق را به نگاهی منفی تبدیل کرد. روزولت کارگردانی‌اش را در همین مرحله متوقف نکرد! او گروه دیگری از اوپاش را نیز اجیر کرد که به گروه اول حمله کنند و با آنها درگیر شوند. روزولت می‌خواست با این کار القا کند که هیچ پلیس، قانون و امنیتی وجود ندارد. به این ترتیب، گماشته سیا با مقدار زیادی پول و ایجاد شبکه‌ای از تماس‌ها [در بدنه سیاسی آن دوران کشور] و استفاده از برخی عوامل اجتماعی توانست به راحتی و تنها در عرض چند هفته یک دولت باثبات را سرنگون کند و کشور را دچار بی‌نظمی و هرج و مرجی شدید کند.

**آنچه تا اینجا به آن اشاره کردید آماده کردن فضا برای کودتا بود. اما شما در کتاب به نحوه عملیاتی شدن کودتا هم پرداخته‌اید. لطفاً در ادامه در این مورد هم توضیح بدهید.**

**این مزدور سیا در گام اول سراغ اوپاش رفت، آنها را فعال و چند ده هزار نفر را برای آشوب بسیج کرد. آشوبگران حتی نمی‌دانستند که از سیا پول گرفته‌اند**

امروزه ما با دو حادثه مشابه با پیامدهای منفی مواجه هستیم؛ نخست کودتای سال ۱۹۵۳ در ایران علیه دولت دکتر محمد مصدق و دوم کودتای سال ۲۰۰۲ در ونزوئلا علیه هوگو چاوز. شما در کتاب «همه مردان شاه» کودتای ۵۳ را به عنوان کودتایی آمریکایی توصیف کرده‌اید و ریشه‌های ترور در خاورمیانه را همین حرکت آمریکایی می‌دانید. گویا دولت‌های آمریکایی هنوز از این اشتباهات درس نگرفته‌اند؛ بنابراین کمی راجع به کودتای ایران صحبت کنید.

داستان کودتای ۱۹۵۳ ایران که طی آن سیا دولت ایران را سرنگون کرد نشان می‌دهد که چگونه یک دولت قوی می‌تواند به سادگی بر نظام کشورهای دیگر تاثیر بگذارد و آن کشورها را دچار آشوب و هرج و مرج کند. در سال ۱۹۵۳ سیا یکی از زیر دست‌ترین کارکنانش کریمت روزولت، نوه تئودور روزولت را به ایران فرستاد. ماموریت کریمت روزولت به طور مشخص تلاش و سازماندهی نیروها برای براندازی دولت دموکراتیک ایران بود. یکی از دلایلی که باعث اشتیاق شدید من برای نوشتن این کتاب شد، یافتن پاسخ این پرسش بود که چگونه می‌توان دولتی را برانداخت. این سوالی بود که هنگام نوشتن کتاب مدام از خودم می‌پرسیدم و سرانجام جواب آن را هنگام نوشتن «همه مردان شاه» یافتم. کریمت روزولت در ابتدا تلاش کرد که در ایران آشوب و هرج و مرج ایجاد کند.

**او چه اقداماتی برای برپایی آشوب صورت داد؟**  
روزولت یک سلسله اقدامات را به ترتیب و یکی پس از دیگری انجام داد. نخستین حلقه از سلسله زنجیر توطئه‌ای که او آن را بافت، رشوه دادن به برخی از نمایندگان مجلس بود. کریمت روزولت به رهبران گروه‌های سیاسی در مجلس رشوه می‌داد؛ گروه‌های سیاسی‌ای که هم پیمانان مصدق بودند. به این ترتیب اتحاد سیاسی مجلس و دولت مخدوش شد و کار به جایی رسید که نمایندگان در صحن مجلس مصدق را مورد اهانت قرار می‌دادند و او را محکوم می‌کردند.

روزولت در وهله دوم به سردبیران نشریات مختلف رشوه داد. او از خبرنگاران و ستون‌نویسان نیز نمی‌گذشت و آنها را هم تطمیع کرد. بدین ترتیب پس از چند هفته کارمند سیا هشتاد درصد روزنامه‌های تهران را در لیست پرداخت‌های خود داشت که همه آنها به یک ماشین ساخت و تولید دروغ علیه دکتر مصدق تبدیل شده بودند. مرحله بعدی رشوه‌ها مربوط می‌شد به اعضای پلیس که طی آن سیا افسران دون پایه را خرید و از آنها خواست که برای روزهای حساس آماده باشند و واحد خود را نیز آماده نگه دارند. اما آنچه که ضربه نهایی را بر دولت وارد کرد اجیر کردن رؤسای گروه‌های اوپاش خیابانی بود. اجیر کردن اوپاش تاثیر فوق‌العاده‌ای داشت؛ چرا که آنها موجب شدند اساساً حاکمیت قانون در فضای کلی تهران از میان برود. بخشی از این اوپاش در



## روایت اول شخص

### راهنمایی برای حافظ

■ کاوس حسن لی، شاعر و پژوهشگر



«راهنمای موضوعی حافظ شناسی» را برای چاپ به انتشارات نوید شیراز سپرده‌ام. در این رساله دوجلدی تمام کتاب‌هایی که درباره حافظ نوشته شده به صورت ریز موضوعی فهرست نویسی شده است.

در تالیف این مجموعه که حدود هشت سال به طول انجامید، از ۳۳۰ عنوان کتاب و بیش از ۱۳۰ هزار فیش استفاده کردم. پیش‌تر کتاب‌هایی اینچنین منتشر شده بود اما در آن کتاب‌ها تنها نسخه‌های دیوان حافظ فهرست‌بندی شده بود، این در حالی است که در این مجموعه ۲۰۰۰ صفحه‌ای من به تمامی کتاب‌هایی که درباره زندگی و ابعاد مختلف شعری حافظ نوشته شده، پرداخته‌ام. در تالیف این کتاب چند نفر برای تهیه فیش‌های موردنیاز آموزش داده شدند و در فیش نویسی به من کمک کردند.

«فرهنگ خیام پژوهی» را نیز که تالیف آن حدود شش سال به طول انجامید با همکاری سعید حسام‌پور در دست انتشار دارم. در حقیقت این اثر کتاب‌شناسی تحلیلی و توصیفی خیام است که تمامی مقالات و کتاب‌های نوشته شده درباره خیام را پوشش می‌دهد. کار تالیف این اثر به پایان رسیده و به زودی آن را برای انتشار به ناشر خواهیم سپرد.

نقد و بررسی وضعیت کلی خیام‌پژوهی در سده ۱۴ هجری قمری از ویژگی‌های این کتاب است. در این اثر تمامی کتاب‌ها و مقالاتی که درباره خیام تا سال ۱۳۸۰ به چاپ رسیده (حدود ۷۰ کتاب و ۴۲۵ مقاله) بررسی شده و طبق یک معیار مشخص، روند خیام‌پژوهی در این سده به صورت نمودار ارائه شده است.

این کتاب ۶۰۰ صفحه‌ای برای افرادی که می‌خواهند درباره زیبایی‌شناسی شعر خیام تحقیق و پژوهش کنند، مناسب است چرا که با مراجعه به این کتاب می‌توانند از عنوان‌های تمامی مقاله‌ها و کتاب‌هایی که تاکنون در این زمینه نگاشته شده، اطلاع یابند.

### دعبل خزاعی؛ شاعر اهل بیت (ع)

■ مصطفی قلی زاده علیار، پژوهشگر

اخیرا چاپ سوم کتاب «دعبل خزاعی؛ شاعر دار بر دوش» که از منابع محتوایی سریال «ولایت عشق» بود توسط انتشارات بوستان کتاب در قم منتشر شد. چاپ دوم این کتاب نیز توسط همین ناشر در سال ۱۳۸۰ منتشر شده بود، البته چاپ نخست آن توسط پژوهشکده باقرالعلوم (ع) قم و معاونت پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی در تهران انتشار یافته بود. دعبل خزاعی از شاعران بلندآوازه و از سخنوران برجسته تاریخ ادبیات عرب است که به گفته خودش شصت سال با خوف و خطر، به دفاع از حریم آل محمد (ص) شعر سروده و به افشای ستم‌های خلفای عباسی در حق خاندان علی (ع) پرداخته است.

قصیده «مدارس آیات» دعبل یکی از شاهکارهای شورانگیز و بی نظیر ادبیات سیاسی، اعتقادی تاریخ تشیع به شمار می‌رود که آن را برای نخستین بار در محضر امام رضا (ع) در خراسان قرائت کرده و شخصیت‌های علمی بزرگی مانند علامه مجلسی بر آن شرح فارسی نوشته‌اند. در این کتاب به بیان سرگذشت تاریخی دعبل و نقل و ترجمه تعدادی از اشعارش پرداخته‌ام.

## تألیف تاریخچه تئاتر و سینما

■ منوچهر اکبرلو، نویسنده



تدوین و تالیف «تاریخچه خانه تئاتر از آغاز تا کنون» بر اساس اسناد، گفت و گوهای شفاهی و تعداد زیادی نوار صوتی به پایان رسیده و در حال حاضر کارهای فنی آن در حال انجام است. این کتاب حجیم که تا پایان این ماه توسط انتشارات خانه تئاتر منتشر خواهد شد، زمینه‌های پیدایش خانه تئاتر را به عنوان تنها تشکل فراگیر تئاتر در ایران بررسی می‌کند.

کتاب دیگر که هنوز عنوان و ناشر آن مشخص نشده نیز از همین جنس است و تاریخچه انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران را معرفی می‌کند. این کتاب تاریخچه و فرهنگنامه‌ای است درباره تمام افرادی که در زمینه سینما قلم زده‌اند. هر دو این کتاب‌ها در راستای کتاب «۱۸ سال نقد» منتشر می‌شوند که خود تاریخچه کانون ملی منتقدان تئاتر بوده است.

طرح‌های دیگری نیز برای پژوهش تشکل‌های دیگر هنری در دست تهیه دارم. همچنین ترجمه داستان بلندی با عنوان «آسمان خاکستری» نوشته ارنست، جی. دینر، که از فعالان حقوق سیاه‌پوستان در آمریکا است، را به پایان رسانده‌ام. این داستان برای مخاطبان نوجوان است که تا پایان تابستان توسط انتشارات حوا منتشر خواهد شد.

به طور همزمان، در لابه لای این کتاب‌ها طرح تاریخ شفاهی تئاتر کودک و نوجوان را پیش می‌برم که طبق برآوردهای زمانی‌ام، حدود پنج سال به طول می‌انجامد. در حال حاضر زندگی‌نامه داوود کیانیان، بهروز غریب‌پور و حسن دادشکر را در این مجموعه آغاز کرده‌ام که با پایان گرفتن گفت و گوها و بررسی اسناد، زندگی، آثار و تحلیل آنها درباره هر نفر، در کتابی جداگانه منتشر خواهد شد.

### جای خالی گرافیک

■ سعید انصافی، تصویرگر

با طراحی جلد حدود ۱۸ کتاب درباره تئاتر که اخیرا انجام داده‌ام، موج خاصی را در طراحی گرافیکی جلد کتاب وارد این حوزه کرده‌ام. آخرین جلد کتابی که به این شیوه طراحی شد، مربوط به کتاب «ترانه نمایشنامه‌های پرده‌خوانی در ایران» نوشته اردشیر صالح‌پور است. تصویرگری روی جلد آن را همسرم سحر بردایی انجام داده و طراحی گرافیکی آن بر عهده من بوده است.

«مجموعه مقالات نخستین سمینار بین‌المللی نمایشنامه‌های آیینی و سنتی» به کوشش حمیدرضا اردلان از دیگر کتاب‌هایی است که طراحی جلد آن بر اساس طراحی کل مدل گرافیکی (پوستر، پلیرت و سایر تولیدات گرافیکی) سیزدهمین جشنواره آیینی-سنتی صورت گرفته است. طراحی پوستر آن جشنواره نیز بر عهده من بود که در جشنواره ورشو لهستان به عنوان برگزیده انتخاب شد.

از دیگر طراحی‌های روی جلد که اخیرا انجام داده‌ام و جزو کارهای شاخص در این زمینه شده‌اند، می‌توان طرح جلد کتاب «متادرام» نوشته فریدمیرشکار را نام برد که روی جلد آن تنها تصویر گرافیکی مفهومی طراحی شده و عنوان کتاب در پشت جلد آمده است. این شیوه به نوعی ذهن را به چالش می‌کشد. همچنین «از اینجا تا ابدیت» مسعود دادخواه، «غرب غم زده» پویا فرزادانیا و «اینجا کسی نمرده است» سلما سلامتی عنوان سه نمایشنامه‌اند که در یک کتاب و با طراحی جلد من منتشر شده‌اند.

طراحی جلدی که برای کتاب «اصول درام نویسی برای رادیو» انجام دادم نیز کاری ویژه است چرا که بیشتر تصویر جلد آن مخاطب را درگیر می‌کند و عنوان آن بسیار ریز نوشته شده است.

البته با انتشارات شباویز نیز در بخش گرافیک کتاب کودک همکاری دارم. در حال حاضر نیز کتابی با عنوان «روبه رمانتیک» توسط انتشاراتی ای در ترکیه منتشر شد و تصویرگری کتاب «چهار میهمان» احمدرضا احمدی به پایان رسیده و به زودی منتشر خواهد شد. به نظر طراحی جلد این کتاب‌ها کاری شاخص است اما متأسفانه با طراحی و صفحه‌آرایی داخل کتاب به هیچ وجه همخوانی ندارد هر چند من همیشه نسبت به این موضوع انتقاد داشته‌ام چرا که ناشران ارزشی برای تصویرگری و صفحه‌آرایی داخل کتاب‌ها قائل نمی‌شوند که شاید به این دلیل است که اغلب کتاب‌های اینچینی با متن سروکار دارند اما نباید از یاد برد سازمان‌دهی و گرافیک متن نیز اهمیت بسزایی دارد.

باید بپذیریم مخاطب زمانی که می‌خواهد کتاب را از نظر محتوایی مرور کند، طراحی داخلی کتاب او را بیشتر در این زمینه یاری می‌دهد اما متأسفانه در حوزه تئاتر اصلا توجهی به گرافیک نمی‌شود؛ این در حالی است که اهمیت موضوع آنقدر واضح است که نیازی به گفتن من به عنوان یک گرافیست ندارد.

اهالی تئاتر باید به این امر توجه ویژه نشان دهند چرا که طراحی پوستر و جلد متفاوت برای نمایش، تأثیر فراوانی در جلب مخاطب عام و اهالی هنر تئاتر دارد. احساس می‌کنم با طراحی جلد‌هایی که انجام داده‌ام چالشی در این زمینه ایجاد شده چرا که پیش‌تر جریانی یکنواخت و معمولی در این فضا حاکم بود و با این کار موج مخالف و موافق بسیاری به راه افتاده است. البته جوان‌ترها بیشتر از این شیوه استقبال کرده‌اند و مخالفت‌های صورت گرفته از سوی پیشکسوتان این حوزه بوده است.

اعتقاد دارم که تصویرگری و طراحی جلد کتاب وارد مرحله تازه‌ای شده و مخاطب باید با اجرا و نوع طراحی، به سوی کتاب جذب شود نه آن‌که عنوان کتاب او را جلب کند.

### «زنگ شعر» برای معلمان

■ سودابه امینی، شاعر و نویسنده



به تازگی، مجموعه «زنگ شعر» توسط انتشارات لوح زرین منتشر شده است. این مجموعه راهنمای شعرخوانی برای معلمان و مربیان آموزشی است و مخاطب آن نیز معلمان آموزش و پرورش و مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هستند.

در این اثر سعی شده روش‌های شعرخوانی، کار با شعر و تأثیر شعر بر ذهن، قدرت تفکر و خلاقیت کودکان بررسی شود.

«سکوت سر مه‌ای» عنوان کتاب دیگری است که به تازگی انتشارات تکا در ۴۰۰ صفحه منتشر کرده. این کتاب گزیده‌ای از سروده‌های پنج مجموعه منتشر شده قبلی من با عنوان‌های «زمهریر»، «گزیده ادبیات معاصر»، «در فضای بی‌نشان»، «لیلی و هزار زن» و «سیب حوا» است البته چند سروده منتشر نشده را نیز دربردارد.

محتوای تمام اشعار من برگرفته از مضامین اساطیری است و کمتر به موضوعات و مضامین عاطفی یا اجتماعی پرداخته‌ام. در آخرین مجموعه شعرم نیز که قالب جدیدی را در آن تجربه کردم، مضامین اسطوره‌ای را با نمادهای مذهبی و داستان‌های قرآنی آمیخته‌ام.

انتشارات هزاره ققنوس تا دو ماه آینده کتابی با عنوان «بربال سیم‌رغ»، شامل مجموعه نمایشنامه‌های عروسکی مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را منتشر خواهد کرد که در مسابقه نمایشنامه نویسی کانون به عنوان برگزیده انتخاب شدند.

این کتاب به کوشش من به عنوان کارشناس معاونت فرهنگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر می‌شود و حدود ۳۰۰ نمایشنامه را دربردارد.

## یادداشت

احمدرضا احمدی  
شاعر



## آرزوی محال



خودم هم نمی‌دانم چرا به سوی شعر کشیده شدم. در جوانی بیشتر به دنبال تئاتر بودم. نمی‌دانم، شاید تأثیر شعرهای فریدون رهنما بر من بود که شعر را انتخاب کردم. از ۱۹ سالگی سرودن شعر را آغاز کردم و نخستین کتابم در ۲۱ سالگی ام منتشر شد.

اتفاقاتی برای نسل متولدین ۱۳۱۹ رخ داد که در روند کارهایشان بی‌تأثیر نبوده. ۱۰ سالگی من مصادف شده بود با ملی شدن صنعت نفت؛ ۱۳ سالگی من کودتای ۲۸ مرداد بود و ۲۳ سالگی ام قیام ۱۵ خرداد. اینها همه پشت سر هم رخ داد و نسل ما که نسل رادیو و روزنامه بود، با این وقایع ساخته شد و رشد کرد در نتیجه این جریانات نمی‌توانست در کارهایمان بی‌تأثیر باشد.

اتفاقی که در شعر من افتاد، همان بود که در سینمای کیمیاپی رخ داد و هنوز هم متولدان ۱۳۱۹ کارهایشان را با همان روال ادامه می‌دهند؛ آیدین آغداشلو در نقاشی‌هایش، کیمیاپی در فیلم‌هایش، دولت‌آبادی در داستان‌هایش و سپانلو در شعرش.

شاید علت این امر، فقر دوران ما بود؛ فقری که برای عموم آشنا و ملموس بود. هیچ حس نوستالژیکی نسبت به کودکی‌ام ندارم. این را جوانان امروز نمی‌دانند. همه رنج‌هایی که آن نسل تحمل کرد نوعی پختگی و ویژگی را در آثارشان پدیدار ساخت. تجربه فقر و سختی در تمام این آثار به نوعی دیده می‌شود، حال شاید کمی در شعر من مبهم باشد.

البته من و هم‌نسلانم به‌رغم تمام مصائبی که پشت سر گذاشتیم، این شانس را داشتیم که در یکی از شکوفاترین دوران ادبیات ایران رشد یابیم؛ دورانی که جلال آل احمد، مهدی اخوان ثالث، هوشنگ ابتهاج و... بودند و فعالیت می‌کردند و ما با آنها هم عصر شدیم.

یکی از آرزوهایم این بود که تمام اشعارم را در یک مجموعه ببینم؛ به دلیل بیماری‌هایی که تجربه کردم و بارها در بیمارستان بستری شدم، همیشه می‌اندیشیدم که فرصت بسیار اندک است اما به همت نشر چشمه مجموعه سه جلدی «همه شعرهای من» منتشر شد. شاید من از جمله شاعران خوش‌شانسی باشم که در زمان حیاتش توانست مجموعه اشعار خودش را ببیند. در حال حاضر هم مشغول آماده‌سازی جلد چهارم و پنجم این مجموعه‌ام.

اگر استقبال از آثارم خوب بوده من گناهی نداشتم، این ویژگی زندگی است که لحظه به لحظه جلو می‌روی و کشف می‌کنی از این رو شعر من نیز کتاب به کتاب تحول یافت. از نخستین کتابم «طرح» که به نظر من قوانین را به هم ریخت و نوع دیدن را در شعر تغییر داد (این به هم ریختگی در قوانین تنها شکستن وزن و قافیه نیست. این همان چیزی است که راجع به نیما هم می‌گویند و به نظر من آنچه در شعر نیما اهمیت دارد نوع نگاهی است که به جهان داشته) تا آخرین کتابم «شعرا و یاد‌های دفترهای کاهی» که در آن تخلیل و رویا با حافظه تلفیق شده.

به نظر من سایر آثارم «نثرهای یومیه»، «هزار پله به دریا مانده است»، «ساعت ۱۰ صبح» و «چای در غروب جمعه روی میز سرد» همگی نوعی نگاه را دنبال کرده‌اند که پیش‌تر چنین نگاهی را ندیده بودم. نکته دیگر در این سروده‌ها این است که هیچ‌گاه از دیگری حتی از کارهای قبلی‌ام تقلید نکردم.